



اندیشه های اسلامی در پرتو کتاب و سنت

دنیای فرشتگان

تألیف:

دکتر عمر سلیمان اشقر

ترجمه:

گروه فرهنگی انتشارات حرمین

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.nourtv.net

www.islamtxt.com

www.sadaiislam.com

www.ahlesonnat.com

www.islamhouse.com

www.isl.org.uk

www.bidary.net

www.islamtape.com

www.tabesh.net

www.blestfamily.com

www.farsi.sunnionline.us

www.islamworldnews.com

www.sunni-news.net

www.islamage.com

www.mohtadeen.com

www.islamwebpedia.com

www.ijtehadat.com

www.islampp.com

www.islam411.com

www.kalemeh.tv

www.videofarsi.com

فهرست موضوعات

فهرست موضوعات.....	۱
مقدمه.....	۳
فصل اول: ویژگیها و توانایی های فرشتگان	۵
مبحث اول: ویژگیهای فیزیکی و مسایل مربوط به آن.....	۵
مبحث دوم: ویژگیهای اخلاقی فرشتگان.....	۲۴
مبحث سوم: قدرت و توانایی فرشتگان.....	۲۵
فصل دوّم: عبادت و بندگی فرشتگان	۳۵
نگاهی گذرا به سرشت و طبیعت فرشتگان.....	۳۵
مقام و جایگاه فرشتگان.....	۳۶
نمونه‌هایی از عبادت فرشتگان.....	۳۸
فصل سوم: فرشته و انسان	۴۵
مبحث اول: فرشتگان و آدم.....	۴۵
مبحث دوم: فرشتگان و فرزندان آدم.....	۴۸
مبحث سوم: فرشتگان و مؤمنان.....	۷۱
آیا درود فرشتگان برای ما تاثیری دارد؟.....	۷۶
وظیفه‌ی مؤمن در قبال فرشتگان.....	۹۵
مبحث چهارم: فرشتگان، کافران و فاسقان.....	۹۹
فصل چهارم: فرشتگان و سایر مخلوقات	۱۰۹
سایر وظایف فرشتگان در جهان هستی.....	۱۰۹
فصل پنجم: مفاضله و برتری میان فرشته و انسان	۱۱۵
اختلاف نظر در این موضوع دیرینه است.....	۱۱۵

دیدگاه‌های مختلف در خصوص مساله مذکور.....	۱۱۷
سرچشمه‌ی اختلاف.....	۱۱۷
دلایل کسانی که معتقدند انسانهای نیکوکار برتر از فرشتگان هستند.....	۱۱۸
دلایل کسانی که معتقد به برتری فرشتگان بر انسان هستند.....	۱۲۱
تحقیق و بررسی.....	۱۲۱
فهرست منابع.....	۱۲۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ، وَنَسْتَعِينُهُ، وَنَسْتَغْفِرُهُ، وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا، مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ، وَمَنْ يَضِلَّ فَلَا هَادِيَ لَهُ. وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

ایمان و اعتقاد به وجود فرشتگان، یکی از اصول اعتقادی اسلام است که ایمان بدون آن کامل نمی‌گردد. و فرشتگان بخشی از جهان غیب‌اند که خداوند متعال ایمان آورندگان بدان را مورد ستایش و تمجید قرار داده است؛ زیرا ایمان به فرشتگان در واقع پذیرفتن خیر خداوند جَلَّالَهُ و پیام رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است.

قرآن و سنت بطور مفصل این موضوع را شرح داده، و زوایای مختلف آن را بیان کرده‌اند. هر کس قرآن و سنت را در این زمینه مطالعه کند، ایمان و اعتقاد به فرشتگان برایش واضح خواهد بود، و هیچ و در این اعتقاد هیچ گنگی و ابهامی نخواهد یافت، و این مطالعه موجب ایمان عمیق و راسخ بودن این اعتقاد می‌گردد؛ زیرا شناخت تفصیلی از شناخت مختصر و فهرست وار محکم‌تر و استوارتر است.

قرآن و سنت بدین جهت پیرامون فرشتگان به طور مفصل بحث نموده‌اند که انسان بدون وحی نمی‌تواند به شناخت کافی و لازم در مورد این موضوع مهم دست یابد. زیرا حواس انسان ناتوان‌تر از آن است که فرشتگان را ببیند و کلامشان را بشنود، ولی این ناتوانی به مصلحت انسان است؛ زیرا اگر انسان همه‌ی صداهای اطرافش را می‌شنید، و همه‌ی موجودات را مشاهده می‌کرد؛ نمی‌توانست زندگی راحتی داشته باشد؛ برای مثال کافی است تصور کنیم که انسان به همه‌ی صداهایی که از رادیو بخش می‌شود گوش فرا می‌دهد تا از

حوادث و بلاهایی خبر شود که در انتظارش است. پس اگر فرشته هم از اخبار جهان باخبر شود دچار جنون و سرگستگی می شود. کسی گمان نبرد که پرداختن به موضوع این اصل (فرشته) از علوم اساسی نیست؛ زیرا حقایقی که قرآن و سنت در این راستا ارائه می دهند؛ تأثیر بسزایی در نفی خرافات و انحراف از مسیر عقل صحیح دارد؛ چرا که از قدیم مقوله‌ی خدا بودن یا دختر خدا بودن فرشتگان، رایج بوده، و برخی از فیلسوفان هم بر این باور بوده اند که فرشتگان همان افلاک و گردونه‌اند که در فضا دیده می‌شوند.

این حقایق که در قرآن و سنت بیان شده اند، ایمان و اعتقاد ما را نسبت به خدایی که معبود حقیقی است و محافظ و مراقب این جهان هستی است راسخ و عمیق می‌گرداند آن که لشکر خود را از فرشتگان برگزیده تا به امور و شؤون مختلف هستی بپردازند. ارتباط ما با فرشتگان از لحاظ تکوین و بوجود آمدن، و مراقبت و نگهبانی بیانگر اهمیت و ارزش انسان است، و اندیشه‌ی پوچگرایی و حقارت انسان را نفی می‌کند، و با درک این حقیقت انسان ارزش خود را می‌شناسد و تلاش می‌کند نقش بزرگ خود را که موظف به ادای آن است به اثبات برساند.

اگر پیامدها و آثار ارزشمند ایمان به فرشتگان را بررسی کنیم، و آیات و روایات پیرامون این موضوع را ذکر نماییم، در این مقدمه نمی‌گنجد و سخن به درازا می‌کشد. بنابراین موضوع را به خواننده می‌سپارم تا مدت زمانی را با مطالعه و تلاوت آیات و احادیث درباره‌ی این موضوع سپری کند، و با تأمل در آنها خود آثار ناشی از باور به این اصل اعتقادی را لمس نماید.

از خداوند متعال می‌خواهم که این کتاب را موجب سود و بهره‌مندی قرار دهد، و آن را خالصانه از بنده بپذیرد؛ زیرا تنها او برترین مولی و بهترین یاور است

عمر سلیمان اشقر

کویت: ۲۰/ ذی القعدة ۱۳۷۸ هـ - ۲۲/ ۹/ ۱۹۸۷ م.

فصل اول:

ویژگیها و توانایی های فرشتگان

در این فصل تلاش ما بر این است که خصوصیات و ویژگیهای اخلاقی و سرشتی فرشتگان را در پرتو قرآن و احادیث صحیح بیان نموده، سپس به توانمندی آنها بپردازیم.

مبحث اول: ویژگیهای فیزیکی و مسایل مربوط به آن

۱- فرشتگان از چه ماده‌ای و در چه زمانی آفریده شده‌اند؟

فرشتگان از نور آفریده شده‌اند، همانگونه که عایشه رضی الله عنها روایت کرده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: فرشتگان از نور، جن ها از آتش و آدم از چیزی که برای شما بیان شده است، آفریده شده اند.^۱

البته رسول خدا صلی الله علیه و آله نوع نوری را که فرشتگان از آن آفریده شده‌اند، بیان نکرده است. بنابراین ما نمی توانیم بیش از آنچه در این مورد بیان شده توضیح دهیم؛ چون این بحث مربوط به جهان غیب است.

ولی آنچه از عکرمه روایت است مبنی بر اینکه: «فرشتگان از نور عزّت، و ابلیس از آتش عزت آفریده شده» و یا آنچه عبدالله بن عمرو روایت کرده است مبنی بر اینکه: «خداوند فرشتگان را از نور بازو و سینه آفریده است!» استناد بدان صحیح نیست. اگر این روایات از این راویان عالم و دانشمند صحیح باشد، باز هم آنها معصوم نیستند، و ممکن است منبع این روایات اسرائیلیات باشند.^۲

۱- صحیح مسلم (۲۲۹۴/۴). برخی عالم نماها این حدیث و امثال آن را به بهانه‌ی اینکه با حدیث آحاد عقیده ثابت نمی

شود، مردود می دانند ولی این موضوع را در رساله‌ی (أصل الاعتقاد) به این شبهه پاسخ داده ام.

۲- به سلسله الأحادیث الصحیحة (۱۹۷/۱) مراجعه شود.

اما آنچه شاه ولی الله دهلوی در (حجة الله البالغة) گفته مبنی بر اینکه «ملاً اعلی» یعنی ساکنان آسمان و عالم بالا به سه دسته تقسیم می شوند:

دسته ی اول: آنهایی هستند که خداوند می داند هر خوبی و نفعی به وجود آنها بستگی دارد، از این رو بعضی اجسام نوری مانند آتش موسی علیه السلام را آفریده، و نفوس کریمه‌ای را در آنها دمید.

دسته ی دوم: گروهی هستند که بصورت هماهنگ با مزاج بخارهای لطیف از عناصری به وجود آمده‌اند که دارای نفس پاک و والا هستند، و به شدت آلودگی‌های حیوانی را از خود می رانند.

دسته ی سوم: آنهایی هستند که نفوس انسانی دارند، و به ساکنان آسمان بسیار نزدیک هستند، و همواره در حال انجام اعمالی هستند که مفید و موجب رستگاری می باشند، به طوری که پیوستن به آنها سودمند است و پرده های فیزیکی از اجسام این گروه برداشته شده، به گونه ای که اینان در مسیر باشندگان آسمان حرکت می کنند و جزو آنها محسوب می شوند.^۱

هیچ دلیل درست و سند معتبری مبنی بر صحّت این تقسیم‌بندی با این تفصیل وجود ندارد.

چه زمانی فرشتگان آفریده شده‌اند؟

ما نمی دانیم فرشتگان چه زمانی آفریده شده اند؟ خداوند در این باره هیچ گونه اطلاعی به ما نداده است. البته می دانیم که آنها جلوتر از آدم «ابو البشر» آفریده شده اند؛ زیرا خداوند به ما خبر داده که جانشین قرار دادن آدم بر روی زمین را به فرشتگان اعلام نموده، و به اطلاع آنها رسانده است:

﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰٓئِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً ۗ﴾ [بقره: ۳۰]

زمانی که پروردگارت به فرشتگان گفت: من در زمین جانشینی قرار می‌دهم. منظور از خلیفه، آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ است، و خداوند متعال وقتی آدم را آفرید به فرشتگان دستور داد تا او را سجده کنند، آنجا که می‌فرماید:

﴿ فَإِذَا سَوَّيْتُهُ، وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ، سَاجِدِينَ ﴾ [حجر: ۲۹]

یعنی: آن گاه که او را آراسته و پیراسته کردم و از روح متعلق به خود در او دمیدم. (برای بزرگداشت و احترامش) در برابر او به سجده افتید.

۲- فرشتگان از قدرتی بزرگ و هیبتی مهیب برخوردارند

خداوند در مورد فرشتگان مأمور آتش دوزخ می‌فرماید:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ﴾ [تحریم: ۶]

یعنی: ای مؤمنان! خود و خانواده‌ی خویش را از آتش دوزخی بر کنار دارید که افروزینه‌ی آن انسانها و سنگهاست. فرشتگانی بر آن گمارده شده‌اند که خشن و سختگیر، و زورمند و توانا هستند. از خدا در آنچه بدیشان دستور داده است نافرمانی نمی‌کنند، همان چیزی را انجام می‌دهند که بدان مأمور شده‌اند.

ما در این باره تنها به ذکر احادیثی بسنده می‌کنیم که در مورد دو فرشته‌ی گرامی بحث می‌کنند.

درشت اندام بودن جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَامُ

امام احمد در مسند خود از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت کرده که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جبرئیل را به شکل و صورت واقعی اش دید که دارای ششصد بال بود، که هر یک از

بالهایش افق آسمان را پوشانیده بود، و از بالش چیزهایی با رنگهای مختلف از قبیل یاقوت و مروارید می افتاد. ابن کثیر گفته: سند این حدیث جید است.^۱

و در صحیح مسلم روایت شده که رسول خدا ﷺ درباره ی جبرئیل فرمود: «رَأَيْتَهُ مُنْهَبِطًا مِنَ السَّمَاءِ سَادًّا عِظَمَ خَلْقِهِ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ» یعنی: او را دیدم درحالی از آسمان فرود می آید، که بزرگی جسمش فاصله ی میان زمین و آسمان را پر کرده بود.^۲

همچنین خداوند متعال در توصیف جبرئیل فرمود:

﴿إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ﴿١٩﴾ ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ﴾ [تکویر: ۱۹-۲۰]

یعنی: این قرآن، کلام (خدا و توسط) فرستاده بزرگواری (جبرئیل نام برای محمد پیغمبر اسلام، روانه شده) است. او (در ادای مأموریت خود توانا و) نیرومند است، و نزد خداوند صاحب عرش دارای منزلت و مکانت والایی است.

در آیه ی فوق منظور از «رسول کریم» جبرئیل امین است.

درشت اندام بودن حاملان عرش خداوند

حضرت جابر رضی الله عنه نقل می کند که رسول خدا ﷺ فرمود: «به من اجازه داده شده تا درباره ی یکی از فرشتگانی که از حاملان عرش است؛ سخن بگویم. فاصله ی میان نرمله ی گوش تا شانهاش به اندازه ی مسافت هفتصد سال راه است».^۳

۱- (البدایة و النهایة ۴۷/۱)

۲- صحیح مسلم (۱۵۹/۱). و شماره حدیث (۱۷۷)

۳- سنن ابی داود (۸۹۵/۳). شماره (۹۳۵۳)

ابن ابی حاتم حدیث مذکور را نقل کرده و درباره‌ی فاصله‌ی میان نرمة ی گوش و شانه‌ی حاملان عرش گفته: «تخفق الطیر» یعنی: پرنده‌گان از پرواز در این فاصله درمانده می‌شوند. (محقق مشکاة المصابیح) سندش را صحیح گفته است.^۱

طبرانی در معجم اوسط با سند صحیح از انس رضی الله عنه نقل کرده که: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به من اجازه داده شد تا در مورد فرشته‌ای از حاملان عرش سخن بگویم؛ دو پایش در پایین‌ترین قسمت زمین و عرش بر روی شاخس قرار دارد، و فاصله‌ی میان نرمة ی گوش و شانه‌اش به اندازه‌ی مسافت هفتصد سال راه است که پرنده نیز از پیمودن آن ناتوان و درمانده است، این فرشته، خدا را تسبیح کرده و می‌گوید: «پروردگارا هر جا که باشی! پاک و منزّه هستی».^۲

۳- مهم‌ترین ویژگی‌های فیزیکی فرشتگان

۱- بال‌های فرشتگان

بر اساس آیه‌های قرآن فرشتگان دارای بال هستند، بعضی دو بال برخی سه یا چهار بال و برخی بیش از چهار بال دارند:

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنِحَةٍ مَّثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبْعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [فاطر: ۱]

یعنی: ستایش خداوندی را سزاست که آفریننده‌ی آسمانها و زمین است، و فرشتگان را با بالهای دوتا دوتا، و سه تا سه تا، و چهارتا چهارتایی که دارند، مأموران (قدرتمند اجرای فرمان خود در زمینه‌های مختلف تکوینی و تشریحی) کرد. او هر چه بخواهد بر آفرینش (فرشتگان و مردمان و سایر موجودات جهان) می‌افزاید. زیرا که خدا بر هر چیزی

۱- مشکاة المصابیح (۱۲۱/۳). سلسله احادیث الصحیحة. شماره (۱۵۱)

۲- صحیح الجامع الصغیر، چاپ سوم (۲۰۸/۱) به شماره (۸۵۳)

تواناست.

و در احادیثی، رسول خدا ﷺ به ما خبر داده که حضرت جبرئیل (علیه السلام) ششصد بال دارد. که در مباحث گذشته کاملاً بیان گردید.

۲- جمال و زیبایی فرشتگان

خداوند متعال فرشتگان را زیبا آفریده است. چنانکه درباره ی جبرئیل فرموده:

﴿عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى ۝ ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَى ۝﴾ [نجم: ۵-۶]

یعنی: (جبرئیل، فرشته) بس نیرومند آن را بدو آموخته است. همان کسی که دارای خرد استوار و اندیشه وارسته است. سپس او (به صورت فرشتگی خود و با بالهایی که کرانه‌های آسمان را پر کرده بود) راست ایستاد.

ابن عباس رضی الله عنه در تفسیر «ذُو مِرَّةٍ» می نویسد: «یعنی داری سیما و صورت زیباست». قتاده می گوید: «دارای قامتی بلند و زیباست». بعضی «ذُو مِرَّةٍ» را به قدرت و توانایی تفسیر کرده اند، میان این دو تفسیر هیچ منافات و تضادی وجود ندارد؛ زیرا جبرئیل رضی الله عنه هم تواناست و هم زیبا.

فرشتگان در میان مردم نیز به فرشتگان حُسن و جمال معروف اند، همانطور که شیاطین به قُبْح، زشتی و بد شکلی معروف هستند، از این رو انسان زیباروی را به فرشتگان تشبیه می کنند، و هنگامی که زنان مصر جمال و زیبایی یوسف رضی الله عنه را مشاهده کردند گفتند:

﴿حَسَّ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ ۝﴾ [یوسف: ۳۱]

ماشاءالله! این آدمیزاد نیست، بلکه فرشته ی بزرگواری است.

۳- آیا فرشتگان در شکل و صورت شبیه با انسانها هستند؟

امام مسلم در صحیح و ترمذی در سنن خود از جابر رضی الله عنه نقل کرده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در شب معراج تمام پیامبران به من نشان داده شدند، موسی علیه السلام نه بسیار چاق و نه لاغر بلکه میانه اندام بود^۱. گویی از مردان قبیله ی شنوئه بود، و عیسی بن مریم علیه السلام را دیدم که بسیار شبیه عروه بن مسعود بود، و ابراهیم را دیدم که بسیار شبیه من بود، و جبرئیل را دیدم که شبیه دحیه کلبی بود. و در بعضی روایات آمده که: شبیه با دحیه بن خلیفه بود.

ولی آیا این مشابهت میان جبرئیل و دحیه کلبی به شکل اصلی جبرئیل بود، یا زمانی که خود را به شکل انسان در می آورد؟! قول دوم راجح است؛ زیرا در روایات بعدی خواهد آمد که جبرئیل اغلب اوقات به صورت دحیه کلبی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله ظاهر می شد.

۴- تفاوت فرشتگان در جسم و مقام و مرتبه

فرشتگان در جسم و مرتبه با هم برابر نیستند. بعضی دو بال دارند، برخی سه بال، بعضی چهار و بعضی بیشتر، چنانکه جبرئیل (علیه السلام) ششصد بال دارد. و نزد پروردگار دارای مقامهای متفاوت و معلومی هستند، همانگونه که خداوند متعال

می فرماید: ﴿وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ﴾ [صافات: ۱۶۴]

یعنی: هر یک از ما مقام مشخص و جایگاه جداگانه ای داریم.

و درباره ی جبرئیل فرموده است: ﴿إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ﴾ ^(۱۱) ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ

^(۲۰) مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ ^(۲۱) ﴿ [تکویر: ۱۹-۲۱]

یعنی: این قرآن، کلام (خدا و توسط) فرستاده ی بزرگواری (بنام جبرئیل برای محمد پیغمبر اسلام، روانه شده) است. او (در ادای مأموریت خود توانا و) نیرومند است، و نزد خداوند صاحب عرش دارای منزلت و مکانت والایی است. او در آنجا (که ملکوت اعلی و عالم فرشتگان است) فرمانروا، و (در کار ابلاغ وحی و پیام الهی) امین و درستکار است. یعنی جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَام نزد پروردگار جایگاه و منزلت والایی دارد.

بهترین فرشتگان کسانی هستند که در جنگ بدر حضور داشتند. رفاعه بن رافع روایت می کند: که جبرئیل نزد رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمد و گفت: برای کسانی که در غزوه ی بدر حاضر بودند، چه جایگاهی در میان خود قایل هستید؟ رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: آنان از بهترین مسلمانان هستند. جبرئیل گفت: همچنین فرشتگانی که در غزوه ی بدر حضور داشتند، از بهترین فرشتگان محسوب می شوند.^۱

۵- فرشتگان نر و ماده نیستند

از جمله عوامل گمراهی بعضی از انسانها هنگام پرداختن به موضوع عالم غیب این است که جهان غیب را با مقیاس و معیارهای بشری دنیا می سنجند. از این رو بعضی از آنان تعجب می کنند که چگونه جبرئیل در مدت چند ثانیه بعد از مطرح شدن سؤالی که نیاز بود از طرف خداوند عَلَيْهِ السَّلَام جواب داده شود، بر محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل می شد؟ و حضور جبرئیل را در مدت کوتاه و با سرعت خارق العاده و باور نکردنی تلقی می کنند و می گویند: چگونه چنین چیزی ممکن است، در حالی که نور (با سرعت سیصد هزار کیلومتر در ثانیه) نیاز به میلیونها سال نوری دارد تا به برخی از سیارگان نزدیک ما در آسمان برسد؟!

این انسان مسکین نمی داند که او مانند پشه ای است که می خواهد سرعت هواپیما را با معیار خاص خود بسنجد. اگر این انسان خوب می اندیشید، قطعاً می دانست که معیارهای جهان فرشتگان کاملاً متفاوت با معیار ما انسانهاست.

مشرکین عرب هم در این عرصه ها به بیراهه رفتند؛ زیرا فرشتگان را از جنس زنان می-پنداشتند، و این پندارشان که خالی از واقعیت بود با خرافاتی واهی، در هم آمیخت، بدینگونه که فرشتگان را دختران خدا می-پنداشتند!

قرآن در هر دو پندار با آنان به جدل و بحث پرداخته، و ثابت کرد که مشرکین برای اثبات موضع خود در قبال فرشتگان، دلیل صحیحی ندارند، و این ادعای آنان هیچگونه اعتبار و ارزشی ندارد. بسی جای تعجب است که آنها دختران را به خدا نسبت می-دادند در حالی که خود از داشتن دختر اظهار نفرت و ناخرسندی می-کردند، و هرگاه بشارت تولد دختری به آنان داده می-شد، از فرط پریشانی، رنگ چهره-شان تیره می-شد، و غمگین می-شدند، و به جهت احساس سرافکنندگی و خجالت خود را از مردم پنهان می-کردند؛ زیرا داشتن دختر را برای خود مایه ی عار و ننگ می-دانستند؛ حتی این حماقت گاهی به مرحله-ای می-رسید که دختر نوزاد را زنده در گور می-کردند، و با این وجود داشتن چنین فرزندی را به خدا نسبت می-دادند و پندارشان بر این بود که فرشتگان دختر خدا ﷻ هستند. آری، خرافات بدینگونه گسترش پیدا کرد، و در ذهن و اندیشه-ی کسانی که از نور الهی بهره ای نداشتند، ریشه دوانید.

به آیه های زیر توجه کنید که چگونه این خرافات را به تصویر کشید. و با اهل خرافات به جدل می-پردازد و می-فرماید: ﴿فَاسْتَفْتِهِمَ الرِّبَّكَ الْبَنَاتُ وَلَهُمُ الْبَنُونَ﴾ (۱۴۹) **أَمْ خَلَقْنَا الْمَلَائِكَةَ إِنثًا وَهُمْ شَاهِدُونَ** (۱۵۰) **أَلَا إِنَّهُمْ مِّنْ أَفْئِكِهِمْ لَيَقُولُونَ** (۱۵۱) **وَلَدَ اللَّهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ** (۱۵۲) **أَصْطَفَى الْبَنَاتِ عَلَى الْبَنِينَ** (۱۵۳) **مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ** (۱۵۴) **أَفَلَا تَذَكَّرُونَ** (۱۵۵) **أَمْ لَكُمْ سُلْطَانٌ مُّبِينٌ** (۱۵۶) [صافات: ۱۴۹-۱۵۶]

یعنی: از آنان (که ساکن مکه بوده و به دنبال خرافات راه افتاده و معتقدند که فرشتگان دختران خداوند) بپرس که آیا دختران از آن پروردگار تو باشند و پسران از آن خودشان؟ (آیا این عادلانه است؟) یا این که (وقتی که) ما فرشتگان را به صورت ماده می-آفریدیم، ایشان ناظر (بر خلقت فرشتگان) بوده-اند؟ هان! آنان تنها از روی دروغها و تهمتهای به هم

بافته خود می‌گویند: خداوند فرزند زاده است! قطعاً ایشان دروغگویند. آیا خداوند دختران را بر پسران ترجیح داده است چه چیزتان شده است، چگونه داوری می‌کنید؟ آیا یادآور نمی‌گردید. یا این که شما دلیل روشن و روشنگری (در این زمینه) دارید؟

خداوند این ادعایشان را گواهی قرار داده که آنان را در مورد صحت و سقم آن محاسبه می‌کند؛ زیرا بزرگترین گناه دروغ پردازی و افترا نسبت خداوند است. می‌فرماید:

﴿ وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبْدُ الرَّحْمَنِ إِنثًا أَشْهَدُوا خَلَقَهُمْ سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ ﴾ [زخرف: ۱۹]

یعنی: آنان فرشتگان را که بندگان خدای مهربانند، مؤنث بشمار می‌آورند (و دختران خدا قلمداد می‌نمایند!). آیا ایشان به هنگام آفرینش فرشتگان حضور داشته‌اند و خلقتشان را مشاهده نموده‌اند؟! اظهارنظر و گواهی ایشان (بر این عقیده بی‌اساس، در نامه‌های اعمالشان) ثبت و ضبط می‌شود و (در روز قیامت، از سوی خدا) بازخواست می‌گردند.

۶- فرشتگان نمی‌خورند و نمی‌آشامند

در مباحث گذشته یادآور شدیم که فرشتگان نر و ماده (مذکر و مؤنث) نیستند به خوردنیها و نوشیدنیهای انسان نیازی ندارند. و خداوند ﷻ به ما خبر داد که فرشتگان به شکل انسان نزد حضرت ابراهیم عليه السلام رفتند. ابراهیم عليه السلام برای آنان غذا آورد، اما آنان دستشان را بسوی غذا دراز نکردند. ابراهیم هراسی از آنان به دل راه داد، آنگاه آنان از حقیقت پرده برداشتند و گفتند: و ما فرشته ایم آنگاه بیم و حیرت حضرت ابراهیم برطرف گردید. قرآن این جریان را چنین بازگو نموده و می‌فرماید:

۱- از این رو لازم است که فرد مسلمان از گفتن هر مقوله ای بدون علم و آگاهی بر حذر باشد، و به کسانی که ادعا می‌کنند که اصل انسان میمون یا چیز دیگری بوده همین سخن گفته می‌شود: أَشْهَدُوا خَلَقَهُمْ سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ: آیا ایشان به هنگام آفرینش حضور داشته‌اند و خلقتشان را مشاهده نموده‌اند؟

﴿ هَلْ أَنْتَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ ﴿٢٤﴾ إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَّمَ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ ﴿٢٥﴾ فَرَاغَ إِلَىٰ أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعِجَلٍ سَمِينٍ ﴿٢٦﴾ فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ ﴿٢٧﴾ فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ وَبَشِّرُوهُ بِنِعْمَةٍ عَلِيمٍ ﴿٢٨﴾ ﴾ [ذاریات: ۲۴-۲۸]

یعنی: آیا خبر مهمانهای بزرگوار ابراهیم به تو رسیده است؟ در آن زمانی که بر او وارد شدند و گفتند: سلام (بر تو!) گفت: سلام بر شما! (شما مهمانان، برایم) مردمان ناآشنا و ناشناسی هستید. به دنبال آن، پنهانی به سوی خانواده ی خود رفت، و گوساله فربه‌ای را (که بریان کرده بودند، برای ایشان) آورد. و آن را نزدیک ایشان گذارد. (ولی با تعجب دید دست به سوی غذا نمی‌برند و از آن چیزی نمی‌خورند!) گفت: آیا نمی‌خورید؟! (هنگامی که دید دست به سوی غذا نمی‌برند) در دل از ایشان احساس ترس و وحشت کرد. گفتند: نترس! سپس او را به تولد پسری دانا و آگاه مژده دادند.

در آیه ای دیگر همین جریان چنین بازگو شده است:

﴿ فَلَمَّا رَأَوْا أَيْدِيَهُمْ لَا تَصِلُ إِلَيْهِ نَكَّرَهُمْ وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ لُّوطٍ ﴾ [هود: ۷۰]

یعنی: هنگامی که دید آنان دست به سوی آن دراز نمی‌کنند (و لب به غذا نمی‌زنند، پیش خود فکر کرد که دوست نیستند و سر جنگ دارند، این است که نمی‌خواهند غذا بخورند) از این رو از ایشان رمید و بدشان دید و هراسی از آنان به دل راه داد. گفتند: نترس. ما (فرشتگان خدائیم و) به سوی قوم لوط روانه شده‌ایم.

علامه سیوطی به نقل از امام رازی می‌گوید: همه‌ی علما بر این اتفاق نظر دارند که فرشتگان نمی‌خورند، و نمی‌آشامند و ازدواج نمی‌کنند.^۱

۱- الحبانک فی أخبار الملائک (ص ۲۶۴)

۷- فرشتگان ملول و خسته نمی شوند

فرشتگان به عبادت و اطاعت و اجرای اوامر خداوند متعال مشغول هستند، بدون اینکه خسته یا ملول گردند مانند انسانها خسته و درمانده نمی شوند؛ خداوند در وصف فرشتگان می فرماید:

﴿يَسْبَحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ﴾ [انبیاء: ۲۰]

یعنی: شب و روز (دائماً به تعظیم و تمجید خدا مشغولند و پیوسته) سرگرم تسبیح و تقدیس اند و سستی به خود راه نمی دهند.

و «لَا يَفْتُرُونَ» یعنی سست و تضعیف نمی شوند. در آیه ی دیگر آمده است:

﴿فَإِنْ أَسْتَكْبَرُوا فَالَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْمُونَ﴾ [فصلت: ۳۸]

یعنی: اگر (مشرکان) خود را بزرگتر از آن دیدند (که به عبادت و پرستش پروردگار بپردازند، باک مدار. چرا که) آنان که در پیشگاه پروردگارت منزلت و مکانت دارند (که فرشتگان مقربند) شب و روز به تسبیح و تقدیس او سرگرمند و به هیچ وجه ایشان (از این کار) خسته و درمانده نمی گردند.

عرب می گوید: «سئم الشئ» یعنی آن را ملول کرد.

سیوطی از جمله ی «لَا يَفْتُرُونَ» به نقل از امام فخر رازی چنین استدلال می کند که فرشتگان نمی خوابند.

۸- محل سکونت فرشتگان

منزل و محل سکونت فرشتگان در آسمانهاست، همانگونه که خداوند می فرماید:

﴿تَكَادُ السَّمَوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ﴾ [شوری: ۵]

یعنی: آسمانها (با همه ی عظمتی که دارند) نزدیک است (در برابر جلال و عظمت او کرنش کنان) از بالا درهم بشکافند. و فرشتگان (با همه ی قدرتی که دارند همیشه) به تسبیح و تقدیس پروردگارشان مشغولند.

خداوند فرشتگان را نزد خود قرار داده است، همانگونه که می فرماید:

﴿ فَإِنْ أَسْتَكْبَرُوا فَالَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْأَمُونَ ﴾
[فصلت: ۳۸]

یعنی: اگر (مشرکان) خود را بزرگتر از آن دیدند (که به عبادت و پرستش پروردگار پردازند، باک مدار. چرا که) آنان که در پیشگاه پروردگارت منزلت و مکانت دارند (که فرشتگان مقربند) شب و روز به تسبیح و تقدیس او سرگرمند و به هیچ وجه ایشان (از این کار) خسته و درمانده نمی گردند.

فرشتگان به فرمان خداوند و برای انجام کارها و وظایف مهمی که مربوط به آنان است بر زمین فرود می آیند:

﴿ وَمَا نُنزِّلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ ﴾ [مریم: ۶۴]

یعنی: ما (فرشتگان، بندگان جان و دل بر کف یزدان) جز به فرمان پروردگارت فرود نمی آییم.

و در شبهای ویژه ای مانند شب قدر به کثرت فرود می آیند:

﴿ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ ۚ نَزَّلْنَا الْمَلَائِكَةَ وَالرُّوحَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمٍّ ﴾ [قدر: ۳-۴]

یعنی: شب قدر شبی است که از هزار ماه بهتر است. فرشتگان و جبرئیل در آن شب با اجازه پروردگارشان، پیایی (به کره ی زمین و به سوی پرستشگران و عبادت کنندگان شب زنده دار) می آیند برای هرگونه کاری (که بدان یزدان سبحان دستور داده باشد)

۹- تعداد فرشتگان

تعداد فرشتگان بسیار زیاد است و آمار دقیق آنان را جز خداوندی که آنها را آفریده کسی دیگر نمی‌داند، همانگونه که می‌فرماید:

﴿وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ﴾ [مدثر: ۳۱]

یعنی: لشکرهای پروردگارت را جز او کسی نمی‌داند.

اگر می‌خواهی تعداد فرشتگان را بدانی، به سخن حضرت جبرئیل درباره ی بیت المعمور گوش فرا ده آنگاه که رسول خدا ﷺ از وی در این باره پرسید، جبرئیل گفت: «روزانه هفتاد هزار فرشته وارد آن می‌شوند و برای بار دوم هرگز بسوی آن بر نمی‌گردند»^۱.

از عبدالله روایت است که رسول خدا ﷺ فرمود:

﴿يُؤْتَى بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لَهَا سَبْعُونَ أَلْفَ زِمَامٍ مَعَ كُلِّ زِمَامٍ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ يُجْرُونَهَا﴾^۲.

یعنی: روز قیامت جهنم آورده می‌شود که هفتاد هزار زمام (مهار) دارد، و هر زمام را هفتاد هزار فرشته گرفته و می‌کشند.

بنابر این در روز قیامت (۴۹) میلیون فرشته دوزخ را کشیده و می‌آورند.

اگر آیات و روایات وارده درباره ی فرشتگان مراقب اعمال انسانها را با دقت مورد مطالعه قرار دهی، گستردگی شمار و تعداد آنها را درک خواهی کرد، فرشته ای بر جنین، و دو فرشته برای ثبت اعمال هر انسان گمارده شده اند، فرشتگانی نیز به منظور حراست و پاسداری او، و یک فرشته برای هدایت و راهنمایی او همراه می‌باشند.

۱- بخاری (۱۰۳/۶) شماره (۲۲۰۷). مسلم (۱۴۶/۱) شماره (۱۶۲)

۲- مسلم (۸۴/۴) شماره (۲۸۴۲)

۱۰- نامهای فرشتگان

هر کدام از فرشتگان نام مخصوصی دارند و ما جز نام تعداد اندکی از آنها را نمی دانیم. نام بعضی از فرشتگان در آیات ذیل آمده است:

۱-۲- جبرئیل و میکائیل

خداوند می فرماید:

﴿ قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ، عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٩٧﴾ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَائِيلَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ ﴿٩٨﴾ ﴾ [بقره: ۹۷-۹۸]

یعنی: بگو: کسی که دشمن جبرئیل باشد (در حقیقت دشمن خداست) زیرا که او به فرمان خدا قرآن را بر قلب تو نازل کرده است (نه این که خودسرانه دست به چنین امری زده باشد). قرآنی که کتابهای آسمانی پیشین را تصدیق می کند، و هدایت و بشارت برای مؤمنان است. کسی که دشمن خدا و فرشتگان و فرستادگان او و جبرئیل و میکائیل باشد (خداوند دشمن او است). چه خداوند دشمن کافران است.

و جبرئیل همان روح الامین است که در آیه ای دیگر بدین نام از وی یاد شده است که فرمود:

﴿ نَزَّلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ ﴿١٩٣﴾ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ ﴿١٩٤﴾ ﴾ [شعراء: ۱۹۳-۱۹۴]

یعنی: جبرئیل آن را فرو آورده است. بر قلب تو، تا از زمره ی بیم دهندگان باشی.

و نیز منظور از روح همان جبرئیل است، و جبرئیل همان روح است که خداوند او را بسوی مریم فرستاده است، آنجا که می فرماید:

﴿ فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا ﴿١٧﴾ ﴾ [مریم: ۱۷]

یعنی: ما جبرئیل (فرشته) خویش را به سوی او فرستادیم و جبرئیل در شکل انسان کامل خوش قیافه‌ای بر مریم ظاهر شد.

۳- اسرافیل

یکی دیگر از فرشتگان اسرافیل است که ماموریت دمیدن در صور را بر عهده دارد. جبرئیل، میکائیل و اسرافیل همان فرشتگانی هستند که رسول خدا ﷺ در دعای خود هنگام شروع نماز شب یادی از آنها به میان آورده و فرمود:

«اللَّهُمَّ رَبَّ جِبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ اهْدِنِي لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ».

یعنی: پروردگارا! ای رب جبرئیل، میکائیل و اسرافیل! ای آفریدگار آسمانها و زمین! ای آگاه بر پیدا و پنهان! تو میان بندگان در مسایل مورد اختلافشان قضاوت می کنی. به اجازه و فرمان خود در مسایل مورد اختلاف مرا به حق هدایت بفرما! بدون شک تو هر کس را که بخواهی به راه راست راهنمایی می کنی.

۴- مالک

یکی از فرشتگان، مالک نام دارد که نگهبان دوزخ است، همانگونه که خداوند متعال در این باره می فرماید:

﴿وَنَادُوا بِمَلِكٍ لِيَقْضِيَ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُمْ مَرْكُوتٌ﴾ [زخرف: ۷۷]

یعنی: آنان فریاد می زنند: ای مالک! پروردگارت ما را بمیراند و نابودمان گرداند (تا بیش از این رنج نبریم و از این عذاب دردناک آسوده شویم. او بدیشان) می گوید: شما (اینجا) می مانید (و مرگ و میر و نیستی و نابودی در کار نیست).

۵- رضوان

مفسّر معروف علامه ابن کثیر رحمه الله می گوید: مدیر و مسئول بهشت فرشته ای به نام رضوان است، و در بعضی احادیث نام رضوان بطور صریح آمده است.^۱

۶-۷- منکر و نکیر

منکر و نکیر هم از جمله فرشته هایی هستند که رسول خدا ﷺ از آنها یاد کرده است و در روایات مربوط به سوال و جواب در قبر؛ نامشان مشهور است.

۸-۹- هاروت و ماروت

از جمله فرشتگان دو فرشته ای هستند که هاروت و ماروت نام دارند، و خداوند با همین نام آنان را در قرآن یاد کرده، آنجا که فرمود:

﴿وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَمَا أُنزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَرْوَتَ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ﴾ [بقره: ۱۰۲]

یعنی: سلیمان هرگز (دست به سحر نیالوده و) کفر نوزیده است، و بلکه (این) شیاطین صفتان گناه‌پیشه، کفر ورزیده‌اند. (زیرا چنین سخنانی را به هم بافته و به پیغمبر خدا سلیمان افتراء بسته و به جای دستورات آسمانی، به مردم) جادو و (خرافات و از آثار بجا مانده) آنچه در بابل بر دو فرشته هاروت و ماروت نازل گردیده بود می‌آموزند. (دو فرشته‌ای که طریق سحرکردن را برای آشنایی به طرز ابطال آن به مردم یاد می‌دادند) و به هیچ کس چیزی نمی‌آموختند، مگر این که پیشاپیش بدو می‌گفتند: ما وسیله آزمایش هستیم کافر نشو.

از سیاق آیه چنین بر می آید که خداوند در فاصله زمانی دو پیامبر؛ هاروت و ماروت را جهت امتحان مردم فرستاده بود. پیرامون این دو فرشته در کُتُب تفسیر و تاریخ، افسانه پردازی های زیادی شده که هیچ کدام از آنها در قرآن و حدیث به اثبات نرسیده است. بنابراین باید درباره‌ی این دو فرشته به همان اندازه بسنده کرد که از آیه ی قرآن ثابت می شود.

۱۰- عزرائیل

در برخی از آثار؛ از فرشته‌ی مأمور قبض ارواح انسانها به عزرائیل یاد شده است، البته این نام در قرآن و احادیث صحیح ذکر نشده است.^۱

۱۱-۱۲- رقیب و عتید

برخی از علما با استدلال به این آیه معتقدند که نام برخی فرشتگان رقیب و عتید است؛ که می فرماید:

﴿ إِذْ يُلْقَى الْمَتَلَقِيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ ﴿١٧﴾ مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ ﴿١٨﴾ ﴾ [ق: ۱۷-۱۸]

یعنی: بدانگاه که دو فرشته‌ای که در سمت راست و در طرف چپ انسان نشستند و اعمال او را دریافت می دارند. انسان هیچ سخنی را بر زبان نمی راند مگر این که فرشته‌ای، مراقب و آماده (برای دریافت و نگارش) آن سخن است.

ولی این دیدگاه صحیح نیست، زیرا رقیب و عتید صفت دو فرشته ای هستند که اعمال انسان ها را ثبت می کنند، و به معنای دو فرشته ای هستند که همواره با انسان همراهند، و با حضور خود، ناظر بر اعمال آنانند، و لحظه ای از انسان غایب نمی شوند. از این رو منظور این نیست که اسم دو فرشته رقیب و عتید است.

۱۱- آیا فرشتگان مرگ و میر دارند؟

فرشتگان هم مانند انسان ها و جن ها می میرند، این مطلب با صراحت در قرآن مجید آمده است، آنجا که می فرماید:

﴿وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ﴾ [زمر: ۶۸]

یعنی: در صور دمیده خواهد شد و تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند می میرند مگر کسانی که خدا بخواهد (آنان را تا زمان دیگری زنده بدارد). سپس بار دیگر در آن دمیده می شود، به ناگاه همگی (جان می گیرند و) بپا می خیزند و می نگرند.

آیه ی فوق شامل فرشتگان نیز هست؛ چون فرشتگان در آسمان ها هستند. ابن کثیر در تفسیر این آیه می فرماید: این دمیدن دوم همان صعق است، که با دمیدن آن، همه ی موجودات زنده ی زمین و آسمانها می میرند، مگر آنهایی که اراده ی خداوند بر این باشد که نمیرند.

این مطلب در حدیث مشهور «صور» به صراحت آمده است. سپس همه ی افراد باقیمانده می میرند تا جایی که آخرین موجود زنده ای که می میرد «ملک الموت» است، سپس خداوند جل جلاله زنده و قیوم، تنها زنده باقی می ماند، ذاتی که از ازل هم زنده بوده و تا ابد باقی است. و آنگاه خداوند سه بار می فرماید: ﴿لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ﴾ یعنی: امروز پادشاهی و حکومت، از آن کیست؟ خودش جواب می دهد: ﴿لِلَّهِ الْوَحْدِ الْقَهَّارِ﴾ یعنی: فرمانروایی از آن خدای یکتا و قهار است.

یکی دیگر از دلایلی که بیانگر مرگ فرشتگان است این آیه است: ﴿كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا

وَجْهَهُ﴾ [قصص: ۸۸]

یعنی: همه چیز جز ذات او فنا و نابود می‌شود.

آیا پیش از دمیدن صور فرشته ای می‌میرد؟ این مطلب را ما نمی‌دانیم و بحث پیرامون آن از دایره‌ی توان ما خارج است؛ زیرا هیچ نصّی در این موضوع وارد نشده که بیانگر اثبات یا نفی آن باشد.

مبحث دوم: ویژگیهای اخلاقی فرشتگان

فرشتگان بزرگوار و نیکمنش و نیکوکردارند

خداوند فرشتگان را نیکمنش و گرامی توصیف نموده است، آنجا که می‌فرماید:

﴿بِأَيِّدِي سَفَرَةٍ ۱۵﴾ كِرَامٍ بَرَرَةٍ ﴿۱۶﴾ [عبس: ۱۵-۱۶]

یعنی: (قرآن) با دست نویسندگانی (نگارش یافته است) که بزرگوار و نیکمنش و نیکوکردارند.

منظور از «سَفَرَةٍ» فرشته است؛ زیرا آنان پیام‌آوران خداوند بسوی پیامبران الهی هستند. امام بخاری می‌گوید: «سَفَرَةُ» یعنی: فرشتگان که مفردش «سافر» است، «سَفَرَتٌ» یعنی: رابطه میان آنان را اصلاح کردم. فرشتگان وقتی وحی الهی را کاملاً به پیامبران می‌رسانند همانند سفیرانی هستند که میان مردم صلح و آشتی برقرار می‌کنند. و خداوند آنها را به ارجمند و نیکوکار توصیف کرده و فرموده: ﴿كِرَامٍ بَرَرَةٍ﴾ یعنی: بزرگوار، نیکمنش و نیکوکردارند، و نیز رفتار و اعمال آنان شایسته، پاکیزه و کامل است، از این رو عالم دین، و حامل قرآن باید نیک کردار و پسندیده گفتار باشد.

حضرت ام‌المؤمنین عایشه رضی الله عنها روایت می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«الَّذِي يَقْرَأُ الْقُرْآنَ وَهُوَ مَاهِرٌ بِهِ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ وَالَّذِي يقرأهُ وَهُوَ عَلَيْهِ شَاقٌّ لَهُ أَجْرَانِ»^۱

یعنی: کسی که قرآن را تلاوت می کند، و در تلاوت مهارت دارد همراه با فرشتگان بزرگوار و نیکمنش است، و شخصی که قرآن را تلاوت می کند ولی چون در آن مهارت ندارد متحمل زحمت و مشقت می گردد دو اجر دارد.

۱- حیای فرشتگان

از جمله ویژگیهای اخلاقی فرشتگان که رسول خدا ﷺ بیان فرموده، شرم و حیاست. عایشه رضی الله عنها روایت کرده که: رسول خدا ﷺ در اتاق عایشه دراز کشیده بود و ساق پایش برهنه بود، در آن موقع ابوبکر رضی الله عنه آمد و اجازه ی ورود خواست. به او اجازه داد و با وی سخن گفت. بعد عمر رضی الله عنه آمد و اجازه ی ورود خواست. به او نیز اجازه داد و با وی سخن گفت. بعد عثمان رضی الله عنه اجازه ی ورود خواست. رسول خدا ﷺ برخاست و نشست و لباسهایش را مرتب کرد، سپس عثمان رضی الله عنه وارد خانه شد و با ایشان سخن گفت، بعد بیرون رفت. وقتی عثمان از خانه بیرون رفت، عایشه عرض کرد: ابوبکر وارد خانه شد شما به او توجه خاصی نکردی، عمر نیز وارد شد همانگونه با او برخورد کردی، ولی وقتی عثمان داخل شد نشستی و لباسهایش را مرتب کردی؟ رسول خدا ﷺ فرمود: «أَلَا أَسْتَحْيِي مِنْ رَجُلٍ تَسْتَحْيِي مِنْهُ الْمَلَائِكَةُ» یعنی: آیا من شرم نکنم از کسی که فرشتگان از وی شرم می کنند؟^۲

مبحث سوم: قدرت و توانایی فرشتگان

۱- قدرت تغییر شکل

۱- بخاری (ش. ۴۹۳۷)

۲- مسلم (۱۸۶۶/۴) شماره (۲۴۰۱)

خداوند ﷻ این استعداد و توانایی را به فرشتگان داده که می توانند خود را به شکلهای گوناگون در آورند. خداوند ﷻ جبرئیل را به صورت انسان نزد مریم دختر عمران فرستاد، آنجا که می فرماید:

﴿وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْفِيًّا ﴿١٦﴾ فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا ﴿١٧﴾ قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا ﴿١٨﴾ قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا ﴿١٩﴾﴾ [مریم: ۱۶-۱۹]

یعنی: (ای پیغمبر!) در کتاب (آسمانی قرآن، اندکی) از مریم سخن بگو، آن هنگام که در ناحیه شرقی (بیت المقدس برای فراغت عبادت) از خانواده اش کناره گرفت. و پرده ای میان خود و ایشان افکند (تا خلوتکده اش از هر نظر برای عبادت آماده باشد، در این هنگام) ما جبرئیل (فرشته) خویش را به سوی او فرستادیم و جبرئیل در شکل انسان کامل خوش قیافه ای بر مریم ظاهر شد. (مریم لرزان و هراسان) گفت: من از (سوء قصد) تو، به خدای مهربان پناه می برم. اگر پرهیزگار هستی (بترس که من به خدا پناه برده و او کس بیکسان است). (جبرئیل) گفت: (مترس که من یکی از فرشتگان یزدانم و) پروردگارت مرا فرستاده است تا (سبب شوم و) به تو پسر پاکیزه ای (از نظر خلق و خوی و جسم و جان) ببخشم.

علاوه بر این، فرشتگان بصورت انسان نزد حضرت ابراهیم عليه السلام آمدند، و متوجه نشد که آنها فرشته هستند تا اینکه خودشان از حقیقت پرده برداشتند. و آیه های زیادی درباره این مطلب در مباحث گذشته بیان گردید.

همچنین فرشتگان بصورت جوانان زیباروی نزد حضرت لوط عليه السلام آمدند و لوط عليه السلام از ورود آنان ناراحت شد و از سوی قوم خود برای آنان احساس خطر کرد؛ زیرا قوم او مردمانی بدکردار بودند و همیشه دنبال بزهکاری و فساد اخلاقی بودند، و غریزه جنسی خود را بجای زنان از مردان ارضاء می کردند، همانگونه که قرآن می فرماید:

﴿وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِئَاءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالَ هَذَا يَوْمٌ عَصِيبٌ﴾ [هود: ۷۷]

یعنی: هنگامی که فرستادگان ما (به صورت جوانانی) پیش لوط درآمدند، لوط از آمدن آنان بسیار ناراحت گردید و دانست که قدرت دفاع از ایشان (در برابر قوم تباہکار خود) را ندارد، و گفت: امروز روز بسیار سخت و دردناکی است.

ابن کثیر می گوید: «فرشته ها جهت آزمون و امتحان به صورت جوانانی زیباروی خود را به آنها نشان دادند تا بر قوم لوط اتمام حجت شود، سپس ایشان را گرفتار کرد و کیفر داد بسان کیفر دادن خدایی چیره، پیروز و قدرتمند.^۱»

جبرئیل با شکوه و ویژگیهای متفاوتی نزد رسول خدا ﷺ می آمد. گاهی به شکل دحیه بن خلیفه کلبی می آمد (دحیه از صحابه و مردی بسیار زیباروی بود) و گاهی هم به شکل یک مرد بادیه نشین خود را نشان می داد، که بسیاری از صحابه او را می دیدند.

در صحیح بخاری و مسلم آمده که: عمر رضی الله عنه روایت می کند: روزی در محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بودیم، مردی با لباس بسیار سفید و موهای خیلی سیاه که آثار سفر بر او دیده نمی شد، و هیچ کس از حاضران او را نمی شناخت، آمد و نزدیک رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نشست و دو زانوی خود را با زانوهای ایشان وصل کرد و دو دستش را بر رانهایش گذاشت و گفت: «ای محمد! درباره ی اسلام برایم بگو..... و نیز از ایمان، احسان، قیامت و نشانه های آن سؤال کرد».^۲

پس از رفتن این مرد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: او جبرئیل بود، آمده بود تا به صحابه دین را بیاموزاند.

۱- البدایة النہایة (۴۳/۱)

۲- مسلم (۳۷/۱) شماره (۸)

همچنین عایشه رضی الله عنها رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را دید که دستش را بر روی اسب دحیه‌ی کلبی گذاشته بود و با او سخن می‌گفت. وقتی عایشه در این باره از ایشان پرسید، فرمود: او جبرئیل بود و به شما سلام رساند.^۱

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره‌ی شخصی که نود و نه نفر را کشته بود فرمود: «وقتی این شخص توبه‌کنان هجرت کرد، در وسط راه مرگ به سراغش آمد، فرشته‌ی عذاب و فرشته‌ی رحمت در مورد او اختلاف پیدا کردند، و برای حل اختلاف فرشته‌ی ای را به عنوان داور مقرر کردند که به صورت انسان نزد آنان آمده بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «فَاتَاهُمْ مَلَكٌ فِي صُورَةِ آدَمِيٍّ فَجَعَلُوهُ بَيْنَهُمْ فَقَالَ قَيْسُوا مَا بَيْنَ الْأَرْضَيْنِ فَإِلَىٰ أَيِّمَا كَانَ أَذْنَىٰ فَهُوَ لَهُ».

یعنی فرشته‌ی ای بصورت انسان نزد آن دو آمد و گفت: مسافت میان مقصد و مبدأ راهش را اندازه بگیرید، به هر کدام از این دو (مبدأ و مقصد) نزدیک تر بود، جزو همان محسوب می‌شود. (آن دو فرشته به فرمان خداوند او را داور قرار داده بودند).

بنابراین خداوند آن دو فرشته را به شکل انسان برای داوری نزد آنها فرستاده بود. این داستان در صحیح مسلم در باب توبه به طور مفصل ذکر شده است.

در قصه‌ی سه نفر بنی اسرائیلی که یکی دارای بیماری جذام و دیگری کچل و سوّمی نابینا بود، آمده است که فرشته برای امتحان آنها بصورت انسان نزد آنان رفت، که داستان آن ذکر خواهد آمد.

بسیاری از علما پیرامون نحوه‌ی تغییر شکل فرشتگان نظریاتی عقلی مطرح کرده اند، و سخنان بسیار نامطلوبی گفته اند، ولی طرح این نظریه‌ها در این مباحث غیبی کمترین سودی به آنان نرسانیده است. خداوند پیرامون قدرت تغییر شکل و چگونگی آنان به ما خبر داده، و باید روش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و اصحاب بزرگوار برای این علما الگو می‌بود

۱- احمد در مسند ابن سعد در طبقات.

که از مطرح کردن چنین مسائلی توقف می کردند. برای اطلاع بیشتر در این زمینه به کتاب «الجبائک فی أخبار الملائک» تألیف علامه سیوطی مراجعه شود.^۱

۲- سرعت فوق العاده

بالاترین سرعتی که انسان بدان آشناست، سرعت نور است. سرعت نور ۳۰۰ هزار کیلومتر در ثانیه است. ولی سرعت فرشتگان بیش از این است که با معیار و مقیاس های بشری قابل سنجش نیست. گاهی سؤال کننده ای نزد رسول خدا ﷺ می آمد، ولی هنوز از مطرح کردن سؤال خود فارغ نشده بود که جبرئیل پاسخ را از جانب خدای بلند مرتبه می آورد.

امروزه اگر بتوانند فضاییمایی بسازند که سرعتش برابر با سرعت نور باشد، میلیاردها سال نوری طول می کشد تا به یکی از ستارگان موجود در آفاق دوردست این جهان پهناور و گسترده برسد.

۳- علم فرشتگان

فرشتگان از علم و آگاهی فراوانی برخوردارند که خداوند به آنان آموخته است، اما مانند انسان قدرت شناخت اشیاء را ندارند، همانگونه که خداوند متعال می فرماید:

﴿ وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۳۱﴾ قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ﴿۳۲﴾ ﴾ [بقره: ۳۱-۳۲]

یعنی: سپس به آدم نامهای (اشیاء و خواص و اسرار چیزهایی را که نوع انسان از لحاظ پیشرفت مادی و معنوی آمادگی فراگیری آنها را داشت، به دل او الهام کرد و بدو) همه را آموخت. سپس آنها را به فرشتگان عرضه داشت و فرمود: اگر راست می گوئید (و خود را

۱- الجبائک فی أخبار الملائک (ص: ۲۶۱)

برای امر جانشینی از انسان بایسته‌تر می‌بینید) اسامی (و خواص و اسرار) اینها را برشمارید. فرشتگان گفتند: منزهی تو، ما چیزی جز آنچه به ما آموخته‌ای نمی‌دانیم (و توانایی جانشینی را در زمین و استعداد اشتغال به امور مادی را نداریم و معترفیم که آدم موجودی شایسته‌تر از ماست و) تو دانا و حکیمی.

انسان با استفاده از قدرت یادگیری در مورد شناخت اشیاء، و کشف قوانین حاکم بر جهان هستی ممتاز است، ولی فرشتگان بصورت ارتباط مستقیم از خداوند این چیزها را می‌دانند. البته آنچه را که خداوند به فرشتگان آموخته، بیش از معلومات انسانهاست، و از جمله علوم می‌که به فرشتگان داده شده، علم نوشتن و کتابت است، همانگونه که می‌فرماید:

﴿وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ ﴿۱۰﴾ كِرَامًا كُنِينًا ﴿۱۱﴾ يَعْمُونَ مَا تَفْعَلُونَ ﴿۱۲﴾﴾ [انفطار: ۱۰-۱۲]

بدون شک نگاهبانانی بر شما گمارده شده‌اند. می‌دانند هرکاری را که می‌کنید.

توضیح بیشتر در این باره در بحث فرشته و انسان خواهد آمد.

گفتگوی ساکنان آسمان

فرشتگان درباره‌ی آنچه از وحی پروردگار برای آنان پنهان باشد به بحث و مناظره می‌پردازند. در سنن ترمذی و مسند امام احمد از ابن عباس رضی الله عنهما روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «در شب گذشته خداوند را به زیبا ترین صورت در خواب دیدم، از من پرسید: ای محمد! می‌دانی که ساکنان آسمان (فرشتگان) در مورد چه چیزی خصومت می‌کنند؟ عرض کردم: خیر، سپس خداوند متعال دست خود را میان دو شانهم گذاشت تا اثر سردی و برودت را در سینه ام احساس کردم، سپس علم تمام آنچه را که در آسمانها و زمین است آموختم. سپس فرمود: ای محمد! می‌دانی که فرشتگان در چه چیزهایی خصومت می‌کنند؟ عرض کردم: آری، درباره‌ی مقام، منزلت و انواع کفاره.^۱

۱- آنچه که گناهان را از بین می‌برد.

کفارتها عبارت اند از: درنگ کردن در مساجد بعد از نماز، پیاده روی برای شرکت در نماز جماعت و کامل کردن وضو در شرایط نامساعد. افشای سلام، غذا دادن و نماز شب هنگامی که مردم مشغول خواب هستند موجب رفع درجات است.

خداوند فرمود: راست گفتمی، هر کس چنین کند، زندگی خوبی خواهد داشت، و مانند روز تولدش از گناهان پاک می شود.

خداوند فرمود: ای محمد! هر گاه نماز به جا آوردی این دعا را بخوان:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَتَرْكَ الْمُنْكَرَاتِ وَحُبَّ الْمَسَاكِينِ وَأَنْ تَغْفِرَ لِي وَتَرْحَمَنِي وَتَتُوبَ عَلَيَّ وَإِذَا أَرَدْتَ بَعَادَ كَفِئْتِنَا فَاقْبِضْنِي إِلَيْكَ غَيْرَ مَقْتُونٍ».

یعنی پروردگارا! انجام کارهای نیک و ترک کارهای بد، دوستی با مساکین و اینکه مرا مورد مغفرت و رحمت قرار دهی و توبه ام را بپذیری، را از تو خواهانم. پروردگارا! هر گاه اراده کردی بندگان را مورد امتحان و آزمایش قرار دهی، روحم را بدون امتحان و آزمایش بسوی خود قبض کن.

ابن کثیر در مورد این حدیث می گوید: «این حدیث مشهور درباره ی خواب رسول خدا ﷺ است، و هر کس آن را مربوط به حالت بیداری بداند اشتباه کرده است. این حدیث در کتب سنن از طرق متعدد وارد شده است، و امام ترمذی آن را از طریق جهضم بن عبدالله یمامی روایت کرده است. و حسن آن را صحیح دانسته و گفته: منظور آن ستیز و جدالی نیست که در این آیه است:

﴿ مَا كَانَ لِي مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَائِكَةِ إِذْ يَخْتَصِمُونَ ﴿٦٩﴾ إِنَّ نُوحِي إِلَيْكَ إِلَّا أَنْتَا أَنْتَ ذُرِّيَّتِي ﴿٧٠﴾ ﴾ [ص: ۶۹-۷۰]

یعنی: (بگو): من از ملاء اعلی (و فرشتگان عالم بالا) هنگامی که (درباره ی آفرینش آدم) گفتگو می کردند، خبر ندارم. به من هم وحی نمی شود مگر بدان خاطر که (پیغمبر خدایم) و بیم دهنده (مردمان از عذاب یزدان) و بیانگر (اوامر و نواهی الهی) می باشم.

گفتگوی مذکور در این حدیث رسول خدا ﷺ را آیه های بعدی قرآن تفسیر نموده اند که در خصوص آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ و خود داری ابلیس از سجده کردن آدم و بحث و جدال ابلیس با پروردگار نسبت به برتری او بر آدم است.

۴- در تمام کارهای خود منظم هستند

فرشتگان در عبادت بسیار منظم هستند، از این رو رسول خدا ﷺ ما را به پیروی از آنان تشویق کرده و می فرماید:

«أَلَا تَصُفُّونَ كَمَا تَصُفُّ الْمَلَائِكَةُ عِنْدَ رَبِّهَا؟ قَالُوا وَكَيْفَ يَصِفُّونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ؟ قَالَ: «يَكْمَلُونَ الصِّفَّ الْأَوَّلَ وَالْأَوَّلَ يَتَرَاصُّونَ فِي الصِّفِّ»^۱

یعنی: آیا مانند فرشتگان که نزد پروردگارشان به صف می ایستند صف نمی بندید؟ پرسیده شد: ای پیامبر خدا! فرشتگان چگونه صف می بندند؟ فرمود: صف ها را کامل می کنند و تا صف اول تکمیل نشده صف دوم را تشکیل نمی دهند، و استوار و با وقار می ایستند. (این حدیث را جماعتی جز بخاری روایت کرده اند).

«خداوند متعال این فضیلت و امتیاز را تنها به ما امت اسلام داده که صف های ما مانند صف های فرشتگان است». (این حدیث در صحیح مسلم است).

همچنین در روز قیامت فرشته ها با صف های منظم می آیند، همانگونه که می فرماید:

﴿وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا﴾ [فجر: ۲۲]

یعنی: و پروردگارت بیاید و فرشتگان صف صف حاضر آیند.

همچنین در روز قیامت در صف هایی منظم در پیشگاه خداوند متعال می ایستند:

﴿يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا﴾ [نبا: ۳۸]

یعنی: در آن روزی که جبرئیل و فرشتگان به صف می ایستند، و هیچ کدام زبان به سخن نمی گشایند، مگر کسی که خداوند مهربان بدو اجازه دهد و او نیز سخن راست و درست بگوید.

دقت فرشته ها در اجرای دقیق فرامین خداوند متعال بسی جای تأمل و ملاحظه است. در صحیح مسلم و مسند احمد از انس رضی الله عنه نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «در روز قیامت من به درب بهشت می آیم و درب را می زنم. خازن (مأمور بهشت) می گوید: چه کسی هستی؟ در جواب می گویم: من محمد هستم، خازن می گوید: آری، به من دستور داده شده تا پیش از ورود تو درب بهشت را برای هیچ کسی باز نکنم.»^۱ ما می توانیم به دقت عمل و وظیفه شناسی آنان در پرتو حدیث معراج بنگریم آنگاه که جبرئیل برای ورود به آسمانها درخواست اجازه می کرد، و درب هیچ آسمانی بدون اجازه و بازپرسی باز نمی شد.

۵- عصمت فرشتگان

علامه سیوطی به نقل از قاضی عیاض می گوید: مسلمانان اتفاق نظر دارند بر اینکه فرشتگان مؤمن و فاضل اند، و اینکه فرشتگان پیام آور در عصمت با پیامبران برابرند، یعنی همانگونه که پیامبران معصوم اند، آنان نیز در رسالت و تبلیغ احکام معصوم اند. و فرشتگان در حق پیامبران و ابلاغ فرامین خدا به آنان مانند پیامبران نسبت به امت ها هستند. البته درباره عصمت فرشتگانی که مرسل نیستند، اختلاف نظر وجود دارد. گروهی با استناد به این آیه تمام آنان را معصوم می دانند:

﴿... عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾ [تحریم: ۶]

یعنی: فرشتگانی بر آن گمارده شده اند که خشن و سختگیر، و زورمند و توانا هستند. از خدا در آنچه بدیشان دستور داده است نافرمانی نمی کنند، و همان چیزی را انجام می دهند که بدان مأمور شده اند.

برخی بر این باورند که عصمت در تمام امور، ویژه فرشتگان مرسل و مقربان است، و به قصه های هاروت و ماروت و ابلیس استدلال می کنند. اما در حقیقت همگی فرشتگان

معصوم‌اند و از تمام اعمال و رفتاری که موجب پایین آوردن منزلت آنان از جایگاه رفیع شود منزّه و پاک هستند.

گروه اوّل که تمام فرشتگان را معصوم می‌دانند، داستان هاروت و ماروت را چنین پاسخ می‌دهند که درباره‌ی این داستان هیچ روایتی از رسول خدا ﷺ نقل نشده است، و جریان نافرمانی شیطان نمی‌تواند دلیل باشد؛ چون شیطان از جن است و از زمره‌ی فرشتگان نیست. صفوی ارموی این موضوع را مطرح نموده و به نقل از سیوطی می‌گوید: فرشتگان به دلایل زیر معصوم‌اند:

۱- خداوند در وصف آنان می‌فرماید: ﴿لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾

﴿لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ﴾ [انبیاء: ۲۷]

این دو آیه شامل اموری است که انجام داده شوند و ترک اموری که نباید انجام داده شوند؛ زیرا نهی در واقع امر به ترک است و آیه پیرامون مدح آمده است و مدح در صورتی تحقق می‌یابد که انجام دادن مامور و ترک امور نهی شده انجام گیرد.

۲- ﴿يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ﴾ [انبیاء: ۲۰]

این آیه بیانگر مبالغه در عبادت است و اشتغال کاملاً مشغول بودن در عبادت نشانی عصمت است.

۳- فرشتگان پیام آوران خداوند هستند. خداوند می‌فرماید: ﴿جَاعِلِ الْمَلَكِ رُسُلًا﴾

﴿[فاطر: ۱]

و پیامبرانی معصوم هستند؛ زیرا خداوند در مورد آنان می‌فرماید:

﴿اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ تَجْعَلُ رِسَالَتَهُ﴾ [انعام: ۱۲۴]

این بیانگر تعظیم کامل آنان است.

فصل دوم: عبادت و بندگی فرشتگان

نگاهی گذرا به سرشت و طبیعت فرشتگان

فرشتگان بر اطاعت و فرمانبرداری خداوند متعال سرشته شده‌اند، و قدرت نافرمانی ندارند:

﴿...عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاطٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾ [تحریم: ۶]

یعنی: فرشتگانی بر آن گمارده شده‌اند که خشن و سختگیر، زورمند و توانا هستند. از خداوند در آنچه بدیشان دستور داده است نافرمانی نمی‌کنند، و همان چیزی را انجام می‌دهند که بدان مأمور شده‌اند.

از این رو ترک نافرمانی خدا، و پایبندی به اطاعت از او در فرشتگان امری فطری و است، و چون شهوت ندارند برای اطاعت فرمان خدا متحمل کمترین تلاش و مشقت نمی‌شوند.

شاید این نکته موجب شده که عده ای از علما بگویند: فرشتگان مانند انسانها مؤظف به انجام تکالیف نیستند. اما اینکه گفته شود بطور مطلق بر آنها تکلیفی نیست، صحیح نیست؛ زیرا آنها مؤظف به عبادت و اطاعت از فرمان خدا هستند:

﴿يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾ [نحل: ۵۰]

یعنی: فرشتگان از پروردگار خود که بر آنان حاکم است می‌ترسند و آنچه بدانان دستور داده شود (به خوبی و بدون چون و چرا) انجام می‌دهند.

در این آیه بیان شده که آنها از پروردگار می‌ترسند، و ترس نوعی تکلیف شرعی است،

بلکه بالاترین نوع بندگی ترس و هراس است. همانگونه که خداوند متعال فرموده: ﴿وَهُمْ مِنْ حَشِيئَتِهِ مُشْفِقُونَ﴾ [انبیاء: ۲۸]

یعنی: همیشه از خوف (مقام کبریایی) خدا ترسان و هراسانند.

ممکن است برخی علما به همین دلیل آنان را غیر مکلف بدانند و معتقد باشند که فرشتگان مشمول هیچگونه مزده یا وعیدی نیستند.^۱

مقام و جایگاه فرشتگان

بهترین ویژگی فرشتگان بندگی خداوند ﷻ است، اما آنان بندگانی گرامی و نیک منش هستند. در مباحث گذشته اشاره نمودیم که اعتقاد مشرکان مبنی بر اینکه فرشتگان دختران خداوند هستند، عقیده ای باطل و مردود است و هیچ دلیلی بر صحت آن وجود ندارد، و خداوند کسانی را که چنین عقیده ای دارند تکذیب کرده است، در آیه های گوناگون قرآن، ماهیت و منزلت فرشتگان را بیان نموده و می فرماید:

﴿ وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحٰنَهُۥٓ بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ ﴿۲۶﴾ لَا يَسْـَٔفُونَہٗ بِالْقَوْلِ
وَهُمْ بِأَمْرِهِۦ يَعْمَلُونَ ﴿۲۷﴾ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيہِمۡ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَىٰ
وَهُمْ مِنْ حَشِيئَتِهِۦ مُشْفِقُونَ ﴿۲۸﴾ وَمَنْ يَقُلْ مِنْہُمْ إِنِّي إِلٰهٌ مِّنۢ دُونِهِۦٓ فَذٰلِكَ نَجْزِيہِ جَهَنَّمَ
كَذٰلِكَ نَجْزِي الظَّٰلِمِينَ ﴿۲۹﴾﴾ [انبیاء: ۲۶-۲۹]

یعنی: (برخی از کفار عرب) می گویند: خداوند رحمان فرزندان (برای خود، به نام فرشتگان) برگزیده است (چرا که فرشتگان دختران خدایندا!). یزدان سبحان پاک و منزّه (از این گونه نقصها و عیبهها) است. (فرشتگان فرزندان خدا نبوده و) بلکه بندگان گرامی و محترمی هستند. آنان (آن قدر مؤدب و فرمانبردار یزدانند که هرگز) در سخن گفتن بر او پیشی نمی گیرند، و تنها به فرمان او کار می کنند. خداوند اعمال گذشته و حال و آینده

۱- لوامع انوار البہیہ (۴۰۹/۲)

ایشان را می‌داند (و از دنیا و آخرت و از وجود و پیش از وجود و بعد از وجودشان آگاه است) و آنان هرگز برای کسی شفاعت نمی‌کنند مگر برای آن کسی که (بدانند) خدا از او خشنود است و (اجازه ی شفاعت او را داده است. به خاطر همین معرفت و آگاهی) همیشه از خوف (مقام کبریایی) خدا ترسان و هراسانند. هرکس از ایشان (که فرشتگان و مأموران اجرای فرمان یزدانند، به فرض) بگوید: غیر از خدا من هم معبودی هستم، سزای وی را دوزخ می‌گردانیم. سزای ظالمان (دیگری را هم که با ادعای ربوبیت و شرک به خویشتن ستم کنند) همین خواهد داد.

فرشتگان بندگانی هستند که تمام صفات بندگی در آنها وجود دارد، و همواره آماده‌ی خدمت‌اند، و امر و نهی خدا را بدون چون و چرا اجراء میکنند. علم خداوند آنها را احاطه کرده و نمی‌توانند از دستورات موکوله و رهنمودهای القا شده به آنان تجاوز کنند، از اینکه مبدا از حد و مزر خود تجاوز کنند و مورد انتقام و مجازات خداوند قرار گیرند بیم و هراس دارند.

از جمله نشانی‌های بندگی کامل آنان این است که هرگز بر خدا پیشی نگرفته، و در پیشگاه خداوند پیشنهادی را مطرح نمی‌کنند، و به دستورهای او اعتراض و ایرادی ندارند، بلکه همه را پذیرفته و با شتاب تمام آن را اجرا می‌کنند، همانگونه که خداوند متعال فرمود:

﴿لَا يَسْأَلُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ﴾ [انبیاء: ۲۷]

یعنی: (فرشتگان بندگان گرامی و محترمی هستند) که در سخن گفتن بر او پیشی نمی‌گیرند، و تنها به فرمان او کار می‌کنند.

فرشتگان فقط آنچه را که به آنها امر شود، انجام می‌دهند و به فرمان خداوند به حرکت در می‌آیند، و در حد و مرز فرمان او توقف می‌کنند. در صحیح بخاری از عبدالله بن عباس رضی الله عنه روایت است که: رسول خدا صلی الله علیه و آله از جبرئیل پرسید: آیا بیش از این به دیدار ما نمی‌آیی؟ در جواب این آیه نازل شد:

﴿ وَمَا نُنزِّلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ لَهُ، مَا بَيْنَ أَيْدِينَا وَمَا خَلْفَنَا وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا ﴾ [مریم: ۶۴]

یعنی: ما (فرشتگان) جز به فرمان پروردگارت فرود نمی‌آییم (و به کره ی زمین گام نمی‌گذاریم). از آن اوست آنچه پیش روی ما و آنچه پشت سر ما و آنچه میان این دو است و پروردگارت فراموشکار نبوده (و نیست).

نمونه‌هایی از عبادت فرشتگان

فرشتگان بندگان عبادت‌گذار و مؤظف به اطاعت از خداوند جَلَّ جَلَالُهُ هستند. عبادت و تکالیف را براحتی و آسانی انجام می‌دهند. اینک به بیان برخی از عبادات‌های آنان که خداوند، یا رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آن را برای ما بیان کرده اند، می‌پردازیم.

۱- تسبیح

فرشتگان به یاد و ذکر خداوند مشغولند و بزرگترین ذکر آنان تسبیح است. فرشتگان حامل عرش خداوند، پروردگار را به تسبیح و پاکی یاد می‌کنند، آنجا که می‌فرماید:

﴿ الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ ﴾ [غافر: ۷]

یعنی: آنان که بردارندگان عرش خدایند و آنان که گرداگرد آنند به سپاس و ستایش پروردگارشان سرگرمند.

همانگونه که سایر فرشتگان به تسبیح او مشغول اند:

﴿ وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ ﴾ [شوری: ۵]

یعنی: فرشتگان (با همه ی قدرتی که دارند دائماً) به تسبیح و تقدیس پروردگارشان مشغولند.

تسبیح فرشتگان خداوند متعال همیشگی و پیوسته است و هرگز قطع نمی شود، نه در شب و نه در روز، همانگونه که می فرماید:

﴿ يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ ﴾ [انبیاء: ۲۰]

یعنی: شب و روز (دائماً به تعظیم و تمجید خدا مشغولند و پیوسته) سرگرم تسبیح و تقدیس اند و سستی به خود راه نمی دهند.

و به دلیل کثرت تسبیح در حقیقت تسبیح گویان واقعی فقط آنان هستند، و برای آنان مایه‌ی افتخار و مباهات است:

﴿ وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُونَ ﴿۱۶۵﴾ وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ ﴿۱۶۶﴾ صافات [۱۶۵-۱۶۶]

یعنی: و ما جملگی (برای اطاعت یزدان و اجرای فرمان خداوند سبحان) به صف ایستاده‌ایم. و ما جملگی، به تسبیح و تقدیس خدا مشغولیم.

کثرت تسبیح آنان تنها بدین دلیل است که تسبیح بهترین ذکر است. ابوذر رضی الله عنه روایت می کند که: از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پرسیده شد: بهترین ذکر کدام است؟ فرمود: «ذکری که خداوند آن را برای فرشتگان، یا برای بندگانش برگزیده است، یعنی: سبحان الله و بحمده»^۱.

۲- منظم به صف ایستادن

حدیثی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اصحابش را برای صف بستن در نماز به پیروی از فرشتگان تشویق می کرد، قبلاً گذشت که فرمود: «أَلَا تَصُفُّونَ كَمَا تَصُفُّ الْمَلَائِكَةُ عِنْدَ رَبِّهَا». یعنی: آیا مانند فرشتگان که نزد پروردگارشان به صف می ایستند صف نمی بندید؟

۱- صحیح مسلم (۲۰۹۳/۴) شماره (۲۷۳۱)

وقتی از نحوه‌ی صف بستن فرشتگان سؤال شد، رسول خدا ﷺ فرمود: «یکملون الصَّفَّ الأوَّلَ فالأوَّلَ يترأصون في الصَّفِّ»^۱

یعنی: صف‌ها را کامل می‌کنند و تا صف اول تکمیل نشده صف دوم را تشکیل نمی‌دهند و استوار و با وقار می‌ایستند.

و در قرآن درباره‌ی فرشتگان آمده است: ﴿وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُونَ﴾ یعنی: و ما جملگی (برای اطاعت یزدان و اجرای فرمان خداوند سبحان) به صف ایستاده‌ایم.

فرشتگان می‌ایستند و رکوع و سجده می‌کنند. در کتاب مشکل الآثار امام طحاوی، و معجم الکبیر طبرانی از حکیم بن حزام چنین روایت شده است: روزی رسول خدا ﷺ در جمع یاران و اصحاب خود نشسته بود، از آنان پرسید: آیا آنچه را که من می‌شنوم، شما هم می‌شنوید؟ صحابه عرض کردند: ما چیزی نمی‌شنویم. رسول خدا ﷺ فرمود: من ناله و آه آسمان را می‌شنوم و جای ملامت نیست که آسمان چنین می‌کند؛ زیرا به اندازه‌ی یک وجب از آسمان خالی نیست، بلکه در هر نقطه از آن فرشته‌ای در حال سجده یا ایستاده در حال عبادت است.^۲

۳- حج فرشتگان

در آسمان هفتم فرشتگان کعبه‌ای دارند که در آنجا مراسم حج خود را بجا می‌آورند. این کعبه «بیت المعمور» نام دارد و در سوره‌ی «طور» خداوند بدان سوگند یاد

کرده و می‌فرماید: ﴿وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ﴾ [طور: ۴]

ابن کثیر در تفسیر این آیه می‌گوید: رسول خدا ﷺ در مورد سفر معراج بعد از عبور از آسمان هفتم، فرمود: «من از آنجا به بیت المعمور برده شدم که روزانه هفتاد هزار

۱- مسلم (۳۲۲/۱) شماره (۴۳۰)

۲- آلبانی این حدیث را بنا بر شرط صحت نزد امام مسلم صحیح دانسته. (سلسله صحیح، شماره ۸۵۲)

فرشته بر آن وارد شده و تا پایان عمر برای بار دوم بدان جا وارد نمی شوند^۱ یعنی این فرشتگان در بیت المعمور عبادت می کنند و مانند اهل زمین کعبه‌ی خود را طواف می کنند؛ بیت المعمور کعبه‌ی ساکنان آسمان هفتم است. از این رو رسول خدا ﷺ حضرت ابراهیم خلیل را آنجا دید که به دیوار بیت المعمور تکیه زده و نشسته بود؛ زیرا او بنیانگذار کعبه‌ی زمین است، و پاداش از نوع و جنس عمل است.

ابن کثیر درباره‌ی مکان بیت المعمور می گوید: «بیت المعمور در مقابل و موازات کعبه قرار دارد، و اگر بیفتد روی کعبه می افتد، و یادآور شده که در هر آسمانی خانه‌ای وجود دارد که ساکنان آسمان در آن عبادت می کنند، و خانه‌ای که در آسمان دنیاست «بیت العزّة» نام دارد.

این روایت که ابن کثیر میگوید: بیت المعمور در موازات کعبه قرار دارد را حضرت علی رضی الله عنه روایت کرده است. ابن جریر از طریق خالد بن عرعره نقل کرده و می گوید: شخصی از حضرت علی رضی الله عنه پرسید: بیت المعمور چیست؟ حضرت علی فرمود: «بیت فی السماء یقال له الضراح بحیال الکعبة من فوقها، حرمته فی السماء کحرمة هذا فی الأرض یصلی فیہ کلّ یوم سبعون ألف ملک و لا یعودون الیه أبداً»^۲

یعنی: خانه‌ای در آسمان به نام ضراح وجود دارد که در موازات خانه‌ی کعبه قرار دارد احترام آن در آسمان مانند احترام خانه‌ی کعبه در زمین است. هر روز هفتاد هزار فرشته آن را زیارت می کنند، و تا پایان عمر فرشتگانی که یک بار وارد آن شدند دیگر نوبت زیارت به آنها نمی رسد.

شیخ ناصر الدین آلبانی جز عرعره دیگر رجال این سند را ثقه دانسته است، و در رابطه با عرعره می گوید: او مستور الحال است.... آلبانی یادآور شده که روایت صحیح مرسل

۱- بخاری (۱۰۳/۶) شماره (۲۲۰۷) مسلم (۱۴۶/۱) شماره (۱۶۲)

۲- ابن حجر: فتح الباری (۳۰۸/۶)

شاهد این روایت است و می‌گوید: فتاده می‌گوید: برای ما نقل شده که روزی رسول خدا ﷺ از اصحاب پرسید: «آیا می‌دانید بیت المعمور چیست؟ صحابه عرض کردند: خدا و رسولش بهتر می‌دانند. فرمود: بیت المعمور مسجدی در آسمان است که کعبه زیر آن قرار دارد، بگونه‌ای که اگر بیفتد بر روی کعبه می‌افتد...».

سپس محقق (آلبانی) گفت: «خلاصه اینکه جمله‌ی «حیال الکعبه» با توجه به کثرت طرق حدیث ثابت است و صحت آن از لحاظ اصول علم حدیث مورد تایید است».

۴- بیم و هراس فرشتگان از خداوند

از آن جایی که شناخت فرشتگان نسبت به پروردگار در حد بالایی است، تعظیم و خشیت و هراس آنان در حق او نیز زیاد است، همانگونه که خداوند در باره‌ی فرشتگان می‌فرماید: ﴿وَهُمْ مِّنْ خَشِيَّتِهِ مُشْفِقُونَ﴾ [انبیاء: ۲۸]

یعنی: همیشه از خوف (مقام کبریائی) خدا ترسان و هراسانند. شدت ترس و هراس فرشتگان از پروردگار را نواس بن سماعان رضی الله عنه اینگونه روایت می‌کند که رسول خدا ﷺ فرمود:

«إذا اراد الله أن يوحى بالأمر تكلم بالوحي أخذت السموات منه رجفة أو قال رعدة شديدة خوفاً من الله تعالى، فإذا سمع بذلك أهل السموات صعقوا وخرأوا لله سجداً، فيكون أول من يرفع رأسه جبريل، فيكلمه الله من وحيه بما أراد، ثم يمر جبريل على الملائكة كلما مر بساء سألها ملائكتها ماذا قال ربنا يا جبريل؟ فيقول جبريل: قال الحق وهو العلي الكبير، قال فيقولون كلهم مثل ما قال جبريل، فينتهي جبريل بالوحي حيث أمره الله»^۱.

یعنی: وقتی که خداوند متعال اراده‌ی وحی و سرورش کند، آسمانها از بیم و هیبت او به شدت تکان می‌خورند، وقتی که ساکنان آسمان متوجه این لرزش شدند، بیهوش

می شوند، و برای خدا به سجده می روند، و نخستین کسی که سرش را بلند می کند جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَام است، و خدا عَلَيْهِ السَّلَام با وحی خود با او سخن می گوید...»^۱

و در معجم اوسط طبرانی با اسناد حسن از جابر رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ روایت شده که رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «مَرَرْتُ لَيْلَةَ أُسْرِي بِي بِالْمَاءِ الْأَعْلَى وَجِبْرِيلُ كَالْحَلِيسِ الْبَالِي مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ».^۲

یعنی: در شب معراج بر ساکنان آسمان عبور کردم، جبرئیل را دیدم که از هیبت و ترس خدا همچون گلیم فرسوده شده بود.

۱- (ابن جریر و ابن خزیمه و طبرانی و ابن ابی حاتم روایت کرده اند، و این لفظ ابن ابی حاتم است).

۲- (صحیح الجامع: ۲۰۶/۵).

فصل سوم: فرشته و انسان

مبحث اول: فرشتگان و آدم

۱- سؤال فرشتگان از فلسفه‌ی آفرینش آدم

وقتی خداوند متعال اراده‌ی آفرینش آدم را کرد، هدف خود را به فرشتگان اعلام کرد. فرشتگان پرسیدند: فلسفه و حکمت آفرینش آدم چیست؟ زیرا آنان می دانستند که در میان آدمیان خون ریزی، فساد، کفر و عصیان خواهد بود، از این رو خداوند بلند مرتبه به آنان خبر داد که آفرینش آدم حکمت‌هایی دارد که شما از آن خبر ندارید. خداوند چنین بیان فرموده:

﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰٓئِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَن يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَآءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٣٠﴾﴾

یعنی: زمانی (را یادآوری کن) که پروردگارت به فرشتگان گفت: من در زمین جانشینی می آفرینم (تا به آبادانی زمین بپردازد و آن زیبانگاری و نوآوری را که برای زمین معین داشته‌ام به اتمام رساند و آن انسان است. فرشتگان دریافتند که انسان بنا به انگیزه‌های سرشتی زمین‌اش فساد و تباهی برپا می‌دارد. از این رو جهت فهمیدن نه به عنوان اعتراض، از خداوند پرسیدند: حکمت برتری دادن انسان بر ایشان برای امر جانشینی چیست و) گفتند: آیا در زمین کسی را به وجود می‌آوری که فساد و تباهی می‌کند و خونها خواهد ریخت، و حال آن که ما (پیوسته) به حمد و ستایش و طاعت و عبادت تو مشغولیم؟ گفت: من حقایقی را می‌دانم که شما نمی‌دانید.

۲- سجده و کرنش فرشتگان برای آدم

وقتی آفرینش آدم به پایان رسید، خداوند به فرشتگان دستور داد تا وی را سجده کنند، آنجا که فرمود:

﴿ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَلِيقٌ بَشَرًا مِّن طِينٍ ﴿٧١﴾ فَإِذَا سَوَّيْتُهُ، وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ، سَاجِدِينَ ﴿٧٢﴾ ﴾ [ص: ۷۱-۷۲]

یعنی: وقتی (این گفتگو در ملاً اعلی و عالم بالا درگرفت) که پروردگارت به فرشتگان گفت: من انسانی را از گِل می‌آفرینم. هنگامی که آن را سر و سامان دادم و آراسته و پیراسته کردم، و از جان متعلق به خود در او دمیدم، در برابرش سجده (بزرگداشت و درود) ببرید.

همه ی فرشتگان فرمان خدا را پذیرفتند و سجده بردند، جز ابلیس که مانند فرشتگان مأمور به سجده بود، و سجده نکرد، همانگونه که خداوند متعال فرمود:

﴿ فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ جَمْعًا ﴿٧٣﴾ إِلَّا ابْلِسَ اسْتَكْبَرُ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ ﴿٧٤﴾ ﴾ [ص: ۷۳-۷۴]

یعنی: پس همه ی فرشتگان جملگی سجده بردند، جز ابلیس که تکبر ورزید، و از کافران گردید.

۳- جواب دادن فرشتگان به آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند جل جلاله آدم را به صورت خود (صورتی که خود برگزید) آفرید، که طول قد او شصت ذراع بود، سپس خداوند خطاب به آدم فرمود: برو و به این چند فرشته (گروهی از فرشتگان آنجا نشسته بودند) سلام برسان و بنگر چگونه سلامت را پاسخ می دهند، همین سلام و جواب، سلام تو و فرزندان تو خواهد بود. آدم رفت و گفت: السلام علیکم، فرشتگان در جواب گفتند: »

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ». لفظ و رحمة الله را افزودند.^۱

۴ - فرشتگان آدم را بعد از وفاتش غسل دادند

وقتی آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ وفات کرد، فرزندانش نمی‌دانستند با او چکار کنند، آنگاه فرشتگان آنان را تعلیم دادند. در مستدرک حاکم، و معجم طبرانی به سند صحیح از ابی عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت شده که: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: «لَمَّا تَوَفَّى آدَمَ غَسَلَتْهُ الْمَلَائِكَةُ بِالْمَاءِ وَتَرَأَى، وَأَلْحَدُوا لَهُ، وَقَالُوا هَذِهِ سُنَّةُ آدَمَ فِي وَلَدِهِ».^۲

یعنی: وقتی آدم وفات نمود، فرشتگان او را با تعداد فرد (سه یا پنج بار) غسل دادند و در قبر برایش لحد ساختند و گفتند: این سنّت و شیوه ی آدم است در میان فرزندانش.

از روایات صحیح ثابت است که فرشتگان یکی از شهیدان امت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ «حنظله بن ابی عامر» که در غزوه ی أُحُد به شهادت رسیده بود غسل دادند. رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ درباره ی او فرمود: «إِنَّ صَاحِبَكُمْ تَغْسِلُهُ الْمَلَائِكَةُ»: همانا فرشتگان رفیق شما را غسل می دهند. صحابه از همسر حنظله سؤال کردند، گفت: وقتی صدای ندا دهنده ی جهاد را شنید بلافاصله از خانه بیرون رفت و در جهاد شرکت کرد، در حالی که جنب بود و هنوز غسل جنابت را انجام نداده بود. رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: «لِذَلِكَ غَسَلَتْهُ الْمَلَائِكَةُ»: (بدلیل این که جنب بود فرشتگان او را غسل دادند).^۳

ابن عساکر با سند صحیح آورده که قبیله ی اوس افتخار می کردند که فردی که فرشتگان او را غسل دادند، از میان آنها بود.

۱- بخاری (۳/۱۱) شماره (۶۲۲۷) مسلم (۴/۲۱۸۴) شماره (۲۸۴۱)

۲- صحیح الجامع (۴۸/۵)

۳- بیهقی و حاکم.

مبحث دوم: فرشتگان و فرزندان آدم

میان فرشتگان با انسان ها پیوند محکمی برقرار است، بطوری که از زمان به دنیا آمدن فرزندان آدم فرشتگان با او همراه هستند، و وظیفه دارند بعد از وارد شدن انسان به عرصه ی زندگی از او محافظت کنند. همچنین برای انسان از جانب خدا سروش آسمانی به ارمغان می آورند، و مراقب اعمال و سایر اوضاع و احوال انسان هستند، و هنگام فرار سیدن مرگ روحش را قبض می کنند. این موضوع را با تفصیل بیشتر توضیح خواهیم داد.

نقش فرشتگان در پیدایش انسانها

ابوذر رضی الله عنه روایت می کند: از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم، فرمود: «إِنَّ أَحَدَكُمْ يُجْمَعُ خَلْقُهُ فِي بَطْنِ أُمِّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا ثُمَّ يَكُونُ فِي ذَلِكَ عَلَقَةً مِثْلَ ذَلِكَ ثُمَّ يَكُونُ فِي ذَلِكَ مُضْغَةً مِثْلَ ذَلِكَ ثُمَّ يُرْسَلُ الْمَلِكُ فَيَنْفُخُ فِيهِ الرُّوحَ وَيُؤَمَّرُ بِأَرْبَعِ كَلِمَاتٍ بِكُتُبِ رِزْقِهِ وَأَجَلِهِ وَعَمَلِهِ وَشَقِيٌّ أَوْ سَعِيدٌ»^۱

یعنی: وقتی چهل روز از نطفه در شکم مادر بگذرد، خداوند فرشته ای را نزد او می فرستد، سپس فرشته صورت، چشم، گوش، پوست، گوشت و استخوان او را می سازد، آنگاه از پروردگار می پرسد: خدایا! مرد است یا زن؟ خداوند آنچه را که بخواهد حکم می کند و فرشته آن را می نویسد».

همچنین از ابن مسعود رضی الله عنه روایت است که گفت: پیامبر راستگو و به راستگویی تأیید شده فرمود: «إِنَّ أَحَدَكُمْ يُجْمَعُ خَلْقُهُ فِي بَطْنِ أُمِّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا ثُمَّ يَكُونُ فِي ذَلِكَ عَلَقَةً مِثْلَ ذَلِكَ ثُمَّ يَكُونُ فِي ذَلِكَ مُضْغَةً مِثْلَ ذَلِكَ ثُمَّ يَكُونُ فِي ذَلِكَ مُضْغَةً مِثْلَ ذَلِكَ ثُمَّ يُرْسَلُ الْمَلِكُ فَيَنْفُخُ فِيهِ الرُّوحَ وَيُؤَمَّرُ بِأَرْبَعِ كَلِمَاتٍ بِكُتُبِ رِزْقِهِ وَأَجَلِهِ وَعَمَلِهِ وَشَقِيٌّ أَوْ سَعِيدٌ»^۲

۱- صحیح مسلم (۲۰۳۷/۴) شماره (۲۶۴۵)

۲- بخاری (۳۰۳/۶) شماره (۳۲۰۸) مسلم (۳۰۳۶/۴) شماره (۲۶۴۳)

یعنی: نطفه‌ی جنین هر یک از شما مدتِ چهل روز در رحم مادر جمع می‌شود، سپس تا چهل روز دیگر به پاره گوشتی تبدیل می‌شود. آنگاه خداوند فرشته‌ی ای را می‌فرستد، و روح را در او می‌دمد، و او را به چهار چیز دستور می‌دهد: به ثبت و نوشتن عمل، روزی، مرگ و شقاوت یا سعادت او.

همچنین انس رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند فرشته‌ی ای را مأمور رحم زن باردار می‌کند، پس از استقرار نطفه فرشته می‌گوید: پروردگارا! نطفه است، پروردگارا! لخته خونی است، پروردگارا! قطعه گوشتی است. وقتی که خداوند متعال اراده نمود آن نطفه را بیافریند، عرض می‌کند: پروردگارا! مرد است یا زن؟ بد بخت است یا سعادت‌مند؟ روزی او چیست؟ عمرش چقدر است؟ همه اینها را زمانی که انسان در رحم مادر است فرشته می‌نویسد.^۱

حراست و پاسداری فرشتگان از انسان

خداوند می‌فرماید:

﴿سَوَاءٌ مِّنْكُمْ مَّنْ أَسَرَ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ، وَمَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ بِأَلْيَلٍ وَسَارِبٌ بِالنَّهَارِ ﴿١٠﴾
لَهُ، مُعَقَّبَاتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ، مِنْ أَمْرِ اللَّهِ ﴿١١﴾﴾ [رعد: ۱۰-۱۱]

یعنی: کسی از شما که سخن را پنهان می‌دارد، و کسی که سخن را آشکار می‌سازد، و آن که در روز (به دنبال کار خود) روان می‌گردد، (برای خدا بی‌تفاوت و) یکسان می‌باشند. انسان دارای فرشتگانی است که به (نوبت عوض می‌شوند و) پیاپی از روبرو و از پشت سر (و از همه جوانب دیگر، او را می‌پایند و) به فرمان خدا از او مراقبت می‌نمایند.

۱- بخاری (۴۷۷/۱۱) شماره (۶۵۹۵) و صحیح مسلم (۲۰۳۸/۴) شماره (۲۶۴۶)

مفسر قرآن عبدالله بن عباس رضی الله عنه می‌گوید: منظور از «مُعَقَّبَاتٌ» همان فرشتگان مأمور خداوند هستند که خداوند آنان را گماشته تا انسان را از هر طرف حفاظت کنند، و هرگاه تقدیر الهی برای مرگ او فرا رسد، او را رها می‌کند.

مجاهد می‌گوید: «هیچ بنده ای نیست که فرشته ای بر او گماشته نشده باشد که انسان را در خواب و بیداری از آسیب انسانها و جن های شرور و سایر گزندگان و درندگان حفاظت می‌کند. در دوران حفاظت هر چیزی نزد انسان بیاید، فرشته آن را عقب می‌راند جز چیزی که خداوند خواسته باشد، و آنگاه انسان مورد اصابت قرار می‌گیرد.

شخصی خطاب به علی بن ابی طالب رضی الله عنه گفت: چند تن از قبیله‌ی مُراد در صدد کشتن تو هستند. حضرت علی رضی الله عنه در جواب اظهار داشت: با هر انسانی دو فرشته همراه است، و او را از هر ضرر و گزند که در تقدیر او نیست حفاظت می‌کنند. هرگاه تقدیر خداوند فرا رسد، او را رها می‌کنند، همانا اجل قلعه‌ی استواری است. (یعنی تا مرگ فرا نرسد انسان در قلعه‌ی محکم اجل قرار دارد و چیزی نمی‌تواند به او آسیب برساند).^۱

منظور از «مُعَقَّبَاتٌ» در سوره ی «رعد»، همان است که در آیه ۶۱ سوره انعام بدان اشاره شده است:

﴿ وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ ۖ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفْرِطُونَ ﴾ [انعام: ۶۱]

یعنی: خداوند بر بندگان خود کاملاً چیره است. او مراقبانی (از فرشتگان را برای حسابرسی و نگارش اعمال شما) بر شما می‌فرستد و می‌گمارد (و آنان به کار خود با دقت تمام تا دم مرگ یکایک شما، مشغول می‌گردند) و چون مرگ یکی از شما فرا رسد، فرستادگان ما (از میان فرشتگان دیگر به سراغ او می‌آیند و) جان او را می‌گیرند، و

(فرشتگان گروه اول و فرشتگان گروه دوم هیچ کدام در مأموریت خود) کوتاهی نمی‌کنند.

بنابراین محافظان انسان او را تا زمان مرگ محافظت می‌کنند.

فرشتگان سفیران الهی به سوی پیامبران اند

خداوند بلند مرتبه به ما یادآور شده که وظیفه‌ی مهم جبرئیل علیه السلام آن است که در این آیه بیان شده است:

﴿ قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ، عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴾ [بقره: ۹۷]

یعنی: بگو: کسی که دشمن جبرئیل باشد (در حقیقت دشمن خداست) زیرا که او به فرمان خدا قرآن را بر قلب تو نازل کرده است (نه این که خودسرانه دست به چنین امری زده باشد). قرآنی که کتابهای آسمانی پیشین را تصدیق می‌کند، و هدایت و بشارت برای مؤمنان است.

همچنین می‌فرماید:

﴿ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ ﴿١٩٣﴾ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ ﴿١٩٤﴾ ﴾ [بقره: ۱۹۳-۱۹۴]

یعنی: جبرئیل آن را فرو آورده است بر قلب تو، تا از زمره ی بیم دهندگان باشی.

گاهی بندرت فرشته ای دیگر غیر از جبرئیل برای رسول خدا صلی الله علیه و آله وحی می‌آورد. در صحیح مسلم از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است، در حالی که جبرئیل علیه السلام نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته بود، زمزمه‌ی صدایی را بالای سرش شنید، سرش را بلند کرد و گفت: این دری از آسمان است که امروز باز شد و تاکنون باز نشده است. آنگاه فرشته ای از آن فرود آمد، و فرمود: این فرشته ای است که به زمین فرود آمده است، و تاکنون هرگز فرود

نیامده است. فرشته به رسول خدا ﷺ سلام کرد و گفت: بشارت دو نور و روشنی را برای تو تبریک می‌گویم. و هیچ پیامبری قبل از تو موفق به دریافت این دو نور نشده است. یکی سوره‌ی فاتحه، و دوم آیه‌های آخر سوره‌ی بقره، هر حرفی را که بخوانی دعایت با آن قبول خواهد شد.^۱

در تاریخ ابن عساکر از حدیثه رضی الله عنه روایت است که رسول خدا ﷺ فرمود: فرشته‌ای آمد و سلام کرد. این فرشته قبلاً نیامده بود، به من بشارت داد که حسن و حسین سردار جوانان بهشت، و فاطمه سردار بانوان بهشت است.^۲

همچنین حدیثه رضی الله عنه روایت می‌کند که: رسول خدا ﷺ فرمود: آیا چیزی که چند لحظه قبل در اُفق آسمان نمودار شد را دیدید؟ عرض کردم: آری، گفت: او فرشته‌ای بود، که پیش از امشب هرگز به طرف زمین فرود نیامده است. از پروردگارش اجازه خواسته بود تا به من سلام گوید، و به من بشارت دهد که حسن و حسین سردار جوانان بهشت هستند، و فاطمه سردار بانوان بهشت است.^۳

و در المسند و سنن ترمذی با سند صحیح از ابی بن کعب رضی الله عنه روایت شده است که رسول خدا ﷺ فرمود: «إِنَّ جِبْرِيلَ وَمِيكَائِيلَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَتَيَانِي، فَقَعَدَ جِبْرِيلُ عَن يَمِينِي وَمِيكَائِيلُ عَن يَسَارِي، فَقَالَ جِبْرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اقْرَأِ الْقُرْآنَ عَلَى حَرْفٍ، قَالَ مِيكَائِيلُ: اسْتَرِدَّهُ، اسْتَرِدَّهُ، حَتَّى بَلَغَ سَبْعَةَ أَحْرَفٍ، فَكُلُّ حَرْفٍ شَافٍ كَافٍ»^۴

۱- صحیح مسلم (۵۵۴/۱) شماره (۸۰۶)

۲- صحیح الجامع (۸۰/۱)

۳- مسند احمد (۳۹۱/۵) و صحیح سنن نسائی (۲۶۶/۳) شماره (۲۹۷۵)

۴- چیزی که ما در اینجا گفتیم مبنی بر اینکه فرشتگان سفیران خدا بسوی مردم، و حامل سرّوش به پیامبرانند، از معنای لغوی واژه‌ی ملک روشن است؛ چون اصل ملک اَلک و مالکه است، و مَلک بمعنی رسالت است، و ملائک از آن اشتقاق یافته‌اند، چون پیامبر خدا هستند، بعضی هم گفته‌اند: (ل أ ک) اشتقاق یافته و ملائکه رسالت است، و ملائک هم همان ملک هست؛ چون فرمان خداوند را ابلاغ می‌کند، و هر کدام از فرشتگان که متولی اموری سیاسی باشد مَلک نامیده می‌شود، و از میان بشر مَلک نامیده می‌شود. (بصائر ذوی التَّمییز ۵۲۴/۴)

یعنی: جبرئیل و میکائیل نزد من آمدند، جبرئیل در سمت راست و میکائیل در سمت چپ من نشستند. جبرئیل گفت: ای محمد! قرآن را با یک حرف (لهجه) بخوان. میکائیل گفت: درخواست افزایش کن. گفت: با سه لهجه بخوان، گفتم: برایم زیاد کن. تا هفت لهجه، گفت: با هفت لهجه قرائت کن، همه کافی و شافی هستند.

۱- هر کس که فرشته ای نزد او بیاید پیامبر نیست

هر شخصی که فرشته ای نزد او بیاید، پیامبر محسوب نمی شود، و این دیدگاه که فرشته تنها نزد پیامبران رفته توهمی بیش نیست. خداوند متعال جبرئیل را نزد مریم علیها السلام فرستاد، همانطور که او را (جبرئیل) نزد مادر اسماعیل علیه السلام فرستاد که آب و غذایش تمام شده بود. و نیز بسیاری از صحابه، جبرئیل علیه السلام را بصورت یک مرد بادیه نشین دیده اند.

همچنین خداوند فرشته ای را نزد مردی فرستاد که به خاطر رضای خدا به زیارت برادر دینی اش رفت، و فرشته او را بشارت داد که خداوند، بخاطر محبت او با برادر دینی خود، او را دوست دارد.

۲- چگونه وحی بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نازل می شد؟

حضرت عایشه رضی الله عنها چنین روایت می کند: حارث بن هشام رضی الله عنه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پرسید: چگونه وحی بر تو نازل می شد؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«أَحْيَانًا يَأْتِينِي مِثْلَ صَلْصَلَةِ الْجَرَسِ وَهُوَ أَشَدُّ عَلَيَّ فَيُقْصِمُ عَلَيَّ وَقَدْ وَعَيْتُ عَنْهُ مَا قَالَ وَأَحْيَانًا يَتَمَثَّلُ لِي الْمَلِكُ رَجُلًا فَيَكَلِّمُنِي فَأَعْيِي مَا يَقُولُ»^۱

یعنی: گاهی مانند صدای زنگ بود که آن را دریافت می کردم، و این نوع سروش بسیار برایم مشکل است، و بیهوش می شوم، و بعد از اینکه به هوش می آیم و وحی خاتمه می

۱- صحیح بخاری (۱۸/۱) شماره (۲)

یابد، من آن را فراگرفته ام. گاهی فرشته بصورت یک انسان نزد من می آید، با من سخن می گوید و آنچه را که به من می گوید، بخاطر می سپارم.

بنابر این جبرئیل به صورت فرشته می آمد و در حالت فرشته بودن با او ارتباط برقرار می کرد، و این نوع وحی بر رسول خدا ﷺ بسیار سخت می بود.

حالت دوم این بود که جبرئیل بصورت یک انسان نزد رسول خدا ﷺ می آمد، و این وحی نسبت به نوع اول آسان تر بود. رسول خدا ﷺ جبرئیل را در شکل و صورت اصلی دو بار رؤیت کرده است:

سه سال بعد از بعثت. جابر رضی الله عنه می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: روزی در حال راه رفتن صدایی به گوشم رسید، سرم را بلند کردم، دیدم همان فرشته ای بود که در غار حراء نزد من آمده بود، و بر روی کرسی ای در میان زمین و آسمان قرار داشت، از دیدن آن صحنه دچار ترس و بیم شدم. به خانه برگشتم و گفتم: روی من چادر یا لحافی بیندازید.^۱

دوم: زمانی که جبرئیل رسول خدا ﷺ را به سوی آسمانها برد، و در «سوره ی نجم» به این دو مرتبه اشاره شده، آنجا که می فرماید:

﴿عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى ۝ ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَى ۝ وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَى ۝ ۷ ۝ ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى ۝ فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى ۝ فَأَوْحَى إِلَى عَبْدِهِ مَا أَوْحَى ۝ ۱۰ ۝ مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى ۝ ۱۱ ۝ أَفَتَمْنُونَهُ ۝ عَلَىٰ مَا يَرَى ۝ ۱۲ ۝ وَلَقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرَى ۝ ۱۳ ۝ عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى ۝ ۱۴ ۝ عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى ۝ ۱۵ ۝ إِذْ يَغْشَى السِّدْرَةَ مَا يَغْشَى ۝ ۱۶ ۝ مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَى ۝﴾ [نجم: ۵-۱۷]

یعنی: (جبرئیل، فرشته) بس نیرومند آن را بدو آموخته است. همان کسی که دارای خرد استوار و اندیشه وارسته است. سپس او (به صورت فرشتگی خود و با بالهایی که کرانه های آسمان را پر کرده بود) راست ایستاد. در حالی که او در جهت بلند (آسمان روبروی بیننده) قرار داشت. سپس (جبرئیل) پایین آمد و سر در نشیب گذاشت. تا آنکه فاصله او (و محمد)

به اندازه ی دو کمان یا کمتر گردید. پس جبرئیل به بنده خدا (محمد) وحی کرد آنچه می‌بایست وحی کند. دل (محمد) تکذیب نکرد چیزی را که او (با چشم سر) دیده بود. آیا با او درباره چیزی که دیده است، ستیز می‌کنید؟ او که بار دیگر (در شب معراج) وی را دیده است. نزد سدرۃ المنتهی. بهشت که منزل (و مأوی متقیان) است در کنار آن است. در آن هنگام، چیزهایی سدره را فرا گرفته بود که باید فرا می‌گرفت. چشم (محمد در دیدن خود به چپ و راست) منحرف نشد و به خطا نرفت، و سرکشی نکرد.

۳- وظیفه جبرئیل تنها رساندن وحی نبود.

مأموریت جبرئیل علیه السلام تنها رساندن وحی از جانب خداوند متعال نبود؛ زیرا هر سال در همه ی شبهای ماه رمضان، نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌آمد و قرآن را به ایشان درس می‌داد و تکرار می‌کرد.

ابن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سخی‌ترین مردم بود، و سخاوتش در ماه مبارک رمضان زمانی که جبرئیل نزد او می‌آمد به اوج می‌رسید، و جبرئیل علیه السلام در هر شب رمضان به ملاقاتش می‌آمد و قرآن را به او یاد می‌داد، پس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از باد سخی‌تر بود. (یعنی: سخاوت و بخشش او مانند باد به همه می‌رسید).^۱

۴- امامت جبرئیل برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

جبرئیل علیه السلام به خاطر آموختن نماز به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آنگونه که خداوند می‌خواست، برای ایشان امامت نماز کرده است. ابن مسعود رضی الله عنه روایت می‌کند که: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «جبرئیل علیه السلام فرود آمد و برای من امامت کرد و همراه او نماز اقامه کردم، سپس همراه او نماز اقامه کردم، سپس همراه او نماز اقامه کردم، ...» با انگشتانش پنج مرتبه را حساب کرد.^۲

۱- بخاری (۳۰/۱) شماره (۶)

۲- بخاری (۳۰/۶) شماره (۳۲۲۱) نسایی (۱۰۸/۱) شماره (۴۸۰)

ابن عباس رضی الله عنهما روایت می کند که: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «جبرئیل علیه السلام نزد مسجد الحرام کنار خانه‌ی کعبه دو مرتبه برایم امامت کرد. موقع زوال آفتاب برای نماز ظهر جلو رفت، و هنگامی که سایه‌ی هر چیز دو برابر آن شد برای نماز عصر ایستاد، و موقع غروب آنگاه که روزه‌دار افطار می کند نماز مغرب را امامت نمود، و زمانی که شفق آسمان ناپدید شد نماز عشاء را امامت کرد، و موقع طلوع صبح برای نماز جلو ایستاد، سپس هوا روشن شد.

روز بعد نماز ظهر را هنگامی به جای آورد که سایه‌ی هر چیز یک برابر شده بود، و نماز عصر را زمانی بر پا داشت که سایه‌ی هر چیز دو برابر شده بود، و نماز مغرب را موقع افطار و نماز عشاء را بعد از یک سوم شب، و نماز فجر را زمانی که هوا روشن شد به جای آورد، سپس به من نگاه کرد و فرمود: ای محمد! این وقت نماز پیامبران گذشته است، و وقت نماز بین این دو وقت است»^۱.

نه تنها نماز و اوقات نمازها را به صورت عملی به او آموزش داد، بلکه روش وضو را هم به او آموخت. در مستدرک حاکم از زید بن حارثه رضی الله عنه روایت است که: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «جبرئیل در ابتدای دوران نازل شدن وحی نزد من آمد و وضو و نماز را به من آموزش داد...»

۵- دعا خواندن جبرئیل بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

ابو سعید خدری رضی الله عنه روایت می کند: جبرئیل نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد و عرض کرد: ای محمد! آیا بیمار شده‌ای؟ فرمود: آری. جبرئیل گفت: «بِسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يُؤْذِيكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ نَفْسٍ أَوْ عَيْنٍ حَاسِدٍ اللَّهُ يَشْفِيكَ بِاسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ وَاللَّهُ يَشْفِيكَ»^۲

یعنی به نام خداوند از هر چیز مودی تو را پناه می دهم، از بدی هر موجود زنده، و از چشم هر حسودی، خداوند تو را شفا دهد، بنام خدا تو را پناه می دهم، خدا شفایت دهد.

۱- صحیح سنن ابی داود (۷۹/۱) شماره (۳۳۷)

۲- مسلم (۱۷۱۸/۴) شماره (۲۱۸۶)

۶- همراه شدن با رسول خدا ﷺ

از کارهای دیگر جبرئیل این بود که در غزوه‌ی بدر و خندق همراه رسول خدا ﷺ با کفار جنگیده است. همچنین در سفر اسراء و معراج او را همراهی کرده است.

۷- تحریک انگیزه های نیکی در دل بندگان

خداوند متعال همراه هر انسانی یک فرشته و یک جن قرار داده. از ابن مسعود رضی الله عنه روایت شده که رسول خدا ﷺ فرمود:

«مَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَقَدْ وُكِّلَ بِهِ قَرِينُهُ مِنَ الْجِنِّ». قَالُوا وَإِيَّاكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: وَإِيَّايَ إِلَّا أَنَّ اللَّهَ أَعَانَنِي عَلَيْهِ فَأَسْلَمَ فَلَا يَأْمُرَنِي إِلَّا بِالْخَيْرِ^۱

یعنی: در میان شما کسی وجود ندارد که یک همدم از جن، و یکی از فرشته همراه با او نباشد. عرض کردند: ای رسول خدا! آیا همراه شما هم وجود دارد؟ فرمود: «آری، ولی خداوند مرا یاری کرده، و او تسلیم شده، پس جز به نیکی مرا فرمان نمی دهد.

شاید این فرشته ای همدم غیر از فرشته ای باشد که مأمور ثبت و ضبط اعمال انسان است، بلکه خداوند او را برای هدایت و ارشاد و تحریک انگیزه های نیک ما انسان همراه نموده است.

فرشته و جنی که با انسان هستند بر انسان تأثیر می گذارند، جَنّی به بدی فرمان می دهد، و دیگری او را به انجام خیر و نیکی تشویق و ترغیب می نماید. از ابن مسعود رضی الله عنه روایت شده که رسول خدا ﷺ فرمود:

«إِنَّ لِلشَّيْطَانِ لَمَّةً بِابْنِ آدَمَ وَلِلْمَلِكِ لَمَّةً فَأَمَّا لَمَّةُ الشَّيْطَانِ فَايْعَادُ بِالشَّرِّ وَتَكْذِيبُ بِالْحَقِّ وَأَمَّا لَمَّةُ الْمَلِكِ فَايْعَادُ بِالْخَيْرِ وَتَصْدِيقُ بِالْحَقِّ فَمَنْ وَجَدَ ذَلِكَ فَلْيَعْلَمْ أَنَّهُ مِنَ اللَّهِ فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ وَمَنْ وَجَدَ

۱- صحیح مسلم (۲۱۶۷/۴) شماره (۲۸۱۴)

الْأُخْرَىٰ فَلْيَتَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ثُمَّ قَرَأَ ﴿الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ [بقره: ۲۶۸]

یعنی: هر یک از شیطان و فرشته با انسانها پیوندی دارد. پیوند و ارتباط شیطان با آدم این است که او را بدی وعده داده و وی را به تکذیب حقیقت وادار می کند و رابطه ی فرشته با آدم این است که او (انسان) را وعده ی نیکی می دهد، و برای پذیرفتن حق آماده- اش می کند. هر کس توفیق پذیرفتن حقیقت را یافت، بداند که از طرف خداوند است، و باید خدا را سپاس گوید، و هر کس جز این را یافت، از شیطان مطرود به خدا پناه برد. آنگاه رسول خدا ﷺ این آیه را تلاوت کرد که می فرماید: اهریمن شما را (به هنگام انفاق می ترساند و) وعده تهیدستی می دهد و شما را به انجام گناه دستور می دهد، ولی خداوند به شما وعده آمرزش خویش و فزونی (نعمت) می دهد. و خداوند (فضل و مرحمتش) وسیع (و از همه چیز) آگاه است.

ابن کثیر پس از بیان این حدیث گفته: «ترمذی و نسایی این حدیث را در کتاب التفسیر سنن خود از هناد بن سری روایت کرده اند، و ترمذی گفت: این حدیث حسن و غریب است، و حدیث ابی الأحوص یعنی: سلام بن سلیم است...».

به حدیث بعدی توجه کن تا با نحوه ی رقابت جن و فرشته ای که همراه انسان هستند در کشاندن انسان بسوی خود، آشنا شوی. حافظ ابو موسی از حدیث ابو زبیر، و او از جابر رضی الله عنه نقل کرده و می گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: هر گاه انسان برای خواب به رختخواب برود، یک فرشته و یک شیطان شتابان به نزد او روند. فرشته می گوید: سرانجام روز تو به نیکی باشد و شیطان می گوید: سرانجام روز تو بد باشد. اگر این انسان لحظات قبل از خواب را به یاد و ذکر خدا سپری کند تا اینکه خواب بر او غلبه کند و چشم هایش بسته شوند، فرشته شیطان را از آنجا می راند، و در طول شب او را محافظت می کند.

هرگاه انسان بیدار شد، یک فرشته و یک شیطان شتابان نزد او می روند. فرشته می گوید: روز خود را به خیر و نیکی آغاز کن، و شیطان می گوید: روزت را با بدی و گناه آغاز کن. اگر انسان بعد از بیدار شدن این دعا بخواند:

«الحمد لله الذي أحيا نفسي بعد ما أماتها ولم يميتها منامها، الحمد لله الذي يمسك التي قضى عليها الموت، و يرسل الأخرى إلى أجل مسمى،.. الخ» فرشته شیطان را می راند و در طول روز او را حفاظت می کند.

یعنی: خداوند را سپاس می گویم که مرا بعد از مردن (خواب) زنده کرد، و در خواب نمیراند. خداوند را سپاس که آن کس را که اجلش فرا رسیده، و آن که اجلش فرا نرسیده را تا وقت اجل مهلت می دهد. سپس خدا را سپاس می گویم که زمین و آسمان را نگه داشته، اگر زمین و آسمان از جای خود حرکت کنند، جز خداوند هیچ کس آنها را نمی تواند نگاه دارد. خدا را سپاس بخاطر اینکه آسمان را از افتادن بر روی زمین نگاه می دارد.

آنگاه فرشته شیطان را طرد می کند، و از آن انسان محافظت می کند.^۱

این روایات ما را به انجام کارهای نیک که موجب اصلاح دل، و نزدیک شدن به فرشته می شوند تشویق می کنند؛ زیرا نزدیک شدن به فرشتگان فواید زیادی را به ارمغان دارد، همانگونه که در حدیث آمده است: «رسول خدا ﷺ با سخاوتمندترین انسان بود، و در رمضان و موقع دیدار جبرئیل بیش از هر وقت سخاوتمند بود...» بیانگر تأثیر دیدار

۱- محقق کتاب «الوابل الصیب» در تعلیقش بر این حدیث گفته: «ابن حبان این روایت را با معنی نقل کرده، به شماره ۲۳۶۲ موارد» امام حاکم آن را در «۵۴۸/۱» روایت کرده، و آن را صحیح دانسته، و امام ذهبی با او موافق است، و رجال آن ثقة است. همچنین هیثمی در مجمع الزوائد (۱۲۰/۱۰) آن را نقل کرده، و گفته: ابویعلی آن را روایت کرده، و رجال آن رجال صحیح است جز ابراهیم شامی که ثقة است.

(من نویسنده) هم می گویم: نام این راوی ابراهیم بن حجاج شامی با سین بی نقطه درست است نه شامی.

رسول خدا ﷺ با جبرئیل است که در ماه رمضان به منظور تعلیم قرآن نزد ایشان می آمد.

۸- ثبت اعمال نیک و بد انسانها

فرشتگان موظف به حفظ اعمال نیک و بد انسانها هستند. در این آیه بدان اشاره شده است:

﴿ وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ ﴿۱۰﴾ كِرَامًا كَنِينِينَ ﴿۱۱﴾ يَعْمُونَ مَا تَفْعَلُونَ ﴿۱۲﴾ [انفطار: ۱۰-۱۲]

یعنی: بدون شک نگاهبانانی بر شما گمارده شده‌اند. نگاهبانانی که (در پیشگاه پروردگار مقرب و) محترم هستند و پیوسته (اعمال شما را) می نویسند.

خداوند بر هر انسانی دو فرشته‌ی حاضر را گماشته است. که هرگز از انسان جدا نمی شوند، و ناظر بر رفتار و اعمال انسان هستند، همانگونه که می فرماید:

﴿ وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلْنَاهُ مَأْتِسُونَ بِهِ نَفْسَهُ، وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ ﴿۱۶﴾ إِذْ يُلْقَى الْمُتَلَقِيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ ﴿۱۷﴾ مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَقِيدٌ ﴿۱۸﴾ [ق: ۱۶-۱۸]

یعنی: ما انسان را آفریده‌ایم و می دانیم که در خاطرش چه می گذرد و چه اندیشه‌ای در سر دارد، و ما از شاه‌رگ گردن بدو نزدیک‌تریم. بدانگاه که دو فرشته‌ای که در سمت راست و چپ انسان نشسته‌اند و اعمال او را دریافت می‌دارند. انسان هیچ سخنی را بر زبان نمی‌راند مگر این که فرشته‌ای، مراقب و آماده (برای دریافت و نگارش) آن سخن است.

واژه‌ی «قَعِيدٌ» به معنی به کمین نشسته، و «رَقِيبٌ عَقِيدٌ» یعنی مراقب و آماده برای انجام وظیفه، و حتی نوشتن یک کلمه را رها نمی کنند.

به ظاهر چنین معلوم می شود که فرشتگان گماشته شده بر انسان، هر سخن و رفتار آدمی را می نویسند و هیچ چیزی را رها نمی نمایند. خداوند می فرماید: «مَا يَلْفُظُ مِنْ» هر سخنی که از زبان بیرون بیاید.

بنابر این، انسان روز قیامت پرونده‌ی خود را می بیند که حاوی هر عملی است که از او صادر شده است. کفار وقتی پرونده‌ی اعمال خود را می بینند می گویند:

﴿يَوَيْلُنَا مَا لِهَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظِلُّمُ رَبُّكَ أَحَدًا﴾ [كهف: ۴۹]

وای بر ما! این چه کتابی است که هیچ عمل کوچک و بزرگی را رها نکرده است و همه را برشمرده است و (به ثبت و ضبط آن مبادرت ورزیده است. و بدین وسیله) آنچه را که کرده‌اند حاضر و آماده می‌بینند. و پروردگار تو به کسی ظلم نمی‌کند.

بلال بن حارث مزنی رضی الله عنه روایت می کند که: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «إِنَّ الرَّجُلَ لَيَتَكَلَّمُ بِالْكَلِمَةِ مِنْ رِضْوَانِ اللَّهِ مَا يَظُنُّ أَنَّهَا تَبْلُغُ مَا بَلَغَتْ يَكْتُبُ اللَّهُ لَهُ بِهَا رِضْوَانَهُ إِلَى يَوْمِ يَلْقَاهُ، وَإِنَّ الرَّجُلَ لَيَتَكَلَّمُ بِالْكَلِمَةِ مِنْ سَخَطِ اللَّهِ مَا يَظُنُّ أَنْ تَبْلُغَ مَا بَلَغَتْ، فَيَكْتُبُ اللَّهُ بِهَا عَلَيْهِ سَخَطَهُ إِلَى يَوْمِ يَلْقَاهُ»^۱

یعنی: گاهی انسان یک کلمه را به خاطر رضای خدا بر زبان می آورد، و هرگز تصور نمی‌کند به چه مقام و جایگاهی نایل می‌گردد، ولی این کلمه موجب می شود که خداوند رضایت و خشنودی خود را تا روز ملاقات و دیدار برایش بنویسد، و گاهی یک کلمه را در ناخشنودی خدا بر زبان می آورد، گمان نمی‌کند به چنین فرجام بدی برسد، خدا ناخشنودی و خشم خود را تا روز ملاقات برایش می‌نویسد.

۱- ترمذی، نسایی و ابن ماجه روایت کرده و ترمذی گفته: حسن و صحیح است.

علقمه (یکی از راویان) می گوید: حدیث بلال موجب شد که از گفتن چندین سخن خودداری کنم.

از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: انسان سخنی می گوید که مورد رضایت پروردگار است، ولی به آن اهمیت نمی دهد و ارزشی برای آن قائل نمی شود. اما خداوند بر اثر همین سخن، رتبه‌ی او را می افزایشد، و انسان سخنی که مورد ناخشنودی پروردگار است، می گوید و به گناه بودن آن توجه ندارد، یعنی آن را گناه تلقی نمی کند، اما همین سخن او را به قعر دوزخ می اندازد.^۱

ابن کثیر در تفسیرش آورده که: از حسن بصری پس از تلاوت آیه:

﴿عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ﴾ اظهار داشت: ای فرزند آدم، نامه اعمالی برای تو مشخص شده است، دو فرشته گرامی بر تو گماشته شده است. یکی در سمت راست تو و دیگری در سمت چپ قرار دارد. آنکه در سمت راست قرار دارد، اعمال نیک را ثبت می کند، و فرشته‌ی سمت چپ مراقب اعمال بد است. هر چه می خواهی بکن، کم یا زیاد، وقتی بمیری این پرونده جمع می گردد و در گردن تو آویخته شده و در قبر همراه توست تا وقتی که روز قیامت از قبر بیرون بیایی. خداوند می فرماید:

﴿وَكُلُّ إِنْسَانٍ لَّزِمَنَهُ طَائِفَةٌ فِي عُنُقِهِ وَنُخِرُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنْشُورًا﴾ (۱۳) أَقْرَأَ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا (۱۴) [اسراء: ۱۳-۱۴]

یعنی: ما اعمال هر کسی را (همچون گردن‌بند) به گردنش آویخته‌ایم (و او را گروگان کردار و عهده‌دار رفتارش ساخته‌ایم) و در روز قیامت کتابی را (که کارنامه اعمال او است) برای وی بیرون می آوریم که گشوده به (دست) او می رسد. (در آن روز بدو گفته می شود: کتاب (اعمال) خود را بخوان (و سعادت یا شقاوت خویش را بدان). کافی است که خودت امروز حسابگر خویشتن باشی.

حسن بصری رحمه الله گفت: بخدا سوگند، کسی که تو را مورد محاسبه قرار می‌دهد عدالت پیشه است.

ابن کثیر می‌گوید: ابن عباس رضی الله عنه در مورد تفسیر ﴿مَا يَلْفُظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ﴾ اظهار داشته: هر آنچه را که انسان بر زبان آورد و بگوید، فرشته می‌نویسد حتی این که می‌گوید: (خوردم، نوشیدم، رفتم، آمدم، دیدم و...) را نیز می‌نویسد. و روزهای پنجشنبه گفتار و کردار انسان توسط فرشته به پیشگاه خداوند عرضه می‌گردد. آنچه از نیکی و بدی وجود دارد ثبت و بقیه انداخته می‌شوند، و آیه‌ی زیر به همین نکته اشاره دارد که می‌فرماید:

﴿يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ﴾ [رعد: ۳۹]

یعنی: خداوند هرچه را که بخواهد از میان برمی‌دارد، و هرچه را بر جای می‌دارد و جایگزین می‌سازد. و همه اینها) در علم خدا ثابت و مقرر است.

ابن کثیر نقل کرده که: امام احمد هنگام بیماری آه و ناله بر زبان می‌آورد. بعد از طریق طاووس باخبر شد که فرشته همه سخنان، حتی فریاد و ناله را نیز می‌نویسد، آنگاه تا لحظه‌ی مرگ فریادی بر زبان نیاورد. رحمت واسع خدا بر او باد.

۹- فرشته‌ی راست نیکی‌ها، و فرشته‌ی چپ بدی‌ها را می‌نویسد

در معجم طبرانی کبیر با سند حسن از ابوامامه روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: فرشته‌ی سمت چپ شش ساعت قلم را از نوشتن اعمال انسان خطاکار باز می‌دارد، اگر انسان خطاکار در این مدت پشیمان شده و از خداوند آمرزش طلب کرد، فرشته آنها را می‌اندازد، و در غیر این صورت یک بدی در نامه‌ی اعمال او می‌نویسد.

آیا فرشتگان اعمال دلها را نیز می نویسند؟

شارح عقیده‌ی طحاویه با استدلال به آیه‌ی ﴿يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ﴾ می‌گوید: فرشتگان اعمال قلب‌ها را نیز می‌نویسند، و آیه شامل افعال ظاهر و باطن است.

همچنین به حدیث صحیحی استدلال کرده که رسول خدا ﷺ فرمود: خداوند می‌فرماید: هرگاه بنده‌ی من قصد انجام کار بدی کرد، اگر آن را انجام داد یک بدی برایش ثبت کنید، و اگر قصد انجام عمل نیکی کرد، (تنها به قصد انجام آن) یک نیکی برایش بنویسید، اگر آن را عملی کرد، ده برابر آن را برایش بنویسید.^۱

در حدیثی دیگر ابوهریره رضی الله عنه چنین روایت می‌کند: رسول خدا ﷺ فرمود: فرشته می‌گوید: پروردگارا! این بنده‌ی توست. قصد انجام عمل بد را دارد. (خداوند بهتر می‌داند و نیازی به گفتن فرشته ندارد). خداوند می‌فرماید: او را مهلت بدهید، اگر اراده اش را عملی کرد، یک بدی برایش بنویسید و اگر آن را ترک نمود، نیکی برایش بنویسید؛ زیرا آن را بخاطر خشنودی من رها کرده است.^۲

یک اشکال و جواب آن

آیا علم فرشتگان نسبت به اراده و نیت انسان با این گفتار خداوند در تضاد نیست؟

﴿يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ﴾ [غافر: ۱۹]

یعنی: خداوند از دزدانه نگاه کردن چشمها و از رازی که سینه‌ها در خود پنهان می‌دارند، آگاه است.

پاسخ: خیر، زیرا این از ویژگیهای علم خداوند نیست، و اسرار پنهان در دلها اگر چه از انسانها پنهان و پوشیده هستند، هیچ کس نمی‌داند که در سینه‌ی برادرش چه نیتی نهفته است. ولی این امر بیانگر این نیست که از فرشتگان نیز نهفته باشد.

۱- مسلم (۱۱۷/۱) شماره (۱۲۸)

۲- مسلم (۱۱۷/۱) شماره (۱۲۹) و بخاری (۴۶۵/۱۳) شماره (۷۵۰۱)

حتی بعضی می گویند: فرشتگان از بعضی اسرار نهفته در دلها خبر دارند که همان اراده و قصد است، البته، در مورد بقیه‌ی امور همچون عقاید، دلیلی بر اینکه فرشتگان آن را بدانند وجود ندارد.

۱۰- دعوت کردن بندگان بسوی انجام اعمال نیکو

ابوهریره رضی الله عنه روایت می کند که: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر روز که انسانها صبح می کنند، دو فرشته از آسمان فرود می آیند، یکی می گوید: «اللهم أعط منفقاً خلفاً، وأعط مُسكاً تَلَفًا» یعنی: پروردگارا! هر کس برای خشنودی تو انفاق کند، در عوض به او بده، و دیگری می گوید: پروردگارا! هر کس از انفاق در راه تو خودداری کند، مالش را ضایع بگردان.^۱

ابن حجر در شرح این حدیث روایت دیگری از ابو درداء را نقل کرده که در آن آمده است:

«ما من يوم طلعت شمسه إلا وكل بجنبتها ملكان يناديان نداء يسمعه خلق الله كلهم إلا الثقلين: يا أيها الناس هلموا إلى ربكم إن ما قلّ وكفى خير مما كثر وألهى، ولا آبت شمسه إلا وكل بجنبتها ملكان يناديان نداء يسمعه خلق الله كلهم غير الثقلين: اللهم أعط منفقاً خلفاً، وأعط مسكاً تلفاً».

یعنی: هر روز که خورشید طلوع می کند، دو فرشته فریاد سر می دهند: ای مردم! بسوی پروردگارتان بشتابید، روزی اندک و مقدار کافی از اموال زیاد بهتر است، و هنگام غروب آفتاب دوباره آن دو فرشته ندا می دهند، و این صدا را جز انسان و جن همه ی مخلوقات می شنوند، سپس می گویند: خدایا! هر کس برای خشنودی تو انفاق کند، در عوض به او بده و.... تا آخر حدیث قبل.

۱- بخاری (۳۰۴/۳) شماره (۱۴۴۲). مسلم (۷۰۰۲) شماره (۱۰۱۰).

۱۱- آزمایش انسان

خداوند بعضی از فرشتگان را برای آزمایش بندگانش می‌فرستد. ابوهیره رضی الله عنه روایت می‌کند که: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند می‌خواست سه نفر از بنی اسرائیل را که یکی بیماری پیسی داشت و دیگری، کچل بود و سومی نابینا، مورد آزمایش قرار دهد. از این رو فرشته‌ای بسوی آنان فرستاد. فرشته نزد فرد پیسی آمد و گفت: محبوب‌ترین چیز نزد تو چیست؟ گفت: رنگ زیبا، و پوست زیبا، زیرا مردم از من نفرت دارند. فرشته دستی بر او کشید، و بیماری بر طرف شد. و رنگ و پوستی زیبا به او داده شد.

آنگاه فرشته پرسید: چه مالی را بیشتر دوست داری؟ گفت: شتر. پس به او شتر آبستنی داده شد. و گفت: خداوند آن را برایت با برکت بگرداند.

سپس فرشته نزد کچل آمد و گفت: محبوب‌ترین چیز نزد تو چیست؟ گفت: موی زیبا تا این حالت برطرف شود؛ زیرا مردم از من نفرت دارند. فرشته دستی بر سرش کشید، در نتیجه بیماریش برطرف گردید و موی بسیار زیبا به او داده شد، باز فرشته از او سؤال کرد: چه مالی را بهتر دوست داری؟ گفت: گاو، گاوی آبستن به او داده شد و فرشته برایش دعای برکت کرد که خداوند این گاو را برایش مبارک گرداند.

بعد نزد نفر سوم آمد که نابینا بود. از او پرسید: چه چیزی را بهتر دوست داری؟ گفت: این را که خداوند بینایی مرا برگرداند و مردم را با چشم خود بینم. فرشته دستش را بر روی چشمانش کشید و خداوند بینایی‌اش را برگرداند. سؤال کرد: چه مالی را بهتر می‌پسندی؟ گفت: گوسفند، گوسفندی که آبستن بود به او داده شد و برایش دعای برکت کرد.

این گاو، شتر و گوسفند زاد و ولد کردند، هر کدام دارای گله‌ی بزرگی از گاو، گوسفند و شتر شدند.

فرشته در شکل و صورت انسان مبتلا به بیماری برص نزد نفر اول آمد و گفت: انسان ناتوانی هستم و در این سفر تمام اموال و متاع را از دست داده‌ام، امروز جز خداوند چیزی ندارم. تو را به همان خدایی که صورت و رنگ زیبا و مال به تو داده، به حال زار

من رحم کن، و شتری را به من بده که مرا به مقصد برساند. آن مرد گفت: مصرفم زیاد است. فرشته گفت: مثل اینکه تو را می‌شناسم، آیا تو جذام داری نبودی که مردم از تو نفرت می‌کردند؟ تو فقیر نبودی که خداوند به تو مال داده است؟ آن مرد گفت: خیر، کسی این مال را به من نداده است، این مال به صورت ارث از اجدادم به من رسیده است. فرشته گفت: اگر دروغ می‌گوئی، خداوند تو را به حالت اوّل برگرداند.

سپس با قیافه و شکل انسان نزد مرد کچل رفت. و آنچه را که به مرد اوّل گفته بود با او در میان گذاشت، و همان پاسخ مرد اوّل را از او هم دریافت کرد. فرشته گفت: اگر دروغ می‌گوئی، خداوند تو را به حالت اوّل برگرداند.

در پایان نزد نابینا رفت و گفت: انسان مسافری هستم و در راه سفر گرفتار و بی بضاعت مانده‌ام و نمی‌توانم به محل سکونت برگردم. تو را خدایی که بینایی را به تو برگرداند یک گوسفند به من بده. گفت: از این گله گوسفند هر اندازه که لازم داری بردار، و به خدا سوگند اگر تمام گوسفندان را برداری، مانع تو نخواهم شد. فرشته گفت: مال خودت مبارکت باد. خداوند خواست شما را امتحان کند، بی تردید خداوند از تو خوشنود است و از دو رفیق دیگر تو ناخشنود و خشمگین است.^۱

۱۲- گرفتن ارواح انسان موقع فرا رسیدن اجل

خداوند بعضی از فرشتگان را برای قبض ارواح بندگان برگزیده است.

می‌فرماید:

﴿قُلْ يَنْفَخُكُمْ مَلَكَ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ﴾ [سجده: ۱۱]

بگو: فرشته‌ی مرگ که بر شما گماشته شده است، به سراغتان می‌آید و جان شما را می‌گیرد، سپس به سوی پروردگارتان بازگردانده می‌شوید.

۱- بخاری (۵۰۰/۶) شماره (۳۴۶۴). مسلم (۲۲۷۵/۴) شماره (۲۹۶۴)

فرشتگانی که جان انسانها را می گیرند بیش از یک فرشته هستند:

﴿وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُمْ بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُم بِالنَّهَارِ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَىٰ أَجَلٌ مُّسَمًّى ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٦٠﴾ وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدُكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفِرُّونَ ﴿٦١﴾﴾ [انعام: ۶۰-۶۱]

یعنی: خداوند است که در شب شما را می میراند و در روز شما را برمی انگیزاند و او می داند که در روز (که زمان عمده جنب و جوش و تلاش و کوشش است) چه می کنید و چه فراچنگ می آورید (و این مرگ و زندگی خواب و بیداری، پیوسته ادامه دارد) تا مهلت معین (زندگی هرکس با فرا رسیدن مرگ او) فرا رسد. سپس (در روز رستاخیز همگان) به سوی خدا برمی گردید و آن گاه شما را بدانچه (از خوب و بد در دنیا) می کردید باخبر می گرداند.

خداوند بر بندگان خود کاملاً چیره است. او مراقبانی (از فرشتگان را برای حسابرسی و نگارش اعمال شما) بر شما می فرستد و می گمارد (و آنان به کار خود با دقت تمام تا دم مرگ یکایک شما، مشغول می گردند)، و چون مرگ یکی از شما فرا رسید، فرستادگان ما (از میان فرشتگان دیگر به سراغ او می آیند و) جان او را می گیرند، و (فرشتگان گروه اول و فرشتگان گروه دوم هیچ کدام در مأموریت خود) کوتاهی نمی کنند.

فرشتگان ارواح کفار و مشرکین را به سختی و خشونت می گیرند، و هیچگونه نرمش و مهربانی نسبت به آنها از خود نشان نمی دهند،

قرآن می فرماید:

﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمْرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُوا أَيْدِيَهُمْ أَخْرِجُوا أَنفُسَكُمُ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ﴾ [انعام: ۹۳]

یعنی: اگر ستمکاران را ببینی در آن هنگام که در سختی های مرگ فرو رفته اند و فرشتگان دستهای خود را (به سوی آنان) دراز کرده اند خویشتن را برهانید. این زمان به سبب دروغهایی که بر خدا می بستید و از (پذیرش) آیات او سرپیچی می کردید، عذاب خوارکننده ای می بینید.

و می فرماید:

﴿ وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَرَاهُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ ﴾ [انفال: ۵۰]

یعنی: اگر ببینی (ای پیغمبر! هول و هراس و عذاب و عقابی را که به کافران دست می دهد) بدان گاه که فرشتگان جان کافران را می گیرند و سر و صورت و پشت و روی آنان را (از هر سو) می زنند و (بدیشان می گویند): عذاب سوزان (اعمال بد خود) را بچشید.

و فرمود:

﴿ فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَرَاهُمْ ﴾ [محمد: ۲۷]

یعنی: حال آنان چگونه خواهد بود بدان هنگام که فرشتگان مأمور قبض ارواح به سراغشان می آیند و چهره ها و پشتها (و سایر اندامهای) ایشان را به زیر ضربه های خود می گیرند؟! اما ارواح مؤمنان را با مهربانی می گیرند.

۱۳- مژده به مؤمنان هنگام مرگ

وقتی مرگ مؤمن فرا رسد، فرشتگان می آیند، و به او مژده می دهند و مایه ی استواری و ثبات او می شوند، خداوند می فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا
وَأَبْشُرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ ﴿٣٠﴾ نَحْنُ أَوْلِيَائُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ
فِيهَا مِمَّا تَشْتَهُ أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مِمَّا تَدْعُونَ ﴿٣١﴾﴾ [فصلت: ۳۰-۳۱]

یعنی کسانی که می‌گویند: پروردگار ما تنها خداست، و سپس (بر این گفته خود که اقرار به وحدانیت است می‌ایستند، و آن را با انجام قوانین شریعت عملاً نشان می‌دهند، و بر این راستای خداپرستی تا زنده‌اند) پابرجا و ماندگار می‌مانند، (در هنگام آخرین لحظات زندگی) فرشتگان به پیش ایشان می‌آیند (و بدانان مژده می‌دهند) که نترسید و غمگین نباشید و شما را بشارت باد به بهشتی که (توسط پیغمبران) به شما (مؤمنان) وعده داده می‌شد.

(و فرشتگان بدیشان خبر می‌دهند که) ما یاران و یاوران شما در زندگی دنیا و در آخرت هستیم، و در آخرت برای شما هرچه آرزو کنید هست، و هرچه بخواهید برایتان فراهم است.

همچنین فرشتگان به کفار مژده‌ی دوزخ و خشم خداوند جبار را می‌دهند و به آنها می‌گویند: ﴿أَخْرِجُوا أَنْفُسَكُمْ الْيَوْمَ تُجْرُونَ عَذَابَ الْهُونِ﴾ [انعام: ۹۳]

یعنی در آن هنگام که در سختی‌های مرگ فرو رفته‌اند و فرشتگان دستهای خود را (به سوی آنان) دراز کرده‌اند (و بر بناگوششان تپانچه و بر پشتشان تازیانه می‌زنند و بدیشان می‌گویند: اگر می‌توانید از این عذاب الهی) خویشان را برهانید.

۱۴- ارتباط فرشتگان با بندگان در قبر و محشر

در مبحث ایمان به روز قیامت - انشاءالله - خواهید دید که بعد از مرگ فرشتگان با انسانها چه ارتباطی دارند، و در قبر چگونه فرشته‌های منکر و نکیر از او می‌پرسند. بعضی از فرشتگان انسانها را در قبر خوشحال می‌کنند، و برخی دیگر مجرمان و کافران را عذاب می‌دهند. فرشتگان علاوه بر انجام اموری که بیان گردید، روز قیامت از مسلمانان استقبال می‌کنند. اسرافیل در صور می‌دمد و انسانها را برای حساب در محشر جمع می‌-

کند. اهل دوزخ را به دوزخ، و اهل بهشت را به بهشت سوق می دهند، و در دوزخ اهل دوزخ را عذاب می دهند و در بهشت به ساکنان آن سلام می گویند.

مبحث سوم: فرشتگان و مؤمنان

نقش فرشتگان در قبال مؤمنان

در مبحث گذشته از نقش فرشتگان در ارتباط با تمام فرزندان آدم، از قبیل مؤمن و کافر و وظایف فرشتگان مانند: شکل دادن نطفه، حراست و مراقبت از بندگان، رساندن وحی، نوشتن و ثبت اعمال و قبض ارواح، سخن گفتیم که شامل کافر و مؤمن بود.

علاوه بر این، فرشتگان نقش های گوناگونی در ارتباط با مؤمنان و کافران دارند. در اینجا نقش آنان را نسبت هر دو گروه مؤمن و کافر مورد بحث و بررسی قرار می دهیم.

۱- محبت و دوست داشتن مؤمنان

ابوهریره رضی الله عنه می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا نَادَى جِبْرِيلَ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ فُلَانًا فَأَحِبَّهُ فَيَحِبُّهُ جِبْرِيلُ فَيُنَادِي جِبْرِيلُ فِي أَهْلِ السَّمَاءِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ فُلَانًا فَأَحِبُّوهُ فَيَحِبُّهُ أَهْلُ السَّمَاءِ ثُمَّ يُوضَعُ لَهُ الْقَبُولُ فِي أَهْلِ الْأَرْضِ»^۱.

یعنی: هرگاه خداوند بنده ای را دوست داشته باشد، به جبرئیل می فرماید: خداوند فلان بنده را دوست دارد تو نیز ای جبرئیل! او را دوست بدار. جبرئیل نیز او را دوست می دارد و در میان تمام اهل آسمان صدا می زند: خداوند فلانی را دوست دارد، شما نیز او را دوست بدارید. آنگاه اهل آسمان نیز با وی محبت خواهند کرد و بعد مقبولیت و محبت او در دل اهل زمین انداخته می شود.

۱- صحیح بخاری (۳۰۳/۶) شماره (۳۲۰۹)، صحیح مسلم (۲۰۳۰/۴) شماره (۲۶۳۷)

۲- راهنمایی مؤمن

امام ترمذی و ابن ماجه روایت کرده اند که رسول خدا ﷺ فرمود: «من سأل القضاء واستعان عليه وُكِّلَ إليه، ومن لم يسأله ولم يستعن عليه أنزل الله عليه ملكا يسدده». یعنی: هرکس درخواست مقام قضاوت کند، به خود واگذار می شود، و هر کس ناچار به پذیرش آن مقام شود، خداوند متعال فرشته ای را بر او فرود می آورد و او را به مسیر درست راهنمایی می کند.

اما در مورد چگونگی این راهنمایی خداوند متعال داناترست.

و در همین رابطه ابوهریره رضی الله عنه می گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: حضرت سلیمان التلیق رضی الله عنه گفت: امشب با صد نفر از همسرانم همبستر می شوم، و از هر خانمی جوانی متولد می شود و با دشمنان خداوند جهاد می کند. فرشته به او گفت: بگو: «إن شاء الله» اما سلیمان از روی فراموشی «إن شاء الله» نگفت. عمل مقاربت را انجام داد و تنها از یک خانم بچه ی ناقصی متولد شد. رسول خدا ﷺ فرمود: اگر حضرت سلیمان «ان شاء الله» می گفت: سوگندش شکسته نمی شد و آرزویش بهتر برآورده می شد.^۱

آری، فرشته پیام آور خدا حضرت سلیمان را به راه درست و بهتر راهنمایی کرد.

همچنین حسان بن ثابت رضی الله عنه می گوید: رسول خدا ﷺ برای حسان دعا کرد و فرمود: پروردگارا! حسان را بوسیله جبرئیل (روح القدس) نیرومند و قوی بگردان.^۲

۳- درود و دعا برای مؤمن

خداوند به ما خبر داده است که فرشتگان به رسول خدا ﷺ درود می گویند:

۱- بخاری (۳۳۹/۹) شماره (۵۲۲۴)

۲- صحیح بخاری (۳۰۴/۶)

﴿ إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ﴾
[احزاب: ۵۶]

یعنی: خداوند و فرشتگانش بر پیغمبر درود می‌فرستند، ای مؤمنان! شما هم بر او درود بفرستید و چنان که باید سلام بگویید.

همچنین برای مؤمنان دعا می‌کنند و درود می‌فرستند:

﴿ هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا ﴾ [احزاب: ۴۳]

یعنی: او کسی است که به شما عنایت و مرحمت می‌کند، و فرشتگانش برای شما تقاضای بخشش و آمرزش می‌نمایند، تا یزدان (جهان در پرتو الطاف خود و دعای فرشتگان) شما را از تاریکیهای (کفر و گمراهی) بیرون آورد و به نور (ایمان و هدایت) برساند. چرا که او پیوسته نسبت به مؤمنان مهربان بوده است.

امام بخاری به نقل از ابوالعالیه می‌گوید: «درود از جانب خداوند ستایش بنده است نزد فرشتگان»، برخی گفته‌اند: درود از جانب خدا رحمت است، و برخی دیگر گفته‌اند: هیچ تضادی بین این دو دیدگاه نیست. اما درود فرشتگان دعا و طلب عفو و مغفرت برای انسانهاست، که تفصیل آن جلوتر خواهد آمد.

چند نمونه از کارهایی که فرشتگان برای صاحبانش دعا می کنند

۱- آموزنده‌ی عمل نیک به مردم

ابوامامه روایت می کند که رسول خدا ﷺ فرمود: «خداوند و فرشتگان او، و اهل آسمانها و زمین و حتی مورچه ها در لانه های خود، و ماهی ها در دریا بر کسی که خیر و نیکی را به مردم یاد می دهند درود می فرستند (دعای مغفرت می کنند).^۱

۲- کسانی که برای نماز به مساجد می روند

ابوهریره رضی الله عنه می گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: تا زمانی که شما در نماز هستید و منتظر نماز جماعت می باشید، فرشتگان برای شما درود می فرستند و دعای مغفرت می کنند و می گویند: خدایا! او را مورد مغفرت و رحمت قرار بده.^۲

۳- کسانی که در صف اول نماز می خوانند

براء بن عازب رضی الله عنه می گوید: که رسول خدا ﷺ فرمود: خداوند و فرشتگان او برای کسانی که در صف اول نماز هستند درود می فرستند.^۳

در سنن نسایی بجای صف اول صف مقدم آمده است.

۴- کسانی که بعد از نماز در محل نماز می مانند

ابوداود در سنن خود، و نسائی با سند صحیح از ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده که رسول خدا ﷺ فرمود: «فرشتگان برای هر کدام از شما درود می فرستند و دعای مغفرت می کنند تا وقتی که در محل نماز می مانند، و تا زمانی که وضویش باطل نشود یا از آنجا برنخیزد».^۴

۱- ترمذی (۳۴۳/۲) شماره (۲۱۶۱). و صحیح الجامع (۱۳۳/۲)

۲- مسلم (۴۵۹/۱) شماره (۶۴۹).

۳- سنن ابی داود (۱۳۰/۱) شماره (۶۱۸).

۴- صحیح الجامع (۲۱/۶)

۵- برای کسانی که فاصله‌ی میان صف نماز را پر می‌کنند

عایشه رضی الله عنها می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «خداوند و فرشتگانش برای کسانی که صفهای نماز جماعت را به هم وصل می‌کنند درود می‌فرستند، و هرکس روزنه‌ای را پر کند، خداوند مقام و منزلت او را یک درجه بالا می‌برد»^۱.

۶- برای کسانی که سحر خیزند

عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «خداوند و فرشتگانش برای سحر خیزان درود می‌فرستند»^۲.

۷- برای کسانی که بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درود می‌فرستند

عامر بن ربیعہ روایت می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «هر مؤمنی که برای من درود بفرستد، تا زمانی که در حال فرستادن درود است، فرشتگان بر او درود می‌فرستند (یعنی دعای مغفرت می‌کنند) بنده اختیار دارد، زیاد درود بخواند یا کم»^۳.

۸- برای کسانی که به عیادت و احوالپرسی بیماران می‌روند

علی بن ابی طالب رضی الله عنه نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «هر مسلمانی که در وقت روز بیماری را احوالپرسی کند، خداوند در طول آن روز هفتاد هزار فرشته را برای درود فرستادن بر او بر می‌گزیند، و اگر شب به عیادت بیمار برود آن شب تا صبح برایش درود می‌فرستند و دعا می‌کنند»^۴.

و در روایت ابوداود و حاکم آمده است: «هر مردی شامگاه بیماری را عیادت کند، هفتاد هزار فرشته همراه با او بیرون شده و تا صبح برایش طلب مغفرت می‌کنند، و کسی که

۱- سنن ابن ماجه (۱۶۴/۱) شماره (۸۱۴)

۲- صحیح الجامع (۱۳۵/۲)

۳- صحیح الجامع (۱۷۴/۵)

۴- ابی داود (۵۹۸/۲) شماره (۲۶۴۵). صحیح الجامع (۱۵۹/۵)

صبحگاه به عیادت بیمار برود، تا شب هفتاد هزار فرشته با او خارج می شوند و برایش طلب مغفرت می کنند».

آیا درود فرشتگان برای ما تاثیری دارد؟

خداوند می فرماید:

﴿هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ [احزاب: ۴۳]

یعنی: او کسی است که به شما عنایت و مرحمت می کند، و فرشتگانش برای شما تقاضای بخشش و آمرزش می نمایند، تا یزدان (جهان در پرتو الطاف خود و دعای فرشتگان) شما را از تاریکیهای (کفر و گمراهی) بیرون آورد و به نور (ایمان و هدایت) برساند.

مفهوم آیه بیانگر این مطلب است که ذکر ما از جانب خداوند متعال در میان ساکنان آسمان، و دعای فرشتگان برای مؤمنان، و طلب بخشش و مغفرت از خدا برای ایشان، نقش بسیار ارزنده و مثبتی در هدایت و نجات مؤمنان از تاریکی های کفر و شرک و گناه و نافرمانی دارد. و موجب می شود که راه درست را تشخیص دهیم، و بر حسب مراد و خواسته ی خدا عمل کنیم و به آن نور و روشنی نائل گردیم که کردار و گفتار ما را در مسیر درست هدایت می کند.

۹- آمین گفتن برای دعای مؤمنان

فرشتگان بر دعای مؤمنان آمین می گویند و این امر بیشتر موجب اجابت دعا می گردد. ابودرداء رضی الله عنه می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «دعاء المرء المسلم مستجاب لأخيه بظهر الغيب عند رأسه ملك يؤمن على دعائه، كلما دعا لأخيه بخير قال: آمين ولك بمثله» یعنی: دعای غایبانه مسلمان در حق برادر مسلمانش قبول می شود. فرشته همراه مؤمن است، هرگاه مؤمن برای برادر مسلمانش غایبانه دعا کند، فرشته می گوید:

آمین و برای تو نیز چنین شود.^۱

وقتی که دعای فرشته آمین گوینده، موجب اجابت دعای مؤمن است، مسلمان نباید برای خود دعای بد کند. سلمه رضی الله عنه روایت می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «علیه خود دعای بد نکنید، و همواره در حق خود دعای نیک کنید؛ زیرا فرشتگان بر دعاهای شما آمین می گویند».^۲

۱۰ - در خواست بخشش برای مؤمنان

خداوند متعال ما را باخبر نموده که فرشتگان برای اهل زمین درخواست عفو و بخشش می کنند، آنجا که می فرماید:

﴿ تَكَادُ السَّمَوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ ظُ
أَلَا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ ﴾ [شوری: ۵]

یعنی: آسمانها (با همه عظمتی که دارند) نزدیک است (در برابر شکوه و عظمت او کرنش کنان) از بالا درهم بشکافند. و فرشتگان (با همه قدرتی که دارند دائماً) به تسبیح و تقدیس پروردگارشان مشغول و برای کسانی که در زمین هستند درخواست آمرزش می کنند. هان! (ای انسان غافل از اطاعت آسمانها و افلاک و عبادت فرشتگان پاک! بدان که) یزدان آمرزگار و مهربان است.

در سوره ی غافر بیان نموده که حاملان عرش خداوند، و فرشتگان اطراف عرش، پروردگارشان را به پاکی یاد می کنند، و خاضعانه برای مؤمنان توبه کننده دعای مغفرت می کنند و از خداوند می خواهند تا مؤمنان را از دوزخ نجات دهد، و آنان را وارد بهشت کند و از ارتکاب گناه و معاصی باز دارد، آنجا که می فرماید:

۱- صحیح مسلم (۲۰۹۴/۴) شماره (۲۷۳۳) و سنن ابن ماجه (۱۴۹/۲) شماره (۲۳۴۰)

۲- مسلم (۶۳۴/۲) شماره (۹۲۰)

﴿ الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ ۖ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ﴿٧﴾ رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ ءَابَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٨﴾ وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ ۚ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٩﴾ ﴾ [غافر: ۷-۹]

یعنی: آنان که بردارندگان عرش خدایند و آنان که گرداگرد آنند به سپاس و ستایش پروردگارشان سرگرمند و بدو ایمان دارند و برای مؤمنان طلب آمرزش می‌کنند (و می‌گویند): پروردگارا! مهربانی و دانش تو همه چیز را فرا گرفته است، پس در گذر از کسانی که (از گناهان دست می‌کشند و به طاعات و عبادات می‌پردازند، و از راههای انحرافی دوری می‌گزینند و به راستای راهت) برمی‌گردند و راه تو را در پیش می‌گیرند، و آنان را از عذاب دوزخ مصون و محفوظ فرما.

پروردگارا! آنان را به باغهای همیشه ماندگار بهشتی وارد گردان که بدیشان (توسط پیغمبران) وعده داده‌ای، همراه با پدران خوب و همسران شایسته و فرزندان بایسته ایشان. قطعاً تو (بر هر چیزی) چیره و توانا و (در هر کاری) دارای فلسفه و حکمت هستی. و آنان را از بدیها نگاهدار، و تو هر که را در آن روز از کیفر بدیها نگاهداری، واقعاً بدو رحم کرده‌ای (و مورد الطاف خود قرار داده‌ای) و آن قطعاً رستگاری بزرگ و نیل به مقصود سترگی است.

۱۱- حضور در مجالس علم و ذکر و زیر بال گرفتن آنان

ابوهریره رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى مَلَائِكَةٌ يَطُوفُونَ فِي الطُّرُقِ يَلْتَمِسُونَ أَهْلَ الذِّكْرِ، فَإِذَا وَجَدُوا قَوْمًا يَذْكُرُونَ اللَّهَ - عَزَّ وَجَلَّ -، تَنَادَوْا: هَلُمَّوا إِلَيْنَا حَاجَتِكُمْ، فَيُحْفَوْنَهُمْ بِأَجْنِحَتِهِمْ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا، ...»^۱ یعنی:

۱- بخاری (۲۰۸/۱۱) شماره (۶۴۰۸) و مسلم (۲۰۶۹/۴) شماره (۲۶۸۹).

همانا خداوند فرشتگانی دارد که در حال گردش هستند، و کسانی را پیدا می کنند که مشغول ذکر خداوند هستند. هرگاه آنها را یافتند، همدیگر را صدا می کنند: بیایید بسوی هدفتان. آنگاه فرشتگان در جمع ذاکران می آیند و تا آسمان دنیا آنان را زیر بال خود می گیرند.

ابوهریره رضی الله عنه می گوید: که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر گاه چند نفر در یکی از خانه های خدا مشغول تدریس، تعلیم و یادگیری کتاب خدا باشند، آرامش بر آنان نازل می شود، و رحمت الهی آنان را احاطه می کند، و فرشتگان اطرافشان را فرا می گیرند و خداوند نزد ساکنان آسمان از آنها یاد می کند.^۱

از ابودرداء روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «همانا فرشتگان بال خود را برای طالبان علم، فرش می کنند.^۲ یعنی فرشتگان در برابر کسانی در راه دین علم آموزی می کنند بسیار فروتن هستند.

بنابراین اعمال نیک - همانطور که می بینید - فرشتگان را به ما و ما را به آنان نزدیک می کنند. و اگر بندگان همواره در حالت روحی و معنوی والایی قرار داشته باشند، به درجه ای از کمال می رسند که فرشتگان را مشاهده و با آنها مصافحه کنند. همانگونه که از حنظله اسیدی رضی الله عنه روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «اگر شما وقتی که از نزد من بیرون می شوید بر همین حالت باقی بمانید، قطعاً در راههای مدینه با فرشتگان ملاقات و مصافحه می کنید».^۳

ابوهریره رضی الله عنه می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «اگر شما همواره در حالتی بمانید که نزد من هستید، با دستهایتان با فرشتگان مصافحه خواهید کرد، و شما را در منازلتان

۱- صحیح مسلم (۲۰۷۴/۴) شماره (۲۶۹۹)

۲- ترمذی (۳۴۲/۲) شماره (۲۱۵۹)

۳- صحیح مسلم (۲۱۰۶/۴) شماره (۲۷۵۰). صحیح الجامع: ۵۹/۵

ملاقات می‌کنند، و چنانچه مرتکب گناه نشوید، خداوند بجای شما قومی را می‌آورد که گناه کنند تا از آنها در گذرد»^۱.

۱۲- ثبت نام کسانی که در نماز جمعه شرکت می‌کنند

این دسته از فرشتگان بعضی از اعمال بندگان را ثبت می‌کنند و نام کسانی را که در مراسم نماز جمعه حاضر می‌شوند به ترتیب زمان ورود ثبت می‌کنند. از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «روز جمعه فرشتگانی، بر در ورودی هر یک از مساجد قرار دارند، و به ترتیب نام افرادی را که وارد مسجد می‌شوند ثبت می‌کنند، هرگاه امام برای خواندن خطبه نشست، پرونده‌ها را جمع می‌کنند و برای شنیدن خطبه می‌نشینند»^۲.

همچنین سخنان نیک از بندگان را ثبت می‌کنند. رفاعه بن رافع زرقی می‌گوید: روزی پشت سر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نماز می‌خواندیم، وقتی از رکوع بلند شد و «سمع الله لمن حمده» گفت، مردی پشت سر او گفت: «ربنا و لك الحمد، حمداً كثيراً طیباً مبارکاً فيه» وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نماز را تمام کرد، فرمود: چه کسی این کلمات را گفت. آن مرد گفت: ای رسول خدا! من بودم. فرمود: «حدود سی و اندی فرشته را دیدم که برای نوشتن این کلمه مبادرت می‌کردند و از همدیگر سبقت می‌گرفتند». پس فرشتگان نویسنده علاوه از دو فرشته ای هستند که اعمال نیک و بد انسانها را می‌نویسند؛ زیرا تعدادشان، سی و اندی ذکر شده است.

۱۳- فرشتگان به نوبت میان انسانها می‌آیند

این فرشتگان که در راه‌ها و معابر عمومی گشت می‌زنند، و دنبال یافتن مجالس ذکر هستند و در گردهمایی‌ها حضور پیدا می‌کنند، به نوبت نزد ما می‌آیند، گروهی می‌آیند و عده ای دیگر می‌روند. و در نماز صبح و عصر با هم جمع می‌شوند.

۱- صحیح الجامع (۶۰/۵)

۲- مشکاة المصابیح (۴۳۶/۱) شماره (۱۳۸۴)

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند فرشتگانی دارد که پی در پی در میان شما رفت و آمد می کنند، گروهی مأمور شب، و برخی مأمور روز هستند، و در نماز عصر و صبح با هم جمع می شوند. سپس آنهایی که شب را با شما سپری کردند، بسوی پروردگار برمی گردند، و خداوند حالت بندگان را از آنان جویا می شود؟ جواب می دهند: در حال نماز آنان را رها کردیم و وقتی برگشتیم آنان را در حالت نماز یافتیم»^۱.

ممکن است اینها همان فرشته‌هایی باشند که اعمال بندگان را نزد پروردگار می برند. از ابی موسی اشعری رضی الله عنه می گوید: که رسول خدا صلی الله علیه و آله پنج نکته را برای ما بازگو کرد و فرمود: خداوند نمی خوابد و خواب شایسته اش نیست. میزان اعمال را بالا می برد و پایین نمی آورد. فرشتگان اعمال شب را قبل از رسیدن روز، و اعمال روز را پیش از فرا رسیدن شب نزد خداوند می برند.^۲

از این رو خداوند منزلت نماز صبح را بسیار بزرگ توصیف نموده؛ زیرا فرشتگان در آن حضور می یابند، همانگونه که می فرماید:

﴿ أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا ﴾ [اسراء: ۷۸]

یعنی: نماز را چنان که باید بخوان به هنگام زوال آفتاب (از نصف النهار، که آغاز نماز ظهر است و امتداد آن وقت نماز عصر را نیز دربرمی گیرد) تا تاریکی شب، و نماز صبح را بخوان، بی گمان نماز صبح (توسط فرشتگان شب و فرشتگان روز) بازدید می گردد.

۱۴- فرشتگان وقت قرآن خواندن مؤمن نزد او فرود می آیند

۱- بخاری (۳۰۶/۶) شماره (۳۲۲۳). مسلم (۴۳۹/۱) شماره (۶۳۲)

۲- صحیح مسلم (۱۶۲/۱) شماره (۱۷۹)

برخی از فرشتگان موقع تلاوت قرآن از آسمان فرود می‌آیند. از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت است که در یکی از شبها که اسید بن حضیر در خوابگاه گوسفندان و دام‌های خود قرآن تلاوت می‌کرد؛ اسبش به حرکت درآمد. اسید می‌گوید: می‌ترسیدم که پسرم یحیی را لگدمال کند. از خانه بیرون رفتم و خود را به اسب رساندم. بالای سرم چیزی را دیدم که شبیه ابر بود و چیزی شبیه چراغ در آن آویزان بود، که هرگز ندیده بودم. فردا خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتم و حادثه را به عرض ایشان رساندم. فرمود: «ای اباحضیر! همانگونه بخوان».

می‌گوید: شب بعد هم قرآن خواندم، سپس اسبم به چرخش و حرکت درآمد، باز هم عرض کردم، و رسول خدا صلی الله علیه و آله همان پاسخ را داد و فرمود: ای اباحضیر! بخوان، سپس خواندم و اسبم همچنان به هیجان افتاد. آنگاه منصرف شدم، چون بیم آن داشتم که پسرم یحیی که به مکان اسب نزدیک بود در زیر پای اسب لگدمال شود، دوباره چیزی شبیه ابر دیدم که چیزهایی همچون چراغ در آن وجود داشت و در فضا آویخته بود که هرگز ندیده‌ام، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «تِلْكَ الْمَلَائِكَةُ كَانَتْ تَسْتَمِعُ لَكَ وَلَوْ قَرَأْتَ لِأَصْبَحَتْ يَرَاهَا النَّاسُ مَا تَسْتَتِرُ مِنْهُمْ». یعنی: آنها فرشته‌هایی بودند که به قرآن خواندن تو گوش فرا می‌دادند، اگر به خواندن قرآن ادامه میدادی تا صبح گوش فرا می‌دادند و مردم آنها را می‌دیدند که اکنون پنهان هستند.^۱

و در صحیح مسلم از براء بن عازب روایت است: شخصی سوره‌ی کهف را تلاوت می‌کرد، در خانه او حیوانی بود که شروع به حرکت کرد و دست و پا می‌زد. معلوم شد که چیزی مانند مه یا ابر خانه را پوشانیده. آن شخص جریان را به عرض رسول خدا صلی الله علیه و آله رسانید. ایشان فرمود: ای فلان بخوان آنچه که صورت گرفت، سکینه و آرامش بود که موقع تلاوت قرآن، نازل می‌شد.^۲

۱۵- سلام امت را به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌رسانند

۱- صحیح بخاری (۶۳/۹) شماره (۵۰۱۸)، صحیح مسلم (۵۴۸/۱) شماره (۷۹۶)

۲- صحیح مسلم (۵۴۸/۱) شماره (۷۹۶)

عبدالله بن مسعود رضی الله عنه نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ لَهِ مَلَائِكَةً سَيَّاحِينَ فِي الْأَرْضِ يُبَلِّغُونِي عَنْ أُمَّتِي السَّلَامَ» یعنی: همانا خداوند فرشتگانی دارد که در زمین به سیاحت مشغول اند، سلام های امت را به من می‌رسانند.^۱

در معجم طبرانی کبیر با سند حسن از عمار بن یاسر رضی الله عنه روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «واقعاً خداوند متعال فرشته ای دارد که به او چنان قدرتی داده که صدای بندگان را بشنود، و هر کس بر من درود بفرستد، به من می‌رسد، و من از خداوند درخواست کرده ام در مقابل هر درودی که بر من فرستاده می‌شود ده برابرش بر آنها درود بفرست.»

۱۶- مؤمنان را بشارت می‌دهند

فرشتگان به ابراهیم علیه السلام مژده دادند که بزودی خداوند به او فرزندی صالح عطا می‌کند، آنجا که می‌فرماید:

﴿ هَلْ أَنْتَ حَدِيثُ صَنِيفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ ﴿٢٤﴾ إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَّمَ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ ﴿٢٥﴾ فَرَاغَ إِلَىٰ أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعِجَلٍ سَمِينٍ ﴿٢٦﴾ فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ ﴿٢٧﴾ فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَحَفُّوا وَلَا نَحَفُّوا وَبَشَّرُوهُ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ ﴿٢٨﴾﴾ [ذاریات: ۲۴-۲۸]

یعنی: آیا خبر مهمانهای بزرگوار ابراهیم به تو رسیده است؟ آن زمانی که بر او وارد شدند و گفتند: سلام (بر تو!) گفت: سلام بر شما! (شما مهمانان، برایم) مردمان ناآشنا و ناشناسی هستید. به دنبال آن، پنهانی به سوی خانواده خود رفت، و گوساله فربه‌ای را (که بریان کرده بودند، برای ایشان) آورد. و آن را نزدیک ایشان گذارد. (ولی با تعجب دید دست به سوی غذا نمی‌برند و از آن چیزی نمی‌خورند!) گفت: آیا نمی‌خورید؟! (هنگامی

که دید دست به سوی غذا نمی‌برند) در دل از ایشان احساس ترس و وحشت کرد. گفتند: مترس! سپس او را به تولد پسری دانا و آگاه مژده دادند.

همچنین فرشتگان به زکریا علیه السلام فرزندی بنام یحیی مژده دادند، خداوند می فرماید:

﴿فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَى مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِّنَ الصَّالِحِينَ﴾ [آل عمران: ۳۹]

یعنی: پس (خداوند دعای او را پذیرفت و) در حالی که در عبادتگاه به نیایش ایستاده بود، فرشتگان او را ندا دادند که خداوند تو را به یحیی مژده می‌دهد، و او تصدیق کننده کلمه خدا (یعنی عیسی، چون با کلمه «کُن» پدید آمده است) و پیشوا و مبرا از هوسهای سرکش، و پیغمبری از (تبار) صالحان خواهد بود.

فرشتگان تنها به پیامبران مژده نمی‌دهند، بلکه گاهی به مؤمنان نیز مژده داده اند. از ابوهریره رضی الله عنه روایت است: شخصی برادر دینی اش را در روستایی دیگر ملاقات کرد. خداوند فرشته‌ای را بر مسیر راه او فرستاد. وقتی آن شخص رسید، فرشته از وی پرسید: قصد کجا داری؟ گفت: در فلان روستا برادر مسلمانی دارم و به دیدارش می‌روم. فرشته گفت: آیا به تو نیکی کرده است؟ پاسخ داد: خیر. بلکه بخاطر خدا او را دوست دارم. فرشته گفت: پس بدان که من فرستاده‌ی خداوند بسوی تو هستم، و خداوند می‌فرماید: همانطور که تو برادر مسلمانان را دوست داری، من نیز تو را دوست دارم.^۱

ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل نزد من آمد و گفت: ای پیامبر خدا! این خدیجه است، می‌خواهد نزد تو با ظرفی بیاید. که در آن آب یا غذا وجود دارد. هرگاه نزد تو رسید، از جانب خداوند و من (جبرئیل) به او سلام برسان و او را به خانه ای از مروارید و یاقوت در بهشت مژده بده.^۲

۱- صحیح مسلم (۱۹۸۸/۴) شماره (۲۵۶۷)

۲- بخاری (۱۳۳/۷) شماره (۳۸۲۰). مسلم (۱۸۸۷/۱) شماره (۲۳۲)

۱۷- فرشتگان در حالت خواب و رؤیا هم مژده می دهند

عبدالله بن عمر رضی الله عنهما نقل می کند که: در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله هر کس خوابی می دید، آن را برای ایشان بیان می کرد. من نیز آرزو داشتم که خوابی ببینم و آن را به عرض رسول خدا صلی الله علیه و آله برسانم. در آن دوران من جوان بودم و در مسجد می خوابیدم، در خواب دو فرشته را دیدم که مرا گرفته و بسوی دوزخ بردند. دوزخ را همچون حفره و چاه دیدم، و در آن افرادی بودند که آنان را می شناختم. بلافاصله گفتم: «أعوذ بالله من النار» یعنی: از آتش دوزخ به خدا پناه می برم. فرشته ای دیگر آمد و به من گفت: نترس.^۱

از حضرت عایشه رضی الله عنها روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله خطاب به او فرمود: «در خواب تو را در حالی دیدم که پارچه ابریشمی بر تن داشتی و فرشته ای تو را نزد من آورد و گفت: این همسر توست، و من پارچه را از صورت تو برداشتم و دیدم که تو عایشه هستی. گفتم: اگر این خواب از جانب خداوند باشد، قطعاً خداوند به آن جامه عمل خواهد پوشاند.^۲

۱۸- همراه با مؤمنان در جهاد شرکت کرده و از آنها حمایت می کنند

خداوند متعال مؤمنان را بوسیله ی تعداد زیادی از فرشتگان در غزوه ی بدر یاری کرد، همانگونه که می فرماید:

﴿إِذْ تَسْتَعِينُونَ رَبِّكُمْ فَأَسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِئَةِ الْمَلَكِيَّةِ مُرْدِفِينَ﴾ [انفال: ۹]

یعنی: زمانی را که (در میدان کارزار بدر از شدت ناراحتی) از پروردگار خود درخواست کمک و یاری می نمودید و او درخواست شما را پذیرفت (و گفت: من شما را با یک هزار فرشته کمک و یاری می دهم که این گروه هزار نفری گروه های متعدّد دیگری را پشت سر دارند.

۱- بخاری (۶۳) شماره (۱۱۲۱). و مسلم (۱۹۲۷) شماره (۲۴۷۹)

۲- بخاری (۱۸۰/۹) شماره (۱۵۲۵)

و می فرماید:

﴿وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرِ وَأَنْتُمْ إِذْ لَمْ فَاتِقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿١٢٣﴾ إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمَدِّدَ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آفَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُزِيلِينَ ﴿١٢٤﴾ بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ هَذَا يُمَدِّدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آفَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ ﴿١٢٥﴾﴾ [آل عمران: ۱۲۳-۱۲۵]

یعنی: خداوند شما را در بدر پیروز گردانید و حال آن که (نسبت به کافران) ناچیز (و از ساز و برگ اندکی برخوردار) بودید، پس از خدا بترسید تا شکر (نعمت او را بتوانید) به جای آورید. بدان گاه که تو به مؤمنان می گفتی: آیا شما را بسنده نیست که پروردگارتان با سه هزار از فرشتگان فرستاده (از سوی خویش برای آرامش خاطر تان) یاریتان کرد؟ آری! (شما را بسنده است. و علاوه از آن) اگر بردباری (در کارزار) داشته باشید و پرهیزگاری کنید (از معصیت خدا و مخالفت با پیغمبر)، و آنان (یعنی دشمنان مشرک) هم اینک بر شما تاخت آرند، پروردگارتان (بر تعداد فرشتگان بیفزاید و) با پنج هزار فرشته یورشگر و نشانگذار، شما را یاری کند.

ابن عباس رضی الله عنهما می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز غزوه‌ی بدر فرمود: «این جبرئیل است که با اسبش اسلحه جنگی حمل کرده است، حضور دارد».^۱

خداوند متعال حکمت و هدف از این کمک و یاری دادن را تقویت و ثابت کردن مؤمنان، و همراه بودن در جنگ، به قتل رساندن دشمنان خدا، و کشتن و گردن زدن و بریدن دستهایشان بیان نموده و می فرماید:

﴿وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ وَلِتَطْمَئِنَّ بِهِ قُلُوبُكُمْ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ [انفال: ۱۰]

۱- صحیح بخاری (۳۱۲۷) شماره (۳۹۹۵)

یعنی: خداوند این (امداد با فرشتگان) را تنها برای مژده دادن (پیروزی) به شما و آرامش پیدا کردن دل شما به آن کرد، وگرنه پیروزی جز از سوی خدا نیست (و اراده و مشیت او بالاتر از همه این اسباب ظاهری و باطنی است). بیگمان خداوند (بر هر کاری) توانا (و کارهایش) از روی حکمت است.

و می فرماید:

﴿إِذْ يُوحَىٰ رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبِّتُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا سَأَلْتِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَأَضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَأَضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ﴾ [انفال: ۱۲]

یعنی: (ای مؤمنان! به یاد آورید) زمانی را که پروردگار تو به فرشتگان وحی کرد که من با شما میم (و کمک و یاریتان می‌نمایم. شما با الهام پیروزی و بهروزی) مؤمنان را تقویت و ثابت‌قدم بدارید، (و من هم) به دل‌های کافران خوف و هراس خواهم انداخت. (به مؤمنان الهام کنید) سرهای آنان را بزنید (و از هم بشکافید که بر گردن‌های ناپاکشان سنگینی می‌کند) و دست‌های ایشان را ببرید.

در سوره ی آل عمران می‌فرماید:

﴿وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِنَطْمِئِنَّ قُلُوبُكُمْ بِهِ ۗ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ﴿۱۲۶﴾ لِيَقْطَعَ طَرَفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْ يَكْبِتَهُمْ فَيَنْقَلِبُوا خَائِبِينَ ﴿۱۲۷﴾﴾

یعنی: و خداوند آن (یاری با فرشتگان) را جز مژده‌ای برای (پیروزی) شما نساخت، و برای آن بود که دل‌های شما بدان آرام گیرد، و پیروزی جز از جانب خداوند توانای دانا نیست. (هدف از یاریتان توسط فرشتگان آن است که) تا گروهی از بزرگان کافران را نابود کند و یا آنان را سرکوب و خوار نماید و با شکست و ننگ خشمگینشان سازد و ناامید برگردند.

رسول خدا ﷺ در روز جنگ بدر فرشتگان مشاهده نمود. و در صحیح بخاری روایت شده که رسول خدا ﷺ همراه با ابوبکر صدیق رضی الله عنه در یک سایبان مستقر بودند، و هر دو دعا می کردند، آنگاه چشمان رسول خدا ﷺ به خواب رفت، سپس با تبسم بیدار شد و فرمود: «أبشر يا أبابكر، هذا جبريل علي ثنايا النقع» یعنی: ای ابوبکر! مژده باد، این جبرئیل است که روی ثنايا النقع است.

همچنین یکی از مجاهدان صدای ضربه‌ی فرشته ای که کافری را زد؛ و صدای راندن اسبش را شنید. ابن عباس رضی الله عنه می گوید: یکی از مسلمانان مشرکی را تعقیب کرده و به دنبالش می دوید، ناگهان صدایی از بالا، و صدای ضربه شلاقی را شنید که می گفت: ای حیزوم! - اسم اسب آن فرشته بود- جلو برو آن مرد مجاهد بطرف مشرک نگاه کرد و دید مشرک پشت بر زمین افتاده و بینی و صورتش زخمی است. آن انصاری رسول خدا ﷺ را از ماجرا باخبر نمود، رسول الله ﷺ فرمود: تو راست می گویی، این امدادگر از آسمان سوم آمده است.^۱

فرشتگان در جاهای دیگر نیز جنگیده اند، مانند جنگ خندق که خداوند فرشتگانش را جهت امداد و نصرت مسلمانان فرستاد، آنجا که می فرماید:

﴿يَتَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ اِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَاَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا﴾ [احزاب: ۹]

یعنی: ای مؤمنان! به یاد آورید نعمت خدای را در حق خودتان، بدان گاه که لشکرها به سراغ شما آمدند. ولی ما تندباد (سخت سردی) را بر آنان گماشتیم و لشکرهایی (از فرشتگان) را به سویشان روانه کردیم که شما آنان را نمی دیدید. خداوند می دید کارهایی را که انجام می دادید.

منظور از لشکری که شما آن را ندیدید، فرشتگان هستند. چون در احادیث صحیح آمده است: جبرئیل رضی الله عنه پس از بازگشت رسول خدا ﷺ از غزوه‌ی خندق، نزد رسول خدا

۱- صحیح مسلم (۱۳۸۴/۳) شماره (۱۷۶۳)

رسول خدا ﷺ آمد که اسلحه اش را گذاشته و غسل کرده بود. ولی جبرئیل گرد و خاک را از موهای سرش می نشانده، و به رسول خدا ﷺ گفت: شما اسلحه را گذاشته اید؟ ولی ما هنوز آن را نگذاشته ایم. بطرف کفار بیرون شو، رسول خدا ﷺ فرمود: کجا برویم؟ جبرئیل بسوی بنی قریظه اشاره کرد.^۱

از انس رضی الله عنه روایت است که رسول خدا ﷺ فرمود: «گویا گرد و غبار سواری جبرئیل را می بینم که از کوچه های بنی غنم بلند می شوند، و این زمانی بود که رسول خدا ﷺ برای جهاد به غزوه ی بنی قریظه می رفت.»^۲

۱۹- حمایت و پشتیبانی از رسول خدا ﷺ

ابوهریره رضی الله عنه می گوید: «ابوجهل گفت: آیا محمد صورتش را خاک آلود می کند؟ (سجده می کند) گفته شد: آری. ابوجهل گفت: سوگند به لات و عزی، هرگاه او را ببینم که چنین می کند پام را بر روی گردنش می گذارم تا ببینم چگونه سجده می کند.»

رسول خدا ﷺ مشغول نماز بود که ابوجهل آمد و می خواست پایش را بر گردن رسول خدا ﷺ بگذارد، ولی هنوز به او نزدیک نشده بود که به عقب برگشت و دست خود را سپر کرده مثل اینکه خود را از چیزی نجات می داد. از وی پرسیده شد: تو را چه شده است؟ گفت: میان من و او چاله ای پر از آتش مهیب و پره های عجیب و غریبی بود. رسول خدا ﷺ فرمود: «اگر ابوجهل به من نزدیک می شد، فرشتگان اعضاء بدن او را تکه تکه می بردند.»^۳

این روایت در کتاب التفسیر صحیح بخاری از روایت مسلم مختصرتر ذکر شده است.

۲۰- بندگان نیکوکار را یاری نموده و غم و اندوه را از آنها می زدایند

۱- بخاری (۴۰۷/۷) شماره (۴۱۱۷). مسلم (۱۳۸۹/۳) شماره (۱۷۶۹)

۲- بخاری (۴۰۷/۷) شماره (۴۱۱۸)

۳- صحیح مسلم (۲۱۵۴/۴) شماره (۲۷۹۷).

گاهی خداوند متعال فرشتگان را برای حمایت از برخی بندگان صالح جز پیامبران می فرستد. از جمله این موارد داستانی است که ابن کثیر آن را در تفسیر این آیه آورده است که:

﴿ اَمِّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ ﴾ [نمل: ۶۲]

حافظ ابن عساکر به روایت ابوبکر محمد بن داوود دینوری معروف به دقی صوفی، در شرح حال مردی چنین می گوید: در مسیر دمشق زبدانی قاطر کرایه کشی می کردم. مردی همراهم سوار شد و در مسیرهای ناشناخته می رفتیم. سپس به من گفت: از همین مسیر برویم که نزدیک تر است. گفتم: در این مسیر برای من خیری وجود ندارد. گفت: این نزدیک تر است، روانه شدیم. به جای بسیار صعب العبوری و وادی بسیار عمیقی که کشته های زیادی در آنجا بود، رسیدیم. گفت: قاطر را نگاه دار تا من پیاده شوم. پایین شد و آستین را بالا زد و لباسهایش را جمع و جور کرد و چاقویی را برداشت و به من روی آورد. من فرار کردم و او دنبالم کرد. او را به خدا قسم دادم و گفتم: این قاطر را با بارش بردار، ولی مرا رها کن. گفت: قاطر و بار مال من است، ولی می خواهم تو را نیز به قتل برسانم. هر چند او را از خداوند و عذابش ترساندم، نپذیرفت.

ناچار تسلیم شدم. و از وی خواستم به من اجازه بدهد تا دو رکعت نماز بخوانم. گفت: زود باش، بلند شدم تا نماز بخوانم. زبانم دچار لکنت شد، هرچه سعی کردم حتی یک کلمه از قرآن را نتوانستم بر زبان بیاورم. سرگردان و پریشان ایستادم، و آن مرد مرا با تندی صدا کرد و گفت: بس کن. ناگهان خداوند این آیه را بر زبانم جاری کرد: ﴿ اَمِّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ ﴾ مردی را دیدم که از پایین رودخانه سوار بر اسبی و در حالی که نیزه ای در دست دارد رسید. نیزه را بر قلب آن مرد زد و او فوراً بر زمین افتاد. خود را به دامن این اسب سوار آویزان کرده و عرض کردم: چه کسی هستی؟ گفت: من فرستاده کسی هستم که به داد ستمدیدگان می رسد، و آفت زدگان را یاری می کند، و ستمدیدگان او را می خوانند و از وی کمک می جویند. این مرد می گوید: قاطرم را با محموله اش برداشته و به سلامت برگشتم.

از جمله این موارد این که خداوند جبرئیل را برای کمک مادر حضرت اسماعیل علیه السلام در مکه مکرمه فرستاد. از ابن عباس رضی الله عنه روایت شده است: مادر حضرت اسماعیل علیه السلام هفت بار میان صفا و مروه برای جستجوی آب رفت و آمد کرد. وقتی نزدیک مروه رسید، صدایی به گوشش رسید. به خود گفت: ساکت باش، سپس صدایی شنید، گفت: آیا می توانید به من کمکی بکنید. ناگاه چشمش به فرشته ای در محل زمزم افتاد. آن فرشته با بالهای خود آب را بیرون آورد. فرشته به مادر اسماعیل گفت: هیچ خطری شما را تهدید نمی کند، اینجا خانه ی خداست که این پسر و پدر آن را خواهند ساخت. خداوند ساکنان این محل را ضایع نمی کند.^۱

در سنن نسایی آمده است که آن فرشته که نزد مادر اسماعیل علیه السلام آمد، جبرئیل بود. می گوید: وقتی که جبرئیل محل زمزم را با پای خود حفر کرد، هاجر مادر اسماعیل شن ها را جمع کرد. (تا جلوی جریان آب را بگیرد) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خداوند مادر اسماعیل را مورد مرحمت قرار دهد، اگر جلوی جریان آب زمزم را نمی گرفت، بصورت چشمه جاری می شد.^۲

۲۱- در تشییع جنازه ی بندگان نیکوکار شرکت می کنند

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره ی سعد بن معاذ فرمود:

«هذا الذي تحرك له العرش، وفتحت له أبواب السماء، وشهده سبعون ألفاً من الملائكة، لم يهبطوا إلى الأرض قبل ذلك، ولقد ضُمَّ ضمة، ثم أفرج عنه».

یعنی: او کسی است که عرش خداوند بخاطر درگذشت او به لرزه درآمد، و درهای آسمان به روی او گشوده شدند، و هفتاد هزار فرشته در تشییع جنازه اش شرکت کردند.

۱- بخاری (۳۹۷/۶) شماره (۳۳۶۴)

۲- صحیح الجامع (۱۹۷/۲)

ولی با این وجود در قبر فشرده شد و سپس عذاب قبر از وی برداشته شد.^۱ (نسائی از ابن عمر روایت کرده است).

۲۲- شهیدان را زیر سایه ی بالشان قرار می دهند

جابر رضی الله عنه می گوید: وقتی پدرم شهید شد روپوش را از چهره اش برداشتم و گریه می کردم و خویشاوندانم مرا دلداری می دادند و از گریه کردن منع می کردند، ولی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مرا منع نمی کرد، عمه ام «فاطمه» شروع به گریه و زاری کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: چرا گریه می کنید یا فرمود: گریه نکنید، فرشتگان همواره بر او با بالهای خود سایه انداختند.

امام بخاری این حدیث را عنوان یک باب کتاب خود قرار داده به نام: «باب سایه ی ملائکه بر شهید».^۲

۲۳- فرشتگانی که تابوت (صندوق) را آوردند

خداوند متعال می فرماید:

﴿ وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آءَالُ مُوسَىٰ وَآءَالُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴾ [بقره: ۲۴۸]

یعنی: و پیغمبرشان به آنان گفت: نشانه ی حکومت او این است که صندوق (عهد) به سوی شما خواهد آمد، (همان صندوق عهدی که دلگرمی و آرامشی از سوی پروردگارتان و یادگارهای خاندان موسی و هارون در آن است، و فرشتگان آن را حمل می کنند. بیگمان در این کار نشانه ای برای شماست (و چنین رهنمودی شما را بر آن می دارد که) اگر مؤمن هستید.

۱- بخاری (۱۲۲/۷) شماره (۳۸۰۲) صحیح الجامع (۷۲/۶)

۲- صحیح بخاری (۳۲/۶) شماره (۲۸۱۶)

در این آیه خداوند عَلَّامٌ به ما خبر داده که فرشتگان در آن فاصله‌ی زمانی صندوقی را برای بنی اسرائیل آوردند تا قلبشان بر این آرامش و اطمینان یابد که طالوت برگزیده‌ی خداوند است، پس از وی اطاعت و پیروی کنند و به فرمان او عمل کنند.

۲۴- دفاع از مکه و مدینه در برابر دجال

دجال به تمام شهرها و سرزمینها جز مکه و مدینه وارد می‌شود. مکه و مدینه بدلیل جلوگیری فرشتگان از ورود دجال و رسیدن او به این دو شهر، محفوظ می‌ماند. در صحیح مسلم و سنن ابی داود و ترمذی از حدیث فاطمه بنت قیس، در قصه‌ی تیمم داری آمده است که دجال می‌گوید: «من مسیح دجال هستم و به زودی اجازه‌ی خروج به من داده می‌شود. بعد از خروج در زمین به سیر و سیاحت می‌پردازم، و هیچ شهری را رها نمی‌کنم، و در مدت چهل روز به تمام شهرهای دنیا خواهم رفت جز مکه و طیبه (مدینه)، این دو شهر از ورود من محفوظ و من از ورود به آنها محروم هستم. هرگاه بخواهم به یکی از این دو شهر وارد شوم، فرشته‌ای با شمشیر از نیام کشیده و مانع ورود من به این دو شهر می‌شود. دروازه‌ی ورودی این دو شهر فرشتگانی گماشته شده که از آن حفاظت می‌کنند. رسول خدا ﷺ با چوب‌دستی کوچکی که در دست داشت بر منبر زد و با اشاره به سوی مدینه‌ی منوره فرمود: این طیبه است، این طیبه است، این طیبه است.^۱

ابی بکره روایت می‌کند که رسول خدا ﷺ فرمود: «رُعب و وحشت مسیح دجال به مدینه نمی‌رود. مدینه در آن روزگار هفت درب ورودی خواهد داشت که بر هر یک دو فرشته گماشته خواهد شد».^۲

ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: «بر راه‌های مدینه فرشته‌هایی گماشته شده‌اند، و طاعون و دجال نمی‌توانند وارد مدینه شوند»^۱، و نیز فرمود: «هیچ شهر و

۱- مسلم (۲۲۶۳/۴) شماره (۲۹۴۲)

۲- بخاری (۹۰/۱۳) شماره (۷۱۲۵)

دیاری باقی نمی ماند که دجال وارد آن نشود، جز مکه و مدینه، که بر دروازه های ورودی هر یک از آنان فرشتگان با صف ایستاده و از آن محافظت می کنند. سپس مدینه سه مرتبه به لرزه می آید، آنگاه خداوند تمام کافران و منافقان را از آن بیرون می کند.

۲۵- فرود آمدن عیسی همراه دو فرشته

نواس بن سمرعان می گوید: رسول الله ﷺ پیرامون حدیث دجال چنین فرمود: «در همین اثنا حضرت عیسی بن مریم علیها السلام بر مناره سفید جانب شرقی دمشق با لباس رنگ شده با ورس و زعفران در حالی فرود می آید. که دو دستش را بر روی بالهای دو فرشته گذاشته است».^۲

۲۶- فرشتگان بالهایشان را بر سرزمین شام گسترانیده اند

زید بن ثابت انصاری رضی الله عنه می گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم، که فرمود: (خوشای شام، خوشای شام!) پرسیده شد: ای پیامبر خدا! چرا چنین است؟ فرمود: آنها فرشتگان خدا هستند که بالهایشان را بر فضای شام (سوریه) گسترانیده اند.

(شیخ ناصرالدین آلبنی در تخریج و بررسی احادیث فضایل شام که از ربعی روایت شده اند می گوید: این حدیث صحیح است که ترمذی، و حاکم در المستدرک و احمد در المسند روایت کرده اند، و حاکم گفته: بر شرط شیخین صحیح است، و ذهبی موافقت کرده، و همین طور است، همانگونه که منذری در الترغیب و الترهیب می گوید: ابن حبان و طبرانی آن را با سند صحیح روایت کرده اند).

۲۷- هماهنگی با فرشتگان موجب پاداش است

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر گاه امام آمین گوید، شما نیز آمین بگویید، هر کس آمین گفتنش با آمین فرشتگان هماهنگ باشد، گناهان گذشته اش بخشیده خواهند شد».^۳

۱- بخاری (۱۰۱/۱۳) شماره (۷۱۲۳)

۲- سنن ترمذی (۲۴۹/۲) شماره (۱۸۲۵)

۳- بخاری (۲۶۲/۲) شماره (۷۸۰)، مسلم (۳۰۷/۱) شماره (۴۱۰)

در صحیح بخاری آمده است: «هرگاه آمین گفتن شما و فرشتگان آسمان هماهنگ شد، گناهان گذشته ی شما بخشیده خواهند شد».^۱

در حدیثی دیگر رسول خدا ﷺ فرمود: هرگاه امام گفت: «سمع الله لمن حمده»، شما «اللهم ربنا لك الحمد» بگویید، زیرا هر کس سخنش با سخن فرشتگان هماهنگ شود، گناهان گذشته اش بخشوده خواهند شد».^۲

وظیفه ی مؤمن در قبال فرشتگان

فرشتگان بندگان برگزیده ی خدا هستند و نزد پروردگارشان از جایگاه ویژه ای برخوردارند، و مسلمانی که خدا را عبادت کند و در صدد خشنودی خداوند است، چاره ای جز دوستی و تعظیم و طرفداری از فرشتگان ندارد. و مؤمن باید از هر عملی که موجب ناخشنودی و اذیت و آزار فرشته می شود خودداری کند. در این بخش توضیحاتی در این زمینه تقدیم می گردد.

۱- اذیت نکردن فرشتگان

علمای اسلام به شدت ناسزاگویی و عیب گویی فرشتگان را محکوم کردند. علامه سیوطی رحمه الله به نقل از قاضی عیاض، و او از سخنون می گوید: هر کس فرشته ای را دشنام دهد، باید کشته شود. این حکم درباره ی تمام فرشتگان یا آن فرشته هایی است که فرشته بودن آنان برای ما آشکار باشد. یعنی فرشته بودن آنان از قرآن و یا از حدیث متواتر و مشهور و متفق علیه ثابت شده باشد، مانند جبرئیل، نکهبان بهشت، مالک و زبانیه مأمور جهنم، حاملان عرش، عزرائیل، اسرافیل، رضوان، نگهبانان و نویسندگان اعمال انسان و منکر و نکیر. اما این حکم شامل آنهایی که حدیث، دلیل و اجماعی بر فرشته بودنشان نباشد، مانند هاروت و ماروت این حکم مذکور شامل حالشان نمی شود. سیوطی

۱- صحیح بخاری (۲۶۶/۲) شماره (۷۸۱)

۲- بخاری (۲۸۳/۲) شماره (۷۹۶)

به نقل از قرافی مالکی می‌گوید: بر هر انسان مکلفی احترام پیامبران و فرشتگان ضروری است. هر کس با صراحت، کنایه و یا تعریض و اشاره، درباره‌ی حیثیت فرشتگان سخن بگوید، کافر می‌شود. مثلاً هر کس بگوید: فلانی از فرشته نگهبان دوزخ سنگ دل تراست، یا فلانی از منکر و نکیر وحشتناک تر است، اگر این سخن را بخاطر اثبات عیب و نقصِ وحشت و سنگدلی بگوید، کافر می‌گردد.^۱

۲- پرهیز از گناه و نافرمانی خدا

آنچه که بیش از هر چیز موجب اذیت و آزار فرشته می‌شود، گناه، کفر و شرک است، از این رو بزرگترین هدیه به فرشتگان که آنها را خشنود و راضی می‌کند این است که دین انسان خالصانه برای پروردگار باشد، و از هر آن چه که موجب خشم خداست پرهیزد. از این رو فرشتگان به منزلی که گناه و نافرمانی خدا در آن باشد، یا چیزی در آن خانه باشد که خداوند نسبت به آن نفرت و خشم داشته باشد، مثل بُت، مجسمه و تصاویر ذی روح وارد نمی‌شوند. همچنین فرشتگان به کسانی که نافرمانی خدا را می‌کنند، مانند انسانهای مست نزدیک نمی‌شوند.

ابن کثیر گفته: «در حدیث صحیح که در کتابهای صحاح، مسانید و سنن تعدادی از صحابه روایت کرده اند آمده است که رسول خدا ﷺ فرمود: «لَا تَدْخُلُ الْمَلَائِكَةُ بَيْتًا فِيهِ صُورَةٌ وَلَا جُنُبٌ وَلَا كَلْبٌ» یعنی: فرشتگان به خانه‌ای که تصویر، سگ و انسان جنب و ناپاک در آن باشد وارد نمی‌شوند.

در روایتی دیگر از حضرت علی رضی الله عنه کلمه‌ی «بول» نیز در حدیث اضافه شده است. یعنی ادرار نیز مانع ورود فرشتگان است. در حدیث مرفوعی رافع از ابوسعید چنین روایت می‌کند: «لَا تَدْخُلُ الْمَلَائِكَةُ بَيْتًا فِيهِ كَلْبٌ، وَلَا صُورَةٌ تَمَائِيلَ» یعنی: فرشتگان به خانه

۱- الحبانک فی اخبار الملائکة للسیوطی (۲۵۵۱)

ای که در آن سگ و مجسمه باشد، وارد نمی شوند. در روایتی دیگر از ابوهریره رضی الله عنه چنین نقل شده است: « لَا تَصْحَبُ الْمَلَائِكَةُ رُفْقَةً مَعَهُمْ جَرَسٌ أَوْ كَلْبٌ »^۱

یعنی: فرشتگان کاروانی را که سگ و زنگوله داشته باشند، همراهی نمی کنند.

بریده رضی الله عنه می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «فرشتگان سه نفر نزدیک نمی شوند: کسی که مست باشد، مردی که با زعفران لباسهایش را رنگ کرده است، و شخص جنب و ناپاک»^۲.

از عمار یاسر رضی الله عنه روایت است، که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «فرشتگان به این سه چیز نزدیک نمی شوند: جسد کافر، کسی که خلوق (نوعی عطر) را به لباسهایش زده باشد، مگر اینکه وضو بگیرد»^۳.

۳- آنچه موجب اذیت و آزار انسانهاست فرشتگان را نیز اذیت می کند

از احادیث صحیح ثابت است که آنچه انسانها را اذیت می کند، موجب اذیت و آزار فرشتگان نیز می شود. از این رو فرشتگان از بوی بد، پلیدی ها و گندگی اذیت می شوند.

جابر بن عبدالله رضی الله عنه می گوید: که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس پیاز، سیر و تره بخورد به مساجد ما نیاید؛ زیرا از آنچه انسانها ناراحت و اذیت می شوند، فرشتگان نیز احساس ناراحتی می کنند»^۴.

۱- البداية و النهاية (۵۵/۱)

۲- صحیح الجامع (۷۰/۳)

۳- صحیح سنن ابی داود (۸۷۲/۲)

۴- مسلم (۳۹۴/۱) شماره (۵۶۷)

تا جایی که رسول خدا ﷺ به شخصی که به مسجد آمد و از او بوی سیر یا پیاز به مشام می‌رسید دستور داد تا از مسجد بیرون شده و به بقیع برود.^۱

۴- منع از انداختن آب دهان به سمت راست در نماز

رسول خدا ﷺ از انداختن آب دهان به سمت راست در حالت نماز نهی کرده؛ زیرا وقتی نمازگزار برای اقامه‌ی نماز بلند می‌شود، فرشته‌ی سمت راست او می‌ایستد. ابوهریره رضی الله عنه روایت می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «وقتی یکی از شما به نماز می‌ایستد، آب دهانتان را به جلوی خود نیندازد؛ زیرا تا وقتی که در حالت نماز هست، با خداوند مناجات و راز و نیاز دارد، و به سمت راست خود نیز نیندازد، زیرا در سمت راست هر نمازگزاری فرشته‌ی وجود دارد، اگر لازم باشد آب دهان را به سمت چپ یا زیر پا بیندازد، و بعد آن را دفن کند.^۲

۵- دوستی و محبت با تمام فرشتگان

بر هر مسلمانانی لازم است با همه‌ی فرشتگان دوستی و محبت داشته باشد، و میان آنان تبعیض و برتری قائل نباشد؛ زیرا همه آنان بندگان مطیع و فرمانبر خداوند هستند، و هرگز با هم اختلاف و تفرقی ندارند و دستورهای خدا را به بهترین روش انجام می‌دهند. یهودیان مدعی بودند که میان فرشتگان دوستان و دشمنانی دارند. آنان جبرئیل را دشمن و میکائیل را دوست خود می‌دانستند. بنابراین خداوند متعال این ادعایشان را تکذیب کرد و فرمود که فرشتگان با هم اختلاف ندارند آنجا که فرمود:

﴿ قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَيَّ قَلْبًا بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٩٧﴾ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ ﴾ [بقره: ۹۷-۹۸]

۱- صحیح مسلم (۳۹۶/۱) شماره (۵۶۷)

۲- صحیح بخاری (۵۱۲/۱) شماره (۴۱۶)

یعنی: بگو: کسی که دشمن جبرئیل باشد (در حقیقت دشمن خداوند است) زیرا او به فرمان خدا قرآن را بر قلب تو نازل کرده است (نه این که خودسرانه دست به چنین امری زده باشد). قرآنی که کتابهای آسمانی پیشین را تصدیق می‌کند، و هدایت و بشارت برای مؤمنان است. کسی که دشمن خدا و فرشتگان و فرستادگان او و جبرئیل و میکائیل باشد (خداوند دشمن او است). چه خداوند دشمن کافران است.

خداوند در این آیه و آیه های دیگر خبر داده که فرشتگان منسجم و یکی هستند. هر کس با یکی از آنان دشمنی بورزد، او در واقع با خداوند و همه ی فرشتگانش دشمن است. اما دوستی با بعضی از فرشتگان و دشمنی با برخی دیگر، خرافه ای است که جز اندیشه ی منحرف یهودی کسی دیگر بدان قائل نیست. و این که قرآن از یهود نقل می کند عذر و بهانه‌ای واهی بیش نیست که کفر و بی‌ایمانی خود را بدان توجیه نموده، و ادعا می‌کردند که جبرئیل دشمن آنان است، چون مایه ی جنگ و تخریب است و اگر میکائیل نزد محمد می‌آمد، سخنانش را می پذیرفتیم.

مبحث چهارم: فرشتگان، کافران و فاسقان

در مباحث گذشته پیرامون رابطه‌ی فرشتگان با مؤمنان بحث شد، و تا حدودی موضع آنان در مقابل کفار روشن گردید. بنابراین قطعاً فرشتگان کافران ستمکار و مجرم را دوست ندارند، بلکه نسبت به آنان عداوت و دشمنی داشته و با آنها می‌جنگند، و دل‌هایشان را به لرزه در می‌آورند، همانطور که در جنگ بدر و احزاب این حادثه اتفاق افتاد. اکنون به زوایای دیگری خواهیم پرداخت که تاکنون بیان نشده، و توضیحات بیشتری درباره‌ی موضع فرشتگان در قبال کفار بیان خواهد شد.

۱- آوردن عذاب بر کفار

وقتی که پیامبران الهی از جانب مردم تکذیب می‌شدند، و قومشان بر تکذیب اصرار می‌ورزیدند، اغلب اوقات خداوند بر آنها عذاب نازل می‌کرد، و بیشتر اوقات این عذاب را فرشتگان می‌آوردند.

۲- نابود کردن قوم لوط

فرشتگانی که مأموریت نابود کردن قوم لوط را بر عهده داشتند به شکل نوجوانانی زیبا آمدند و حضرت لوط علیه السلام میزبان آنان بود. قوم لوط ابتدا از آمدن آنها خبر نداشتند، تا اینکه همسر لوط آنها را از آمدن فرشتگان مهمان با خبر کرد. بنابراین بلافاصله بعد از این خبر به قصد عمل زشت، راهی خانه‌ی حضرت لوط علیه السلام شدند، و حضرت لوط در صدد دفع آنها بر آمد، و با آنها به بحث و مجادله پرداخت، ولی نپذیرفتند. آنگاه جبرئیل با بالهایش آنها را زد و بینایی چشمانشان را از بین برد، همانگونه که خداوند متعال فرمود:

﴿وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِئَاءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالَ هَذَا يَوْمٌ عَصِيبٌ ﴿٧٧﴾ وَجَاءَهُ قَوْمُهُ يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَمَنْ قَبْلُ كَانُوا يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ قَالَ يَنْقَوْمِرْ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تَخْزَوْا فِي ضَيْفِي أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ ﴿٧٨﴾ قَالُوا لَقَدْ عَلِمْتَمَا لَنَا فِي بَنَاتِكَ مِنْ حَقِّ وَإِنَّكَ لَنَعْلَمُ مَا تُرِيدُ ﴿٧٩﴾ قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أَوْ آوِي إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ ﴿٨٠﴾ قَالُوا يَلُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصِلُوا إِلَيْكَ ﴿٨١﴾﴾ [هود: ۷۷-۸۱]

یعنی: هنگامی که فرستادگان ما (به صورت جوانانی) پیش لوط درآمدند، لوط از آمدن آنان بسیار ناراحت گردید و دانست که قدرت دفاع از ایشان (در برابر قوم تباہکار خود) را ندارد، و گفت: امروز روز بسیار سخت و دردناکی است. قوم لوط (از ورود این جوانان زیبا روی آگاه شدند و) شتابان به سوی لوط آمدند. قومی که (آلوده به گناه بودند و) پیش از آن (هم) اعمال زشت (لواط) انجام می‌دادند. لوط بدیشان گفت: ای قوم من! (شرمتان باد! بر مهمانان من بیخشایید و) اینها دختران من هستند و برای شما (از آمیزش با ذکور) پاکیزه‌ترند (من حاضریم آنان را به عقد شما درآورم) پس از خدا بترسید و در مورد مهمانانم مرا خوار و رسوا مکنید (و بدیشان تعدی و تجاوز ننمائید). آیا در میان شما مرد راهیاب و راهنمائی، یافته نمی‌شود؟ گفتند: تو که می‌دانی ما را به دختران تو نیازی نیست، و می‌دانی که چه چیز می‌خواهیم. فرشتگان بعد از اطلاع از پریشانی لوط و اصرار بزهکاران، به لوط) گفتند: ای لوط! ما فرستادگان پروردگارت هستیم، (این زشتکاران) دستشان به تو نمی‌رسد (و نمی‌توانند کوچکترین بلا و کمترین زیانی به تو

برسانند). اهل و عیال خود را در پاسی از شب بکوچان، و کسی از شما پشت سر خود را ننگرد (تا هول و هراس عذاب را نبیند و دچار شر و مصیبتی نشود) مگر همسر تو که او می ماند و به همان بلایی که آنان بدان گرفتار می گردند گرفتار می شود. موعد (هلاک) ایشان صبح است. آیا صبح نزدیک نیست؟

ابن کثیر می گوید: آورده اند که جبرئیل علیه السلام نزد آنان (قوم لوط) رفت و با پره‌های خود بر چهره و صورت آنان سیلی زد. چشم های آنان فرو رفتند بطوری که اثری از چشم ها باقی نماند....^۱

خداوند متعال هم می فرماید:

﴿وَلَقَدْ رَاوَدُوهُ عَنْ ضَيْفِهِ فَطَمَسْنَا أَعْيُنَهُمْ فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذِرٌ ﴿٣٧﴾ [قمر: ۳۷]

یعنی: و با لوط درباره مهمانانش سخن گفتند (و از او خواستند آنان را در اختیار ایشان برای انجام کار منافی عفت بگذارد). ما چشمانشان را کور کردیم، (و بدیشان گفتیم): بچشید عذاب و عقاب مرا، و بیم دادنها و بر حذر داشتنهای مرا.

و در ابتدای صبح خداوند آنها را نابود کرد، همانگونه که می فرماید:

﴿فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَلَيْهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِّن سِجِّيلٍ مَّنصُودٍ ﴿٨٢﴾ مُسَوِّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بِبَعِيدٍ ﴿٨٣﴾ [هود: ۸۲-۸۳]

یعنی: هنگامی که فرمان ما (مبنی بر هلاک قوم لوط) فرا رسید، آن (شهر و دیار) را زیر و رو نمودیم و آنجا را با گلهای متحجر و پیای سنگباران کردیم. سنگهایی که از سوی پروردگار تو نشاندار (به نشان عذاب و بدون بازدارنده قرار داده شده) بودند. این چنین سنگهایی از ستمکاران (دیگر هم) به دور نیست.

ابن کثیر در تفسیر این آیه به نقل از مجاهد می گوید: «جبرئیل قوم لوط را با زمین و خانه و گله ی حیوانات و هر چه داشتند بر روی بال سمت راستش حمل کرد، و آنقدر آنها را بالا برد که ساکنان آسمان صدای سگهایشان را می شنیدند، سپس همه شان را واژگون کرد». همچنین اقوالی نزدیک به همین معنی را ذکر کرده اند ولی در این زمینه حدیث صحیحی وجود ندارد.

۳- نفرین کردن کفار

خداوند می فرماید:

﴿ كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَشَهِدُوا أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ وَجَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٨٦﴾ أُولَئِكَ جَزَاءُهُمْ أَنَّ عَلَيْهِمْ لَعْنَةَ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿٨٧﴾ ﴾ [آل عمران: ۸۶-۸۷]

یعنی: چگونه خداوند گروهی را رهنمون می کند که بعد از ایمانشان و پس از آن که گواهی دادند به این که پیغمبر بر حق است و معجزات و دلایل روشنی برای آنان (بر حقانیت محمد) بیامد، کافر شدند؟ و خدا گروه ستمکاران را هدایت نخواهد کرد. این چنین کسانی، کیفرشان این است که نفرین خدا و فرشتگان و مردمان همه، بر آنان باشد.

همچنین فرموده: ﴿ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارًا أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴾ [بقره: ۱۶۱]

یعنی: کسانی که کفر ورزیدند و در حالی که کافر بودند مردند (و با استمرار کفر و بدون توبه و پشیمانی، از دنیا رفتند) نفرین خدا و فرشتگان و همه مردمان بر آنان خواهد بود.

فرشتگان تنها کفار را نفرین نمی کنند، بلکه کسانی را که مرتکب گناهان ویژه ای می شوند، نیز نفرین می کنند.

جز کافران افرادی که مورد نفرین فرشتگان هستند:

۱- زنی که از شوهرش اطاعت نکند

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است، که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «هرگاه شوهر از زنش درخواست همبستری نمود و زن نافرمانی کند، فرشتگان تا صبح آن زن را نفرین می‌کنند». در روایتی دیگر آمده است: تا وقتی که به رختخوابش بر می‌گردد.^۱

۲- کسی که در قبال برادرش چاقو بکشد

ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: ابو القاسم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «هر کس با ابزار تیز و برنده (مانند کارد و چاقو به منظور تهدید) به برادرش اشاره کند فرشتگان او را نفرین می‌کنند، حتی اگر برادر پدری و مادری یکدیگر باشند.^۲

نفرین نمودن فرشته بیانگر حرام بودن این کار است؛ زیرا موجب رُعب و وحشت برادرش می‌گردد، و گاهی شیطان او را به طغیان واداشته که او را به قتل می‌رساند، بویژه اگر از اسلحه‌های مدرن جدید باشد که ممکن است با کمترین اشتباه و خطا خطرهای جبران ناپذیری به بار آورد، و موارد زیادی از این حوادث رخ داده‌اند.

۳- کسانی که به یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ناسزا می‌گویند

در معجم طبرانی از ابن عباس رضی الله عنه با سند حسن روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «هر کس به اصحاب و یاران من ناسزا بگوید، نفرین خدا و فرشتگان و تمام انسانها بر او باد».

جای بسی شگفتی است که امروزه قوم‌هایی هستند که ناسزاگویی اصحاب بزرگوار

۱- صحیح بخاری (۲۹۳/۹) شماره (۵۱۹۳)

۲- صحیح مسلم (۲۰۲۰/۴) شماره (۲۶۱۶)

رسول الله ﷺ را دین و عبادت می‌دانند، و چنین می‌پندارند که این عمل (زشت) موجب نزدیک شدن به خداست، اما پاداش آنان همان گفتار پیامبر ﷺ است که پاداش وحشتناکی است.

۴- کسانی که مانع اجرای شریعت خداوند می‌شوند

از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کس مرتکب قتل عمد شد، بعنوان قصاص کشته می‌شود، و هر کس مانع اجرای قصاص شود، نفرین خدا، فرشتگان و تمام انسانها بر وی باد».^۱

بنابر این هر کس مانع اجرای حکم خداوند در مورد قصاص بوسیله ی مال، و توسل به مقام و قدرت باشد این نفرین او را شامل می‌شود. از این رو حال کسانی چطور خواهد بود که نه تنها مانع قصاص، بلکه مانع تمام احکام شریعت می‌شوند؟!

۵- هر کس اهل بدعتی را پناه دهد

از جمله کسانی که مورد نفرین خدا هستند، بدعتگزارانی هستند که در دین خدا نوآوری بوجود می‌آورند. یعنی از احکام و شریعت خدا تجاوز می‌کنند، یا بدعتگزاران را پناه داده، و از آنان حمایت و پشتیبانی می‌کنند. در حدیث صحیح آمده است: «فَمَنْ أَحَدَثَ حَدَثًا أَوْ آوَى مُحَدِّثًا فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ».^۲

یعنی هر کس در دین بدعت و نوآوری بوجود آورد، یا بدعت‌گذاری را پناه دهد، نفرین خدا، فرشتگان و همه ی مردم بر او باد.

بدعت و نوآوری در مدینه عبارت است از ارتکاب جرم و جنایت. از علی بن ابی طالب رضی الله عنه روایت است که رسول خدا ﷺ فرمود: مدینه از فاصله ی غیر تا ثور (غیر و ثور

۱- صحیح سنن نسایی (۴۹۲/۳) شماره (۴۴۵۶)

۲- ابو داود و نسائی و حاکم روایت کرده اند. صحیح الجامع (۸/۶)

دو کوه هستند که مدینه در فاصله ی میان آنها قرار دارد) حرم است. هر کس در آن مرتکب جرم شود، یا اهل بدعتی را حمایت کند، نفرین خدا، فرشتگان و همه ی مردم بر او باد، و خداوند در روز قیامت طاعت و فدیة ی او را نمی پذیرد.^۱

دیدن فرشته

در میان انسانها جز رسول خدا ﷺ کسی نمی تواند فرشتگان را به شکل اصلی و حقیقی شان ببیند؛ زیرا خداوند چنین قدرتی را به دیگران نداده است. رسول خدا ﷺ دو مرتبه جبرئیل را به شکل واقعی مشاهده کرده، همانگونه که بحث آن قبلاً گذشت، و انسان فرشته را زمانی می تواند ببیند که تغییر شکل داده باشد.

کافران خواستار مشاهده و رؤیت فرشتگان شدند

کافران در راستای بحث و جدال و شبهه پراکنی در مورد نبوت رسول خدا ﷺ خواستار رؤیت فرشتگان شدند. ولی خداوند خبر داد که روزی فرشتگان را می بینند که برای آنان روز نحسی خواهد بود؛ زیرا کافران زمانی فرشتگان را می بینند که عذاب را برای آنان می آورند، یا زمانی که مرگ به سراغشان می آید، و پرده ها برداشته می شوند و حقیقت کشف می گردد، همانگونه که خداوند فرموده :

﴿ وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْمَلَائِكَةُ أَوْ نَرَى رَبَّنَا لَقَدِ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَعَتَوْا عُتُوًّا كَبِيرًا ﴿٢١﴾ يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلَائِكَةَ لَا بُشْرَى يَوْمَئِذٍ لِلْمُجْرِمِينَ وَيَقُولُونَ حِجْرًا مَحْجُورًا ﴿٢٢﴾ [فرقان: ۲۱-۲۲]

یعنی: آنان که امیدی به ملاقات ما (در روز رستاخیز نداشته و قیامت را قبول) ندارند می گویند: چرا فرشتگان به پیش ما نمی آیند (تا بر راستی رسالت تو گواهی دهند؟) یا چرا پروردگار خود را نمی بینیم (تا خودش در برابرمان ظاهر و به ما بگوید که او تو را

۱- بخاری (۸۱/۴) شماره (۱۸۷۰). مسلم (۹۹۴/۲) شماره (۱۳۷۰)

فرستاده است؟) واقعاً آنان خویشان را بزرگ پنداشته‌اند (و از حدّ خود بسی پا را فراتر) و در ظلم و طغیان سخت سرکشی نموده‌اند. روزی فرشتگان را می‌بینند که در آن روز مژده و نویدی برای بزهکاران در میان نخواهد بود (و بلکه روزی است که از ترس فریاد برمی‌آورند و) می‌گویند: پناه! پناه! امان!

چرا پیامبران را از میان فرشتگان انتخاب نکرد

بدین جهت خداوند متعال پیامبران را از میان فرشتگان برگزید که سرشت فرشتگان مخالف با سرشت انسانهاست، بنابراین ارتباط برقرار کردن انسان با فرشتگان کار آسانی نیست، از این رو هنگامی که فرشته‌ی وحی به شکل واقعی خود نزد رسول خدا ﷺ می‌رفت، برای پیامبر ﷺ بسیار سخت و مشقت بار بود، همانگونه که بحث آن قبلاً گذشت، و چون جبرئیل را دید وحشت زده شد و نزد همسرش برگشت و فرمود: جامه را بر سرم بکشید، جامه را بر سرم بکشید. پس اراده‌ی خداوند بر این بود که از جنس و نوع خودشان پیام آورشان را انتخاب کند، و در صورتی که ساکنان زمین فرشته بودند، قطعاً فرشتگان را به پیامبری بر می‌گزید:

﴿ قَدْ لَوْ كَانَتْ فِي الْأَرْضِ مَلَائِكَةٌ يَمْسُوكَ مُطْمَئِنِّينَ لَنَزَّلْنَا عَلَيْهِم مِّنَ السَّمَاءِ مَلَكًا رَسُولًا ﴾ [اسراء: ۹۵]

یعنی: بگو: اگر در زمین (به جای انسانها) فرشتگانی مستقر و در آن راه می‌رفتند، ما از آسمان (از جنس خودشان) فرشته‌ای را به عنوان پیغمبر به سویشان می‌فرستادیم.

و به فرض اینکه فرشتگان را برای انسانها می‌فرستاد، آنها را به صورت خودشان نمی‌فرستاد، بلکه به شکل و قیافه‌ی انسان در می‌آورد، و همان لباسی بر آنها می‌پوشانید که انسان‌ها می‌پوشند، تا بتوانند از آنها برنامه‌ی خدا را فرا گیرند:

﴿ وَقَالُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ وَ لَوْ أَنزَلْنَا مَلَكَ لَقُضِيَ الْأَمْرُ ثُمَّ لَا يُنظَرُونَ ﴿٨﴾ وَ لَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكَ لَجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَلَلَبَسْنَا عَلَيْهِم مَّا يَلْبَسُونَ ﴾ [انعام: ۸-۹]

یعنی: می‌گویند: چه می‌شد اگر فرشته‌ای به پیش او بیاید (و در حضور ما بر نبوت و راستی گفتارش گواهی دهد تا بدو ایمان بیاوریم؟ بگو: اگر فرشته‌ای به پیش او بفرستیم، کار از کار می‌گذرد (و فرمان نابودی ایشان صادر می‌گردد) و دیگر مهلت بدیشان داده نمی‌شود.

خداوند متعال خبر داد که درخواست کافران مبنی بر دیدن فرشتگان از روی لجبازی و بهانه است، و خواهان هدایت نیستند، و حتی اگر خواسته‌ی آنها هم بر آورده شود ایمان نمی‌آورند، همانگونه که فرمود:

﴿وَلَوْ أَنَّا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةَ وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتُونَ وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبُلًا مَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ يَجْهَلُونَ﴾ [انعام: ۱۱۱]

یعنی: اگر ما فرشتگانی را به پیش ایشان می‌فرستادیم و مردگانی (را زنده می‌کردیم و در برابر دیدگانشان سر از گورها بدر می‌آوردند و درباره راستگویی محمد) با ایشان سخن می‌گفتند، و همه چیز را آشکارا در برابر آنان گرد می‌آوردیم آنان ایمان نمی‌آوردند مگر این که خدا می‌خواست ولی بیشتر آنان نمی‌دانند.

فصل چهارم: فرشتگان و سایر مخلوقات

سایر وظایف فرشتگان در جهان هستی

در فصل گذشته رابطه ی فرشتگان با انسانها مورد بررسی قرار گرفت. تمام وظایف موکول شده به فرشتگان موارد مذکور نیستند؛ زیرا فرشتگان در امور گوناگون جهان هستی انجام وظیفه می کنند که برخی از آنها را می بینیم و برخی دیگر را نمی بینیم.

اینک به ذکر برخی از این وظایف در پرتو آیات و روایات، اشاره می شود:

۱- فرشتگان حامل عرش

عرش بزرگترین مخلوق خداوند است که آسمانها را احاطه کرده و بالاتر از همه قرار دارد. خداوند بر روی عرش قرار دارد، و هشت نفر از فرشتگان حاملان عرش هستند:

﴿وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَنِينَ﴾ [الحاقه: ۱۷]

یعنی: و در آن روز، هشت فرشته، عرش پروردگارت را بر فراز سر خود بر می دارند.

۲- فرشته ی موکل به امور کوه ها

تعدادی از فرشتگان مأمور کوهها هستند. خداوند فرشته ی کوهها را به منظور نظر خواهی از رسول خدا ﷺ پیرامون نابودی ساکنان مکه نزد ایشان فرستاد.

عائشه رضی الله عنها می گوید: عرض کردم: ای رسول خدا! آیا روزی سخت تر از روز اُحد بر تو گذشته است؟ فرمود:

«لَقَدْ لَقِيتُ مِنْ قَوْمِكَ وَكَانَ أَشَدَّ مَا لَقِيتُ مِنْهُمْ يَوْمَ الْعَقَبَةِ إِذْ عَرَضْتُ نَفْسِي عَلَى ابْنِ عَبْدِ يَالِيلَ بْنِ عَبْدِ كَلَالٍ فَلَمْ يُجِبْنِي إِلَى مَا أَرَدْتُ فَانْطَلَقْتُ وَأَنَا مَهْمُومٌ عَلَى وَجْهِ فَلَمْ أَسْتَفِقْ إِلَّا بِقَرْنِ الشَّعَالِ فَرَفَعْتُ رَأْسِي فَإِذَا أَنَا بِسَحَابَةٍ قَدْ أَظَلَّتْنِي فَنَظَرْتُ فَإِذَا فِيهَا جَبْرِيْلُ فَنَادَانِي فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ سَمِعَ قَوْلَ قَوْمِكَ لَكَ وَمَا رَدُّوا عَلَيْكَ وَقَدْ بَعَثَ إِلَيْكَ مَلَكَ الْجِبَالِ لِتَأْمُرَهُ بِمَا شِئْتَ فِيهِمْ قَالَ فَنَادَانِي مَلَكُ الْجِبَالِ وَسَلَّمْ عَلَيَّ. ثُمَّ قَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ قَدْ سَمِعَ قَوْلَ قَوْمِكَ لَكَ وَأَنَا مَلَكُ الْجِبَالِ وَقَدْ بَعَثَنِي رَبُّكَ إِلَيْكَ لِتَأْمُرَنِي بِأَمْرِكَ فَمَا شِئْتَ إِنْ شِئْتَ أَنْ أُطَبِّقَ عَلَيْهِمُ الْأَخْشَبِينَ^۱». فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- «بَلْ أَرْجُو أَنْ يُخْرِجَ اللَّهُ مِنْ أَصْلَابِهِمْ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ وَحْدَهُ لَا يُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا»^۲.

یعنی: ای عایشه! آزار و شکنجه‌ی زیادی از قوم تو به من رسیده که سخت‌ترین آنها روز عقبه (جایی در منی) بود. روزی که نزد ابن عبد یالیل بن عبد کلال رفتم و در خواست پناهندگی کردم، ولی به خواسته ام پاسخ مثبت نداد. غمگین و پریشان به راهم ادامه دادم، و زمانی متوجه شدم که در «قرن ثعالب»^۳ رسیدم. سر بلند کردم. ابری دیدم که بر من سایه افکنده است. نگاه کردم جبرئیل را در آن دیدم. جبرئیل مرا صدا کرد و گفت: خداوند پاسخ قوم تو را شنید، و اکنون فرشته‌ی کوه ها را فرستاده است تا هرطور می خواهی در مورد آن قوم درخواست عذاب و انتقام از خدا کنی. سپس فرشته-ی کوه‌ها مرا صدا کرد و به من سلام گفت، سپس اظهار داشت: ای محمد! خداوند پاسخ قوم تو را شنید و من فرشته‌ی کوه‌ها هستم. خداوند مرا فرستاده تا اگر بخواهی این دو کوه مکه را بر سرشان فرو ریزم. رسول خدا ﷺ فرمود: خواهان نابودی آنان نیستم، بلکه امیدوارم خداوند از پشت آنان فرزندان بدنی آورد که بدون شریک قرار دادن برای خدا تنها او را عبادت کنند.

۱- اخشبین نام دو کوه در مکه است.

۲- مسلم (۱۴۲۰/۳) شماره (۱۷۹۵)

۳- نام جایی است میان مکه و طائف.

۳- فرشتگان موگُل به باران، گیاهان و ارزاق

ابن کثیر می گوید: میکائیل مأمور باران و گیاهانی است که روزی این دنیا از آنها تامین می شود، و دستیار و کارگزارانی دارد که از دستور وی اطاعت می کنند و بادهای و ابرها را به هر سو که خداوند عز وجل بخواهد می گردانند و تغییر مسیر می دهند.^۱

این را هم روایت کرده ایم که هر قطره بارانی از آسمان فرود می آید فرشته ای همراه دارد که آن را در محلش بر زمین مستقر می گرداند.

بعضی از فرشتگان مأمور ابرها هستند. از ابن عباس رضی الله عنه روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «الرعد ملكٌ من الملائكة وکیل بالسحابِ معه مخاریق من نارٍ یسوقُ بها السحابَ حیثُ شاء اللهُ» یعنی رعد فرشته ای است که امور ابرها را بر عهده دارد و پارچه ای از آتش با اوست که ابرها را هر جا که خداوند عز وجل بخواهد سوق می دهد.^۲

بنابر این گاهی سرزمینی یا شهری را آبیاری می کند و در کنار آن سرزمین دیگری خشک و بی آب باقی می ماند.

گاهی این فرشته مأموریت می یابد که از میان زمین های گوناگون تنها به یک زمین آب بدهد. همانگونه که در حدیثی از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: شخصی در بیابان، از میان ابر صدایی شنید که گفت: «باغ و زمین فلانی را آبیاری کن». آن شخص دید که بلافاصله ابر از جای خود تکان خورد و آبش را در یک میدان ریخت و جویباری آب را به زمین و مزرعه شخصی که نامش را در صدای غیبی شنیده شده بود، برد، و تمام این آب در آن جویبار بسوی مزرعه ی مورد نظر سرازیر شد. این شخص آب را دنبال کرد، و چون به مزرعه رسید مردی را مشاهده کرد که مشغول آبیاری است. از او پرسید: ای بنده ی خدا! اسم تو چیست؟ مرد کشاورز همان اسمی را که او از ابرها شنیده بود، نام برد. گفت: اسم تو را شنیده بودم و صدای غیبی می گفت: مزرعه ی

۱- البداية و النهایة (۵۰/۱)

۲- سنن ترمذی (۶۴/۳) شماره (۲۴۹۲) و صحیح الجامع (۱۸۸/۳)

فلانی را آبیاری کن. باران بارید و این همان آبی است که مزرعات را با آن آبیاری می کنی. تو با محصول این مزرعه چه می کنی؟ مرد کشاورز گفت: اکنون که تو این را گفتی ناچارم تو را پاسخ دهم. من یک سوم محصول را صدقه می دهم، و یک سومش را برای خود و خانواده ام خرج می کنم، و یک سوم دیگر را در خود مزرعه و زمین هزینه می کنم.^۱

بهر حال فرشتگان مأمور امور زمین و آسمانها هستند، و هر حرکتی که در جهان هستی بوجود آید، منشأ آن فرشتگان هستند. همانطور که خداوند می فرماید:

﴿فَالْمُدْرِبَاتِ أَمْرًا﴾ [نازعات: ۴-۵]

یعنی: و سوگند به همه چیزهایی که (با ویژگیهایی که بدانها داده شده است) به اداره امور می پردازند! و فرمود: ﴿فَالْمُقْسِمَاتِ أَمْرًا﴾ یعنی: و سوگند به فرشتگانی که کارها را (میان خود برابر فرمان یزدان) تقسیم کرده اند!

تکذیب کنندگان نبوت و منکران خالق هستی می گویند: همه ی این امور توسط ستارگان انجام می گیرند. ولی مدیر و گرداننده ی همه ی این امور خداوند ﷻ است که آن را توسط فرشتگان اجرا می کند. همانطور که در قرآن می فرماید:

﴿وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا فَالْعَصْفَاتِ عَصْفًا وَالنَّشْرِتِ نَشْرًا فَالْمُفْرِقَتِ فَرْقًا فَالْمُلْقِيَتِ ذِكْرًا﴾ [مرسلات: ۱-۵]

و می فرماید: ﴿وَالنَّزْعَتِ غَرَقًا وَالنَّشِطَتِ نَشْطًا وَالسَّيْحَتِ سَبْحًا فَالسَّبْقَاتِ سَبْقًا﴾ ﴿۴﴾ فالْمُدْرِبَاتِ

﴿أَمْرًا﴾ [نازعات: ۱-۵]

و می فرماید:

﴿وَالصَّافَاتِ صَفًا فَالزَّجْرَتِ زَجْرًا فَالتَّلِيَّتِ ذِكْرًا﴾ [صافات: ۱-۳]

تمام این آیه های قرآن در مورد گردانندگان امور زمین و آسمانها توسط فرشتگان، سخن می گویند.

فصل پنجم:

مفاضله و برتری میان فرشته و انسان

اختلاف نظر در این موضوع دیرینه است

ابن کثیر می‌گوید: مردم در مورد برتری فرشتگان بر انسانها اختلاف نظر دارند، و دیدگاه‌های گوناگونی در این باره نقل شده است، و بیشترین مسئله در کتابهای متکلمان مطرح شده، و اختلاف نظر با معتزله و پیروان آنهاست.^۱

قدیمی‌ترین دیدگاه در این موضوع، آن است که حافظ ابن عساکر در تاریخ خود در شرح زندگانی عمرو بن سعید بن عاص نقل کرده، آنجا که می‌گوید: عمرو بن سعید بن عاص در مجلس عمر بن عبدالعزیز حاضر شد در حالی که تعدادی از مردم حضور داشتند. عمر بن عبدالعزیز گفت: هیچ انسانی نزد خداوند گرامی‌تر از انسان مؤمن و نیکوکار نیست و از این آیه استدلال نمود که می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ﴾ [بینا: ۷]

یعنی: همانا کسانی که مؤمن اند و کارهای شایسته انجام می‌دهند، بهترین انسانها هستند.

امیه بن عمرو بن سعید نیز با نظریه ی عمر بن عبدالعزیز موافق بود، عراق بن مالک می‌گوید: هیچ کسی نزد خداوند از فرشتگان گرامی‌تر نیست. فرشتگان خادمان هر دو جهان و پیام آوران پروردگار بسوی پیامبران هستند. و ایشان برای ادعای خود به این آیه استدلال

نمود: ﴿ وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَتَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ ﴾ [اعراف: ۲۰]

یعنی: ابلیس گفت: پروردگارتان شما را از این درخت باز نداشته است، مگر بدان خاطر که (اگر از این درخت بخورید) دو فرشته می‌شوید، و یا این که (جاودانه می‌گردید و) از زمره ی ساکنان همیشگی بهشت خواهید شد.

عمر بن عبدالعزیز به محمد بن کعب قرظی گفت: ای ابا حمزه! نظر تو چیست؟ گفت: خداوند آدم را گرامی داشته است، و با دست خود او را آفریده، و از روح خود در آن دمیده، و به فرشتگان را دستور داده تا او را سجده کنند، و از فرزندان او پیامبران را برگزیده است. و از میان انسانها کسانی هستند که فرشتگان به زیارت آنان می‌روند.

محمد بن کعب با عمر بن عبدالعزیز در این موضوع موافق و به دلایل دیگری غیر از دلایل او استناد کرد.

آنچه که ابن کثیر از عمر بن عبدالعزیز رضی الله عنه و جلساتش پیرامون این موضوع بیان نموده است، بیانگر خطا و اشتباه تاج الدین فرازی است که می‌گوید: این موضوع (برتری آدم بر فرشتگان) از بدعتهای علم کلام است که علمای صدر اول اسلام و بعد از آن در این باره سخنی نگفته‌اند.^۱

این دیدگاه فرازی درست نیست؛ زیرا در صدر اول اسلام، حتی در دوران صحابه نیز در این باره سخن به میان آمده است. عبدالله بن سلام رضی الله عنه می‌گوید: خداوند هیچ کس و هیچ مخلوقی را گرامی‌تر از محمد صلی الله علیه و آله و سلم نیافریده است. پرسیده شد: حتی جبرئیل و میکائیل؟ در پاسخ خطاب به سؤال کننده فرمود: «أندري ما جبرئيل و ميكائيل؟» آیا جبرئیل و میکائیل چه کسانی هستند؟ آنها از جمله مخلوقاتی هستند که مانند خورشید و ماه مسخرند، و خداوند هیچ مخلوقی را گرامی‌تر از محمد نیافریده است.^۲

۱- شرح عقیده طحاوی (۳۳۹)

۲- (حاکم فی المستدرک نقل کرده، و با ذهبی آن را صحیح دانسته‌اند)

دیدگاه‌های مختلف در خصوص مساله مذکور

شارح عقیده ی طحاویه می گوید: عقیده اهل سنت این است که تنها انسانهای نیکوکار و پیامبران بر فرشتگان برتراند. معتزله فرشتگان را برتر از انسان می‌دانند، و اشعری ها دو دیدگاه متفاوت دارند: بعضی پیامبران و اولیا را برتر از فرشتگان می‌دانند، و برخی دیگر سکوت و توقف نموده و نظریه قطعی ارائه نمی دهند. البته از برخی برتر بودن فرشتگان نقل شده است، و همین نظریه از برخی دیگر از اهل سنت و صوفیه نقل شده است.

شیعه می گوید: تمام امامان از همه ی فرشتگان برترند.

هیچ یک از کسانی که گفتارشان معتبر است، اظهار نظر نکرده اند که فرشتگان بر برخی از پیامبران برتری دارند. گفته شده که امام ابوحنیفه در این موضوع توقف نموده، و شارح عقیده طحاویه این نظریه را ترجیح داده است.^۱

سفارینی نقل کرده که امام احمد رحمه الله گفته است: کسی که فرشتگان را برتری داده، مرتکب خطا و اشتباه شده، و هر مؤمنی برتر از فرشته است.^۲

سرچشمه‌ی اختلاف

در بحث برتری انسان بر فرشته، منظور کفار و منافقان نیستند. زیرا آنان بطور یقین از چهارپایان گمراه تر هستند، آنجا که می فرماید:

﴿أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ﴾ [اعراف: ۱۷۹]

۱- شرح عقیده الطحاویه (۳۳۸)

۲- لوامع انوار البهیه (۳۹۸/۲)

همچنین منظور برتری حقیقت انسان بر حقیقت فرشتگان نیست، بلکه مقایسه میان برتری انسانهای پاک با فرشتگان است. اگر چه بعضی گفته اند: فرشتگان از سایر مؤمنان برترند، ولی مورد اختلاف برتری میان پیامبران و میان فرشتگان است.

دلایل کسانی که معتقدند انسانهای نیکوکار برتر از فرشتگان هستند

پس از آنکه اختلاف مورد نظر را مشخص نمودیم، اکنون دلیل کسانی را بیان می‌کنیم که انسانهای پاک و شایسته را بر فرشتگان برتری می‌دهند.

۱- خداوند به فرشتگان دستور داد تا آدم را سجده کنند. اگر خداوند آدم را برتر نمی‌نمود، به فرشتگان دستور نمی‌داد تا آدم را سجده کنند.

آنجا که فرمود:

﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ﴾ [بقره: ۳۴]

یعنی: و هنگامی (را یادآوری کن) که به فرشتگان گفتیم: آدم را سجده کنید همگی سجده بردند جز ابلیس که سر باز زد و تکبر ورزید.

برخی هم در ردّ این دلیل می‌گویند: سجده‌ی فرشتگان برای خداوند بود، و آدم تنها قبله‌ی فرشتگان بود. ولی این استدلال اشتباه است؛ زیرا اگر چنین می‌بود، می‌گفت: «اسجدوا لی آدم» یعنی: بسوی آدم سجده کنید و نمی‌فرمود: (اسجدوا لِآدَمَ).

اگر منظور از ذکر آدم فقط قبله می‌بود، شیطان از سجده کردن خودداری نمی‌کرد و گمان نمی‌برد که از آدم بهتر است. زیرا قبله از سنگ است، و سنگ را قبله قرار دادن، به معنای برتری آن بر سجده‌کنندگان نیست.

البته سجده‌ی فرشتگان برای آدم، در واقع عبادت و فرمانبرداری از خدا، و موجب نزدیکی بسوی او بود، همچنین بیان عظمت و کرامت آدم بود.

در هیچ روایتی نیامده که آدم فرشتگان را سجده کرده باشد، بلکه به آدم و فرزندان او دستور داده شده تا فقط خداوند ﷻ را سجده کنید؛ زیرا خدا می‌داند که آنان شرافتمندترین مخلوقات بودند و نیکوترین فرزندان آدم هستند و جز پروردگار کسی دیگر برتر از فرزندان آدم نیست که سجده شود.

۲- در قرآن مجید به نقل از ابلیس آمده است:

﴿ قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَنَا عَلَىٰ آلِهَتِنَا يَا سَاطِرُ ۖ قَالَ بَلَىٰ أَرَأَيْتَ إِنْ كُنَّ نَجَسًا مُّبِينًا ۚ ﴾ [اسراء: ۶۲]

یعنی: شیطان گفت: به من بگو آیا این همان کسی است که او را بر من گرامی داشته‌ای؟!

این آیه به صراحت حکایت از برتری آدم بر ابلیس دارد.

۳- خداوند آدم را با دست خود، و فرشتگان را با حکمش آفرید.

۴- خداوند ﷻ خطاب به فرشتگان فرمود: ﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً ۗ﴾ [بقره: ۳۰]

یعنی: من در زمین جانشینی بیافرینم. از این رو جانشین بر کسی که خلیفه نیست برتری دارد، و فرشتگان متقاضی شدند که خلافت در میان آنان و خلیفه از آنان باشد. زیرا می‌گفتند:

﴿ أَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ ۗ ﴾
یعنی: آیا در زمین کسی را به وجود می‌آوری که فساد و تباهی می‌کند و خونها خواهد ریخت، و حال آن که ما (پیوسته) به حمد و ستایش و طاعت و عبادت تو مشغولیم؟

بنابراین اگر خلافت رتبه ی والاتر از رتبه ی فرشتگان نمی بود، آنان هرگز متقاضی آن نشده و به مقام و منزلت آدم رشک نمی بردند.

۵- برتری انسان بر فرشتگان بوسیله ی علم است، وقتی که خداوند نام اشیاء را از

فرشتگان پرسید و جواب ندادند، بلکه اعتراف کردند که خوب نمی دانند، سپس آدم نامها را به فرشتگان خبر داد.

خداوند می فرماید:

﴿ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴾ [زمر: ۹]

آیا کسانی که می دانند، با کسانی که نمی دانند، برابر و یکسانند؟!

۶- یکی از دلایل برتری آدم بر فرشتگان این است که اطاعت نمودن انسان بسیار مشکل تر است از اطاعتی که فرشتگان برای خداوند انجام می دهند؛ زیرا سرشت بشر همواره توأم با غرایزی همچون شهوت، حرص و آز، خشم و هوسهای نفسانی آفریده شده است، ولی فرشتگان از چنین غرایزی پاک هستند.

۷- علمای سلف احادیثی که بیانگر برتری آدم بر فرشتگان هستند را در مجامع و محافل عمومی بیان کرده اند، و اگر برتری آدم موضوع ناپسند و منکری می بود، آن را رد می کردند، و این رد نکردن دلالت بر اعتقاد آنان است.

۸- مباهات خداوند به وجود بندگان در حضور فرشتگانش. آری، هرگاه بندگان انجام وظیفه می کنند، و نمازهای واجب را برپا می دارند، خداوند به وجود آنان در برابر فرشتگان مباهات می کند. در مسند امام احمد و سنن ابن ماجه از عبدالله بن عمرو رضی الله عنه روایت شده است، که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«أُبَشِّرُوا مَعْشَرَ الْمُسْلِمِينَ هَذَا رَبُّكُمْ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ فَتَحَ بَابًا مِنْ أَبْوَابِ السَّمَاءِ يُبَاهِي بِكُمْ الْمَلَائِكَةَ يَقُولُ يَا مَلَائِكَتِي انظُرُوا إِلَى عِبَادِي هَؤُلَاءِ أَدْوَأُ فَرِيضَةً وَهُمْ يَتَنظَرُونَ أَخْرَى»^۱ یعنی: ای جماعت مسلمانان! مژده باد، این پروردگار است که دری از درهای آسمان را گشوده و به وجود شما در برابر فرشتگان مباهات می کند و می فرماید: ای فرشتگان! به بندگان من نگاه کنید، آنان یک فرض را انجام داده و منتظر فرض دیگری هستند.

ابوهریره رضی الله عنه می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند به وجود زائران میدان عرفات (روز عرفه) در مقابل ساکنان آسمانها فخر ورزیده و خطاب به آنان می فرماید: به این بندگانم بنگرید، آنها ژولیده‌مو و خاک آلود به پیشگاه من آمده‌اند.^۱

دلایل کسانی که معتقد به برتری فرشتگان بر انسان هستند

۱- به این حدیث قدسی استدلال کرده‌اند: «فَإِنْ ذَكَرْتَنِي فِي نَفْسِهِ ذَكَرْتُهُ فِي نَفْسِي وَفِي ذَكَرْتَنِي فِي مَلَأٍ ذَكَرْتُهُ فِي مَلَأٍ خَيْرٍ مِنْهُ» یعنی: هرکس مرا نزد خود یاد کند، من هم او را نزد خود یاد می‌کنم، و هرکس مرا در جمع یاد کند، من در میان جمع بهتری از او یاد می‌کنم.

۲- استدلال دوم آنان این است که در سرشت انسان نقص و کوتاهی و لغزش و بیهوده‌گویی وجود دارد، در حالی که فرشتگان از این امور پاک هستند.

۳- خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ﴾ [انعام: ۵۰]

یعنی: من به شما نمی‌گویم که من فرشته‌ام.

این آیه بیانگر برتری فرشتگان بر انسانهاست.

تحقیق و بررسی

بهترین دیدگاه در این موضوع، نظریه علامه ابن تیمیه رحمه الله است که می‌گوید: «بندگان نیکوکار از نظر سرانجام و عاقبت خوب، برتر هستند، و این زمانی است که بندگان صالح وارد بهشت شوند و به قرب و جایگاه والایی نائل گردند؛ و در بالاترین منازل بهشت سکونت یابند، و خداوند به آنان سلام و خوش آمد گفته، و آنها را

۱- صحیح الجامع (۱۴۱/۲)

بیشتر به خود نزدیک نماید، و از دیدار سیمای با عظمت و زیبای خداوند لذت ببرند، و فرشتگان به فرمان خداوند در خدمت آنان باشند.

ولی از نظر آنان فرشتگان بر انسانها برتری دارند؛ زیرا فرشتگان اکنون در آسمانها هستند، و از آلودگی‌هایی که انسانها بدان مبتلا هستند پاک و منزه اند، و همواره به عبادت پروردگار مشغولند، و این احوال فرشتگان اکنون از حالتهای انسان کامل تر و برتر است.

ابن قیم جوزی رحمه الله می گوید: راز برتری با این تفصیل آشکار می گردد، و دلایل هر دو گروه صحیح است و هر دو گروه با دلایلی که دارند بر حق هستند.^۱ (والله اعلم بالصواب) و خداوند ﷻ به حقیقت و درستی داناتراست.

۱- بمنظور کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه به منابع زیر مراجعه نمایید: (مجموع الفتاوی: ۳۵۰/۱۱) و (لوامع انوار البهیة:

۳۶۸/۲) و (شرح عقیده الطحاویة: ۳۳۸)

فهرست منابع

- ۱- ابن قيم، اغائة اللهفان .
- ۲- ابن كثير، البداية و النهاية .
- ۳- فيروز آبادى، بصائر ذوى التميز .
- ۴- آلبانى، ناصر الدين، تخريج أحاديث فضائل الشام .
- ۵- ابن كثير، تفسير ابن كثير .
- ۶- ولى الله دهلوى، حجة الله البالغة .
- ۷- شرح العقيدة الطحاوية .
- ۸- آلبانى، ناصر الدين، سلسلة الأحاديث الصحيحة .
- ۹- آلبانى، ناصر الدين، صحيح الجامع الصغير .
- ۱۰- اشقر، عمر سليمان، العقيدة فى الله .
- ۱۱- السفارينى، لوامع الانوار البهية (عقيدة السفارينى) .
- ۱۲- ابن تيمية، مجموعه فتاوى . (جمع آورى ابن قاسم) .
- ۱۳- شيخ حافظ الحكمى، معارج القبول .